بسم الله الرحمن الرحیم

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ

آمادگی دفاعی

پایهٔ نهم دورهٔ اوّل متوسطه

وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

نام کتاب:	آمادگی دفاعی ـ پایهٔ نهم دورهٔ اوّل متوسطه ـ ۹۱۵
پدیدآورنده:	سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف:	دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری
شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف:	خدایار ابراهیمی، احمد باغ‌شیخی، یارمحمد بای، علی تقوایی، قاسم جهانی، مریم دلاوری، محمود سلیمانی، رحمت‌اله مشهدی، محمدرضا مقدادی، احمد یارمحمدی، عسگر ملکی بیرجندی، محمدرضا نایینی، شهید احد فتوحی و شهاب قهرمانی (اعضای شورای برنامه‌ریزی) محمدرضا مقدادی، احمد یارمحمدی، محمد کفاشان، صالح یاری، شهید احد فتوحی، محمد سبزیان، رحیم مخدومی، بهزاد کاظمی، روح‌اله نادری، خدایار ابراهیمی، یارمحمد بای و محمود سلیمانی (اعضای گروه تألیف) - بازنگری کلی به یاد شهید احد فتوحی، شهید قهرمان جنگ تحمیلی دوم با همکاری: صبا بختیار، مهدی جلالی، محمود حدادی، اکبر جَزلی، سعید زاهدی، حسن زیار، علی سلطانی، امیرحسین سلیمانی، لطیف عیوضی، حامد فاطمی‌روش، غلامرضا فلسفی، روزبه کهنمویی، علی لطیفی، نجمه محمدی، مهدی موسوی‌نیا، سجاد مهدی‌زاده، فروغ‌سادات نجفی - با همکاری سازمان بسیج مستضعفین، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس و جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران - جعفر رتانی (ویراستار)
مدیریت آماده‌سازی هنری:	ادارهٔ کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی
شناسه افزوده آماده‌سازی:	احمدرضا امینی (مدیر امور فنی و چاپ) - جواد صفری (مدیر هنری) - مجتبی زند (طراح گرافیگ) - مریم کیوان (طراح جلد) - سوروش سعادتمندی (صفحه‌آرا) - الهام محبوب (تصویرگر) - فاطمه باقری‌مهر، زهرا رشیدی مقدم، نیلوفر صفادل، فریبا سیر و حمید ثابت کلاچاهی (امور آماده‌سازی)
نشانی سازمان:	تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شمارهٔ ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی) تلفن: ۹-۸۸۸۳۱۱۶۱، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹ وبگاه: www.chap.sch.ir و irtextbook.ir.www
ناشر:	شرکت چاپ‌ونشر کتاب‌های درسی ایران: تهران - کیلومتر ۱۷ جادهٔ مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروپخش) تلفن: ۴۴۹۸۵۱۶۱-۵، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۳۷۵۱۵.۱۳۹
چاپخانه:	شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»
سال انتشار و نوبت چاپ:	چاپ اول ۱۴۰۵

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به‌صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس‌برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع بدون کسب مجوز از این سازمان ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

شابک ۳- ۳۸۵۹ - ۰۵ - ۹۶۴ - ۹۷۸
ISBN 978 - 964 - 05 - 3859 - 3



هر انسان مخلص و متعهّدی که آمادگی دفاعی را لازمهٔ حیات جامعهٔ اسلامی بداند در نزد خدا آبرو پیدا می‌کند.

امام خمینی «قُدِّسَ سِرُّهُ»

فهرست

فصل اوّل: مفاهیم و ضرورت آمادگی دفاعی ۹

درس اوّل: تهدید چیست؟ دشمن کیست؟ ۱۰
درس دوم: موقعیت ایران و تهدیدهای آن ۲۵

فصل دوم: فرهنگ دفاعی ما ۳۹

درس سوم: روایت فتح ۴۰
درس چهارم: باید برخاست ۵۹
درس پنجم: رویارویی قدرت‌ها ۸۶

فصل سوم: مهارت‌های دفاعی ۱۰۳

درس ششم: نظام جمع و مهارت‌های رزم ۱۰۴
درس هفتم: پدافند غیرعامل ۱۳۳
درس هشتم: جنگ پنهان ۱۴۱
درس نهم: امداد و نجات ۱۵۸

سخنی با دبیران گرامی

آمادگی دفاعی در حال حاضر از درس‌های الزامی دوره‌های اول و دوم متوسطه است.

عناوین درسی این کتاب براساس نقشهٔ جدید درس آمادگی دفاعی تعیین شده و محتوای آن با در نظر گرفتن شرایط امروز و متناسب با نیاز دانش‌آموزان برنامه‌ریزی شده است. براین اساس تلاش شده است به این سؤالات پاسخ داده شود که تهدید چیست؟ دشمن کیست؟ موقعیت ایران و تهدیدهای آن چیست؟ انقلاب اسلامی چگونه مدافع ایران در برابر تهدیدات نظام سلطه بوده است؟ دشمنان در برابر این ابتکار ملت ایران چه جنگ‌هایی را بر ایران تحمیل کرده‌اند و برآیند این تهاجم و دفاع چگونه ایران را به‌عنوان یک قدرت مهم در برابر قدرت‌های سلطه‌گر قرار داده است؟ و در نهایت اینکه چگونه باید از ایران دفاع کرد و مهارت‌های آن کدامند؟

با توجه به توضیحات فوق، به‌منظور اجرای مناسب این برنامهٔ درسی وتحقق اهداف پیش‌بینی شده، از دبیران گرامی‌و دانش‌آموزان عزیز انتظار می‌رود به نکات زیر توجه کنند:

۱ـ از آنجا که محتوای این کتاب براساس روش آموزشی فعال تألیف شده، از دانش‌آموزان خواسته شود که با مشارکت در پاسخ دادن به پرسش‌های متن هر درس و انجام فعالیت‌های انفرادی و جمعی، در آموزش درس نقش فعال داشته باشند.

به دبیران محترم نیز توصیه می‌شود با جلب مشارکت دانش‌آموزان، کلاس درس را به‌گونه‌ای هدایت کنند تا جریان یاددهی ـ یادگیری به‌صورت مطلوب انجام پذیرد.

۲ـ نحوهٔ ارزشیابی درس براساس دو بخش، ۱۲ نمرهٔ کتبی و ۸ نمرهٔ عملی، است که طی دستورالعملی با هماهنگی سازمان بسیج دانش‌آموزی به مدارس ابلاغ شده است.

۳ـ به مدیران محترم مدارس توصیه می‌شود برای آموزش مطلوب برخی از موضوعات مانند موضوعات مربوط به حماسهٔ دفاع مقدس و جنگ‌های تحمیلی اخیر، با هماهنگی سرمربیان آمادگی دفاعی ناحیهٔ مقاومت بسیج شهرستان و حوزه بسیج دانش‌آموزی، از حضور معنوی ایثارگران دوران دفاع مقدس در مدرسه به‌منظور انتقال مفاهیم و ارزش‌های آن دوران به دانش‌آموزان استفاده کنند.

۴ـ به دبیران گرامی توصیه می‌شود با هماهنگی مسئولان مدرسه و سرمربیان آمادگی دفاعی نواحی مقاومت بسیج و حوزه بسیج دانش‌آموزی در دروس مهارتی (نظام جمع و مهارت‌های رزم انفرادی، پدافند غیرعامل و امداد و نجات) که علاوه بر تدریس کلاسی، به صورت عملی نیز اجرا می‌شود، با متصدیان مربوطه همکاری کنند.

در پایان خداوند بزرگ را سپاسگزاریم که به ما توفیق داد تا این کتاب درسی را آماده کنیم و در اختیار دانش‌آموزان قرار دهیم.
امیدواریم با تدبیر و تلاش دبیران گرامی و مشارکت فعال دانش‌آموزان، قدمی در جهت حفظ استقلال و سربلندی میهن عزیزمان برداریم. لطفاً نظرات و پیشنهادهای خود را از طریق رمزینه نظرسنجی کتاب درسی برای ما ارسال نمایید.

گروه درسی آمادگی دفاعی

نظرسنجی کتاب درسی

دانش‌آموزان عزیز!

اکنون که شما توانایی و دانایی‌های لازم را کسب کرده‌اید تا در این سال درس آمادگی دفاعی را بیاموزید و به‌کار ببندید بسیار خوشحالیم.
شما در سال‌های قبل با مباحث دفاع مقدس در درس‌های مطالعات اجتماعی، فارسی ، هدیه‌های آسمان و برخی از فعالیت‌های درسی و پرورشی آشنا شده‌اید.
در کتابی که پیش رو دارید تلاش شده به این سؤالات پاسخ داده شود که تهدید چیست؟ دشمن کیست؟ کشوری که در آن زندگی می‌کنیم چه ویژگی‌ها و موقعیتی دارد؟ و چرا دشمنان به آن حمله می‌کنند؟ انقلاب اسلامی چگونه کشور ما را سربلند کرد؟ و چه شد که ایران قدرتمند شد؟ و اکنون برای حفظ این قدرت و توانمندی چه مهارت‌هایی را باید یاد بگیریم و به‌کار ببندیم؟
برای یادگیری هرچه بهتر این درس لازم است کلیه درس‌ها و فعالیت‌ها را به‌صورت عملی و با تحقیق، پرسش و بحث گروهی همراه سازید. در این راه علاوه بر دبیر محترم درس، سرمربی آمادگی دفاعی نواحی مقاومت بسیج در قالب اردوهای عملی این درس که در طول سال تحصیلی دو بار برگزار می‌شود، شما را همراهی خواهند کرد .
در سال بعد نیز درس آمادگی دفاعی به‌صورت گسترده‌تر و همراه با فعالیت‌های اردویی، آموزش نظامی و مهارتی میهمان جمع صمیمی شما خواهد بود.
از شما عزیزان تقاضا داریم، قدر این فرصت‌ها را بدانید و توانایی‌ها و مهارت‌های خود و دیگران را در راستای اهداف این درس افزایش دهید. همچنین اگر می‌توانید بحث‌های مختلف کتاب را در محیط خانوادگی مطرح کنید.
بدیهی است هر قدر ما آماده‌تر و توانمندتر باشیم دشمنان اسلام و ایران جرئت تجاوز به ایران و مقابله با ما را نخواهند داشت.

گروه درسی آمادگی دفاعی
دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری



شهید محمدحسین فهمیده

محمدحسین فهمیده، فرزند محمدتقی در سال ۱۳۴۶ در قم چشم به جهان گشود. تا چهارم ابتدایی را در قم گذراند؛ سپس با خانواده‌اش به کرج مهاجرت کرد و تحصیلاتش را در آنجا ادامه داد.

وی نوجوانی فهمیده، خوش برخورد، شجاع، باغیرت و کوشا بود و علاقهٔ زیادی به مطالعه داشت. با اینکه به سن تکلیف نرسیده بود، نماز می‌خواند و احترام خاصّی برای پدر و مادرش قائل بود.

امام خمینی از این نوجوان ۱۳ساله به عنوان «رهبر ما» یاد کرد و بدین‌گونه نام و یاد او، منشأ افتخار و سرافرازی شد. فهمیده با وجود سن کم، خود را برای دفاع از ایران به خرمشهر رساند و در ۸ آبان ۱۳۵۹به شهادت رسید.

از این‌رو روز هشتم آبان را به یاد این نوجوان بسیجی، روز بسیج دانش‌آموزی و روز نوجوان نام‌گذاری کرده‌اند؛ شهید فهمیده نه تنها اسوهٔ رشادت و مقاومت ملّی، بلکه الگوی همهٔ نوجوانان و جوانان برای یک زندگی عزتمندانه در دفاع از اسلام و میهن اسلامی‌است.

گفتنی است که سه‌سال بعد از شهادت محمدحسین فهمیده، برادر او داود نیز در جبهه‌های نبرد به شهادت رسید.

فصل اوّل

مفاهیم و ضرورت آمادگی دفاعی



درس اوّل

تهدید چیست؟ دشمن کیست؟



آنچه می‌دانیم

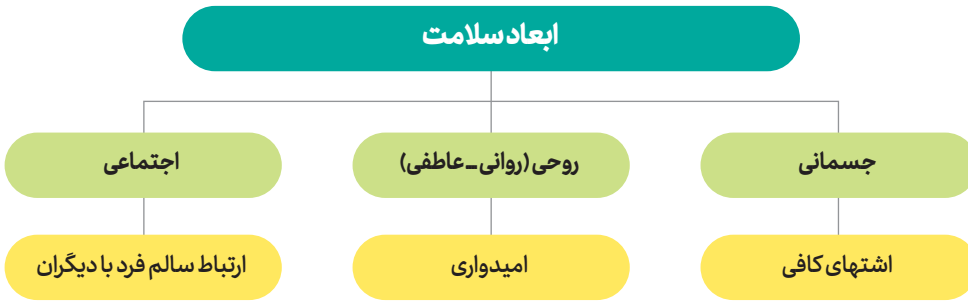
پیش از آغاز درس، دانسته‌های خود را مرور کنیم:
پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «دو نعمت است که بسیاری از مردم قدر آن را نمی‌دانند: سلامت و امنیت.»
می‌دانیم که برای شناخت بهتر هر مفهوم، می‌توان آن را با مفاهیم دیگر مقایسه کرد تا شباهت‌ها و تفاوت‌های آنها روشن شود. اکنون بیایید سلامت و امنیت را با یکدیگر مقایسه کنیم.

معمولاً آشنایی ما با مفهوم سلامت بیشتر از مفهوم امنیت است. پس بهتر است بحث را از سلامت آغاز کنیم. برای این کار، ابتدا ببینیم درباره سلامتی چه می‌دانیم. به پرسش‌های زیر پاسخ دهید:

سلامتی چیست؟ شما چه تعریف یا برداشتی از آن دارید؟

بیشتر ما تصور می‌کنیم اگر بیمار نباشیم، از سلامتی برخورداریم. اما ابوعلی سینا، دانشمند و پزشک بزرگ ایرانی، سلامت را حالتی می‌داند که در آن، بدن وظایف خود را به‌درستی و به‌طور طبیعی انجام دهد.

امروزه سلامت را فقط نداشتن بیماری یا نقص عضو نمی‌دانند، بلکه آن را برخوردار بودن فرد از آسایش جسمی، روحی ـ روانی و اجتماعی می‌شمارند. بنابراین، سلامت سه بُعد اصلی دارد: سلامت جسمانی، سلامت روحی (روانی ـ عاطفی) و سلامت اجتماعی.



بهداشت چیست؟ شما چه تعریف یا برداشتی از آن دارید؟

بهداشت، خودِ سلامتی نیست، بلکه راه تأمین، حفظ و ارتقای سلامتی است. به بیان دیگر، بهداشت مجموعه اقداماتی است که برای سالم ماندن و افزایش سطح سلامت انجام می‌شود. بهداشت دو روش اصلی دارد:

۱ـ پیشگیری

۲ـ درمان

به نظر شما، برای حفظ سلامت، کدام یک از این دو روش اهمیت بیشتری دارد؛ پیشگیری یا درمان؟ چرا؟ فکر کنید کدام روش کم‌هزینه‌تر، مطمئن‌تر و مؤثرتر است.

فعالیت

اکنون با توجه به آنچه تاکنون درباره سلامت آموخته‌اید، توضیح دهید میان سلامت، بهداشت و بیماری چه ارتباطی وجود دارد. سپس بگویید آیا با معادلهٔ زیر موافق هستید؟ چرا؟

بیماری ↓↑ < > بهداشت ↓↑ = سلامتی ↓↑

اگر بهداشت بر عوامل بیماری‌زا غلبه کند، زمینه حفظ و تقویت سلامتی فراهم می‌شود؛ اما اگر بیماری بر بهداشت چیره شود، سلامتی ضعیف شده یا حتی از بین می‌رود.

آنچه می‌دانیم

ما معمولاً بهداشت و سلامت را ویژگی فردی می‌دانیم و این دو واژه را برای توصیف افراد به کار می‌بریم. به همین دلیل، افرادی را که به سلامت و بهداشت خود اهمیت می‌دهند، تشویق و کسانی را که به آن اهمیت نمی‌دهند سرزنش می‌کنیم.

اما بهداشت و سلامت، تنها ویژگی فردی نیست؛ بلکه ویژگی گروه‌ها، جمعیت‌ها، جامعه و کشور نیز محسوب می‌شود. امروزه بهداشت و سلامت، از مهم‌ترین ویژگی‌های هر جامعه و یکی از عوامل اساسی پیشرفت آن محسوب می‌شود. به همین دلیل، تأمین سلامت مردم از وظایف اصلی دولت‌هاست. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و همچنین قوانین و پیمان‌نامه‌های بین‌المللی نیز بر حفظ و ارتقای بهداشت و سلامت جامعه تأکید کرده‌اند.

امروزه برای سنجش میزان بهداشت و سلامت جوامع، از سنجه‌ها یا شاخص‌های مختلفی استفاده می‌شود؛ از جمله:

- میزان دسترسی مردم به غذای سالم؛
- بهره‌مندی عادلانهٔ مردم از خدمات سلامت؛
- امید به زندگی؛
- کیفیت خدمات عمومی و مراقبت‌های بهداشتی و میزان سواد سلامت؛

- پیشرفت آموزش علوم پزشکی؛
- ذخایر راهبردی داروها و تجهیزات پزشکی؛
- میزان مرگ‌ومیر؛
- شیوع کم‌تحرکی، چاقی، مصرف دخانیات و دیگر شاخص‌های مرتبط.

فعالیت

در جوامع مختلف، دولت‌ها می‌کوشند سیاست‌های بهداشت و سلامت خود را با اموری مانند بیمهٔ درمانی، تأمین اجتماعی و نظام پزشکی پشتیبانی کنند. حالا با گفت‌وگو با یکدیگر و با استفاده از دانسته‌های قبلی خود پاسخ دهید: اگر یک جامعه در شناسایی تهدیدها و آسیب‌های سلامت و بهداشت دچار اشتباه شود برای مثال، در واکسیناسیون اطفال کوتاهی کند، چه پیامدها و مشکلاتی برای آن جامعه به وجود می‌آید؟



دکتر محمد قریب از پزشکان برجستهٔ ایران و از بنیان‌گذاران پزشکی نوین در کشور بود. او سال‌های زیادی از عمر خود را صرف درمان کودکان، آموزش پزشکان و گسترش خدمات پزشکی کرد.

دکتر قریب با دانش، تلاش و احساس مسئولیت خود، به درمان بیماران فراوانی کمک کرد و از این راه، جان هزاران کودک را نجات داد.

او نشان داد که خدمت به سلامت مردم، یکی از مهم‌ترین راه‌های تأمین امنیت جامعه است. دکتر محمد قریب معتقد بود هیچ کودکی نباید به دلیل ناتوانی مالی از درمان محروم بماند. بسیاری از شاگردان او نقل کرده‌اند که استاد با مهربانی به بیماران، به ویژه کودکان خانواده‌های کم‌برخوردار، رسیدگی می‌کرد و طبابت را پیش از آنکه یک شغل بداند، وظیفه‌ای انسانی می‌شمرد.

از سلامت تا امنیت



اکنون باید ببینیم چگونه می‌توان از مفهوم سلامت به مفهوم امنیت رسید. برای این کار، سلامت و امنیت را با یکدیگر مقایسه می‌کنیم تا از دانسته‌های خود درباره سلامت، در شناخت بهتر امنیت کمک بگیریم.

معادلهٔ سلامت را به یاد بیاورید. خواهید دید که امنیت نیز معادلهٔ مشابهی دارد.

امنیت، مانند سلامت، هم ویژگی فرد است و هم ویژگی جامعه؛ اما بیشتر برای توصیف وضعیت جامعه و کشور به کار می‌رود.

همان‌گونه که سلامت بر حسب رابطه میان بیماری و بهداشت فهمیده می‌شود، امنیت نیز به رابطهٔ میان دو مؤلفهٔ «تهدید» و «دفاع» بستگی دارد.

تهدید، دفاع و امنیت چه ارتباطی با یکدیگر دارند و چگونه معادلهٔ امنیت را شکل می‌دهند؟

- وجود تهدید، یا حتی احساس و ادراک آن، باعث می‌شود کشوری احساس ناامنی کند. (شناسایی تهدید و ارزیابی میزان خطر)
- برای مقابله با تهدید، هر کشور راهبردها و سازوکارهای دفاعی مناسب خود را طراحی و اجرا می‌کند. (طراحی راهبرد دفاعی)
- اگر دفاع مؤثر باشد، سطح امنیت کشور افزایش می‌یابد، اما اگر مؤثر نباشد، امنیت کاهش پیدا می‌کند. (تقویت یا تضعیف امنیت)

تهدید ↓↑ <> دفاع ↓↑ = امنیت ↓↑

اگر توان دفاعی یک کشور از شدت تهدیدهای آن بیشتر باشد، سطح امنیت آن افزایش می‌یابد. اما اگر تهدیدها از توان دفاعی کشور قوی‌تر باشند، ناامنی به وجود می‌آید.

بنابراین، تهدید عامل ایجاد ناامنی است و دفاع راه مقابله با آن به شمار می‌رود. پس امنیت نتیجه موفقیت دفاع در مهار تهدید است.

پس امنیت هر کشور به دو عامل اصلی بستگی دارد:

۱ـ تهدیدهای بیرونی (همراه با میزان آسیب‌پذیری‌های درونی)؛

۲ـ قدرت دفاعی کشور.

به بیان دیگر در معادلهٔ امنیت کشور:

تهدید، «مسئله» است

دفاع، «راه‌حل مسئله»

و امنیت، نتیجهٔ آن است.

برای شناخت و حل هر مسئله، باید ابتدا خودِ مسئله را به‌درستی بشناسیم، نه اینکه از راه‌حل یا نتیجه آغاز کنیم. آیا شما نیز با این نظر موافق هستید؟

فعالیت



یکی از بهترین راه‌های شناختن و توضیح دادن یک موضوع، مقایسه کردن آن با چیزهای آشنا است. بیایید برای فهم بهتر معادله تهدید، دفاع و امنیت هم از یک مثال آشنا استفاده کنیم: یک درخت سرو را در نظر بگیرید که ریشه، تنه و شاخه‌هایی دارد. به نظر شما این سه قسمت، چه ارتباطی با یکدیگر دارند؟ کدام یک اهمیت بیشتری دارد؟

روشن است که شاخه‌ها از تنه و تنه از ریشه رشد می‌کند. اگر شاخه یا حتی تنه درخت بریده شود، درخت ممکن است دوباره رشد کند؛ اما اگر ریشه از بین برود، درخت نابود می‌شود. به همین دلیل می‌گویند: «مشکل را باید ریشه‌ای حل کرد.» یعنی باید علت اصلی آن را از بین برد.

اکنون شما «معادله امنیت» را به یک درخت تشبیه کنید و توضیح دهید چرا برای شناخت درست این معادله، باید ابتدا تهدیدها را بشناسیم و بررسی کنیم.



تهدید

تهدید علیه هر کشور خطری است که حیات، امنیت یا ارزش‌های اساسی آن کشور را هدف قرار می‌دهد. به عبارت دیگر، هر عامل یا شرایطی که یک کشور را از حالت تعادل خارج کند، بقای آن را به خطر اندازد، مانع رسیدن آن به اهدافش شود یا در تحقق این اهداف، تأخیر جدی ایجاد کند، تهدید به شمار می‌آید؛ و اگر امنیت ملی کشور را هدف قرار دهد تهدید امنیتی نامیده می‌شود.

امنیت ملی به معنای حفاظت از مهم‌ترین ارزش‌ها و منافع یک کشور است؛ از جمله سرزمین، استقلال، حاکمیت سیاسی، منابع طبیعی، امکانات اقتصادی، جمعیت، هویت ملی، فرهنگ، ارزش‌ها، آرمان‌ها، اتحاد ملی و میراث فرهنگی و تمدنی.

بنابراین، تهدید امنیتی هر عاملی است که سرزمین، استقلال، حاکمیت، نهادهای اساسی، هویت، قدرت و توانمندی یک کشور را در معرض خطر قرار دهد.

انواع تهدیدها عبارت است از:

تهدید نظامی



تهدید نظامی آشکارترین نوع تهدید است. در این نوع تهدید، دشمن با استفاده، یا تهدید به استفاده از نیروی نظامی، تمامیت ارضی و حاکمیت یا امنیت کشوری را هدف قرار می‌دهد. تجاوز نظامی، جنگ، استقرار نیرو در مرزها و انواع اقدامات تروریستی از نمونه‌های تهدید نظامی است. هدف این تهدید می‌تواند تصرف سرزمین، نابودی زیرساخت‌های دفاعی یا تغییر حاکمیت سیاسی باشد. اگرچه این نوع تهدید قدیمی‌ترین شکل تهدید است، اما همچنان یکی از مهم‌ترین تهدیدهای امنیتی به شمار می‌رود.

تهدید اقتصادی



تهدید اقتصادی هر عاملی است که ثبات، رشد و استقلال اقتصادی یک کشور را به خطر اندازد و به معیشت و رفاه مردم آسیب برساند. این نوع تهدید سابقه‌ای طولانی دارد، اما امروزه با گسترش اقتصاد جهانی و تسلط سرمایه‌داری غربی بر آن، اهمیت آن بیش از گذشته شده است. در مورد ایران تحریم‌های فلج‌کننده، محدود کردن فروش نفت، مسدود کردن مبادلات بانکی، اختلال در واردات و صادرات کالاهای اساسی و کاهش ارزش پول ملی از نمونه‌های تهدید اقتصادی است.



تهدید سایبری

تهدید سایبری هر اقدام یا خطری است که از طریق فضای مجازی و شبکه‌های رایانه‌ای، با هدف سرقت، تخریب، تغییر یا ایجاد اختلال در اطلاعات و خدمات دیجیتال انجام شود. نفوذ، جاسوسی سایبری و حمله به سیستم‌ها با استفاده از بدافزارها و ابزارهای پیچیده، از مهم‌ترین نمونه‌های این تهدید به شمار می‌رود.



تهدید سیاسی

تهدید سیاسی هر اقدام، ایجاد شرایط یا پدیده‌ای است که حاکمیت، ثبات، مشروعیت، استقلال در تصمیم‌گیری یا ساختار سیاسی یک کشور را تضعیف کند. کودتا، نفوذ سیاسی، براندازی نرم، تحمیل انزوای سیاسی، دخالت در انتخابات کشورها و تجزیه‌طلبی از نمونه‌های تهدید سیاسی است، هرچند معمولاً هدف نهایی دیگر تهدیدها نیز سیاسی است.



تهدید اجتماعی

هرگاه جامعه نتواند کارکردهای اصلی بقای خود، مانند انسجام، اعتماد، هویت و همبستگی اجتماعی را حفظ کند، با تهدید اجتماعی روبه‌رو می‌شود. کاهش اعتماد عمومی، آسیب دیدن نهاد خانواده و گسترش اعتیاد از نمونه‌های این نوع تهدید است.

تهدید رسانه‌ای



تهدید رسانه‌ای زمانی رخ می‌دهد که از رسانه‌ها برای آسیب زدن به افکار عمومی، فرهنگ یا امنیت روانی جامعه استفاده شود. انتشار اخبار جعلی و شایعات، جنگ روانی، بمباران اطلاعاتی، ایجاد تفرقه و بی‌اعتماد کردن مردم از نمونه‌های آن است.

تهدید فرهنگی



تهدید فرهنگی هر اقدامی است که بتواند هویت فرهنگی، ارزش‌ها، باورها، زبان یا سبک زندگی یک جامعه را تضعیف، تحریف یا نابود کند. هدف این تهدید جدا کردن مردم از ریشه‌های هویتی، تاریخی و فرهنگی خود است؛ به همین دلیل، تهدید فرهنگی از عمیق‌ترین انواع تهدید به شمار می‌رود.

تهدید زیست‌محیطی



تهدید زیست‌محیطی به عواملی گفته می‌شود که منابع طبیعی، سلامت انسان‌ها و محیط‌زیست را به‌طور پایدار تخریب می‌کنند و زندگی را در یک منطقه یا کشور، دشوار یا حتی ناممکن می‌سازند. تغییر اقلیم، خشک‌سالی، بی‌آب شدن تالاب‌ها و رودخانه‌ها، انواع آلودگی‌ها و به‌ویژه جنگ بیولوژیک از نمونه‌های این تهدید است.

همان‌گونه که مشاهده کردید، انواع مختلف تهدید ما با یکدیگر ارتباط دارند و می‌توانند بر یکدیگر اثر بگذارند. همچنین شکل و اهمیت هر یک از این تهدیدها در طول تاریخ تغییر کرده است. امروزه این تهدیدها معمولاً به‌صورت هم‌زمان و در کنار یکدیگر به کار گرفته می‌شوند که به آن تهدید ترکیبی یا جنگ ترکیبی گفته می‌شود. نمودار زیر، ابعاد مختلف تهدید یا جنگ ترکیبی را نشان می‌دهد.



بیندیشید

امروزه تهدیدها بیشتر به شکل جنگ ترکیبی ظاهر می‌شوند. به نظر شما، در چنین شرایطی دفاع و امنیت چه ویژگی‌هایی پیدا می‌کند؟
برای پاسخ به این پرسش، معادلهٔ زیر را تحلیل کنید:

تهدید ↓↑ <> دفاع ↓↑ <> امنیت ↓↑

دشمن و دشمن‌شناسی

معمولاً میان آسیب و تهدید تفاوت گذاشته می‌شود. آسیب به خطرها و ضعف‌های درونی اشاره دارد، اما تهدید به خطرهای بیرونی مربوط است.

برای مثال، ممکن است فردی به دلیل تغذیه نامناسب و ضعف جسمی بیمار شود. در این حالت، علت بیماری او یک آسیب درونی است. اما اگر این فرد بر اثر انتقال ویروس به بدنش، از یک فرد بیمار یا محیط آلوده، بیمار شود، با یک تهدید بیرونی روبه‌رو شده است.



به همین دلیل، برای تحلیل امنیت جامعه معمولاً دو رویکرد وجود دارد:

۱ـ رویکرد آسیب‌محور (نگاه به درون): در این رویکرد، تلاش می‌شود ضعف‌ها، آسیب‌پذیری‌ها و زمینه‌های ناامنی در داخل جامعه، شناسایی و برطرف شود.

۲ـ رویکرد تهدیدمحور (نگاه به بیرون): در این رویکرد، توجه اصلی بر شناسایی، کاهش یا از بین بردن تهدیدهای بیرونی متمرکز است. دشمن خارجی، مهم‌ترین تهدید برای نظام‌های اجتماعی و سیاسی است که با آگاهی و اراده عمل می‌کند.

هرچند این دو رویکرد بر جنبه‌های متفاوتی تأکید دارند، اما هیچ یک جای دیگری را نمی‌گیرد. نه می‌توان به بهانهٔ وجود آسیب‌های داخلی، تهدیدها و دشمن بیرونی را نادیده گرفت و نه با تمرکز بر تهدیدهای بیرونی، از ضعف‌ها و آسیب‌پذیری‌های داخلی غافل شد؛ زیرا تهدیدهای بیرونی و آسیب‌های درونی معمولاً بر یکدیگر اثر می‌گذارند و یکدیگر را تقویت می‌کنند.

تهدید همیشه به یک شکل ظاهر نمی‌شود؛ گاهی آشکار و گاهی پنهان است؛ گاهی دور به نظر می‌رسد و گاهی نزدیک؛ گاهی به‌راحتی پذیرفته می‌شود و گاهی باور کردن آن دشوار است. انسان‌ها و جوامع اگر تهدید خود را به‌خوبی بشناسند، بهتر می‌توانند با آن مقابله کنند. برای مثال، هنگامی که بشر میکروب را شناخت، راه‌های پیشگیری و درمان بسیاری از بیماری‌ها را نیز پیدا کرد؛ اما بیماری‌هایی که علت آنها یا درمان آنها هنوز به‌طور کامل شناخته نشده است، همچنان جان انسان‌های زیادی را تهدید می‌کنند. در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی نیز شناخت تهدید، نقشی اساسی در حفظ امنیت و موفقیت جامعه دارد. از این‌رو، **تشخیص درست تهدید به اندازه خودِ تهدید، اهمیت دارد.**

فعالیت

چه فاصله‌ای بین یک تهدید و درک و تشخیص آن به عنوان یک تهدید وجود دارد؟ مثلاً فرض کنید کشوری با یک تهدید واقعی روبه‌رو باشد، اما مردم و مسئولان آن متوجه این تهدید نشوند. برعکس، فرض کنید تهدیدی وجود نداشته باشد، اما مردم و مسئولان چیزی را تهدید تصور کنند. به نظر شما، هر یک از این دو نوع تشخیص نادرست چه پیامدهایی می‌تواند برای آن کشور داشته باشد؟
آیا شما هم می‌توانید مثال‌ها یا شواهدی (در زندگی فردی یا اجتماعی) برای این فاصله ارائه کنید؟

تهدید و درک درست آن، نقش مهمی در تعیین وضعیت دفاع و راهبردهای دفاعی هر کشور دارد. اگر کشوری تهدیدهای خود را به‌درستی شناسایی و ارزیابی نکند، در انتخاب راهبردهای دفاعی دچار خطا خواهد شد. در نتیجه، راهبردهای دفاعی نادرست یا نامناسب، می‌توانند امنیت پایدار آن کشور را با خطر روبه‌رو کنند.



دشمن‌شناسی در بیان امام علی علیه‌السلام

امام علی علیه‌السلام در نهج‌البلاغه، شناخت دشمن را نشانه خرد و بینش می‌داند و می‌فرماید: «شما رشد و هدایت را نمی‌شناسید، مگر اینکه گمراهی را بشناسید؛ و به کتاب خدا چنگ نمی‌زنید، مگر آنکه کسانی را که آن را رها کرده‌اند، بشناسید.» آن حضرت در دوران حکومت خود، بخش مهمی از تلاش‌های خود را به معرفی و آشکار کردن چهره دشمنان اختصاص می‌داد.

در بیان امام علی علیه‌السلام، دشمن دو گونه است و هر کدام شیوهٔ برخورد متفاوتی می‌طلبد:

۱ـ دشمن آشکار: دشمنی که دشمنی خود را پنهان نمی‌کند. آن حضرت می‌فرماید: «سست‌ترین دشمن، دشمنِ آشکار است.» از این‌رو مقابله با او آسان‌تر خواهد بود تا اینکه پنهان بماند.

۲ـ دشمن پنهان: دشمنی که نقشه‌ها و دشمنی خود را مخفی می‌کند. امام علی علیه‌السلام دربارهٔ چنین دشمنی می‌فرماید: «بدترین دشمنان، کسانی هستند که حیله و نیرنگ خود را بیشتر پنهان می‌کنند.»

آن حضرت همچنین مسلمانان را به هوشیاری در برابر دشمن سفارش کرده و می‌فرماید:

- «هرگز دشمن را کوچک مشمار، هرچند ناتوان باشد.»
- «از دشمن در امان مباش، هرچند از تو سپاسگزاری کند.»
- «کسی که از دشمن غافل شود، با حیله‌های او غافلگیر خواهد شد.»

و نسبت به هوشیاری خود در برابر دشمن می‌فرماید:
«به خدا سوگند، من مانند کفتار نیستم که با ضربه‌های آرام کنار لانه‌اش به خواب رود تا شکارچی او را غافلگیر کند.»
در این تشبیه، کفتار نماد کسی است که با وجود احساس خطر، بر اثر غفلت یا فریب، هوشیاری خود را از دست می‌دهد و در همان جای امن خود گرفتار دشمن می‌شود.

فعالیت

۱- متن بالا به بیان حضرت علی علیه‌السلام درباره دشمن‌شناسی و شیوه برخورد با دشمن می‌پردازد. آن را با دقت مطالعه کنید. سپس با استفاده از دانش، خلاقیت و توانایی‌های هنری خود، پیام و مفهوم آن را در قالب یک رسانه دیگر (مانند اعلان (پوستر)، اطلاع‌نگاشت، کلیپ کوتاه، پادپخش، نمایش، نقاشی، داستان، شعر یا ارائه دیجیتال) به دیگران منتقل کنید.
۲- گاهی تهدیدها فقط مرزهای یک کشور را هدف قرار نمی‌دهند، بلکه بسیار گسترده‌تر هستند و هویت، فرهنگ، ارزش‌ها و آینده یک تمدن را تهدید می‌کنند. این تهدیدها از مرزهای جغرافیایی، قومی، زبانی، نژادی و تاریخی فراتر می‌روند و گروه بزرگی از انسان‌ها و جوامع را در بر می‌گیرند. به این نوع خطرها تهدیدهای تمدنی گفته می‌شود.

اکنون با گفت‌وگو و اندیشیدن به پرسش‌های زیر پاسخ دهید:
۱- آیا به نظر شما ایران اسلامی با تهدیدهای تمدنی روبه‌رو است؟ چند نمونه از این تهدیدها را نام ببرید.
۲- اگر جامعه‌ای از تهدیدهای تمدنی غفلت کند، چه سرنوشتی خواهد داشت؟
۳- آیا ممکن است برخی از تهدیدهای تمدنی به تهدیدهای امنیتی و مرزی تبدیل شوند؟ اگر پاسخ شما مثبت است، توضیح دهید در چنین شرایطی چه اقداماتی باید انجام شود.

درس دوم

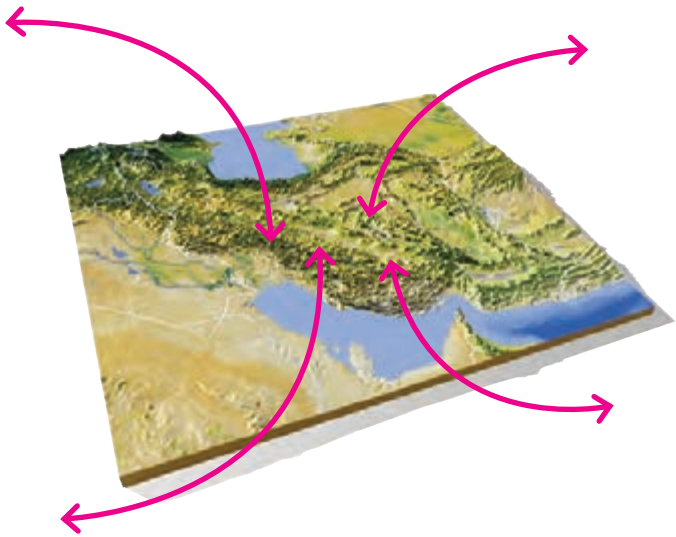
موقعیت ایران و تهدیدهای آن



مکان و جغرافیا

ایران ما چه جایگاهی در منطقه دارد و این جایگاه چه تهدیدهایی را متوجه آن می‌کند؟ به نقشه ایران نگاه کنید. سرزمینی پهناور و کشوری بزرگ را می‌بینید که رشته‌کوه‌های زاگرس و البرز از دو سمت شمال و غرب، دژهای مستحکم آن هستند. بیابان‌های وسیع و دشت‌های پهناور آن سرشار

از معادن، منابع و مخازن فراوان است. از جنوب به آب‌های خلیج فارس و دریای عمان راه دارد، از شمال به قفقاز، دریای خزر و آسیای مرکزی نزدیک است، از غرب با عراق و ترکیه و از شرق با افغانستان و پاکستان همسایه است. اکنون فکر کنید چنین کشوری چه تأثیری بر تجارت، انرژی، امنیت و تاریخ منطقه دارد؟



ایران چهارراه منطقه

ایران در موقعیت جغرافیایی خاصی قرار گرفته است که از هزاران سال پیش تا کنون، مهم‌ترین مسیرهای زمینی و دریایی دنیا از این منطقه عبور کرده‌اند. ایران حلقه اتصال اقیانوس هند، خلیج فارس، دریای عمان، دریای خزر، قفقاز، آسیای مرکزی، ترکیه، عراق و اروپا است.

یکی از مهم‌ترین اجزای این موقعیت، کریدور شمال ـ جنوب است که روسیه و کشورهای حوزه قفقاز را به آب‌های آزاد، مانند خلیج فارس، دریای عمان و اقیانوس هند ـ و همچنین به کشورهای همسایه این آب‌ها، مانند هند، پاکستان و کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس ـ متصل می‌کند. در جهت عکس نیز این کشورها از طریق ایران به دریای خزر، روسیه، قفقاز و اروپا دسترسی دارند.

در این مسیر، ایران فقط محل عبور کالاها نیست؛ بلکه می‌تواند از طریق بندرها، راه‌آهن، جاده‌ها، گمرک، انبارداری، سوخت‌رسانی، خدمات فنی و تأمین امنیت مسیر، درآمد و قدرت بیشتری به دست آورد.

ایران در مسیر شرق به غرب نیز نقش مهمی ایفا می‌کند؛ یعنی مسیر ارتباطی میان چین، آسیای مرکزی و افغانستان به ترکیه، عراق، کشورهای عربی جنوب خلیج فارس، آفریقا، مدیترانه و اروپا را برقرار می‌کند.

پس وقتی می‌گوییم ایران از موقعیت راهبردی برخوردار است، یعنی، به واسطهٔ موقعیت جغرافیایی خود، می‌تواند به یکی از عوامل مهم قدرت ملی، نفوذ منطقه‌ای، امنیت و پیشرفت اقتصادی تبدیل شود.

فعالیت



نقشه‌خوانی: با توجه به نقشهٔ بالا جدول را تکمیل کنید.

مسیر	از کجا به کجا؟	فرصت برای ایران
شمال ـ جنوب		
شرق ـ غرب		



تنگه هرمز و سواحل مَکُران: بندر چابهار در منطقهٔ سواحل مکران در ساحل دریای عمان واقع شده و به آب‌های آزاد دسترسی مستقیم دارد. این بندر برای ایران اهمیت زیادی دارد؛ زیرا می‌تواند نقطهٔ ارتباط میان کشورهای شرقی، مانند هندوستان و پاکستان، با افغانستان و آسیای مرکزی باشد. چابهار به ایران کمک می‌کند تا نقش فعال‌تر و مؤثرتری در تجارت دریایی و ارتباط با کشورهای شرقی و شمالی ایفا کند.



در جنوب ایران نیز تنگه هرمز قرار دارد که گذرگاهی بسیار مهم است و خلیج فارس را به دریای عمان و اقیانوس هند متصل می‌کند. بخش بزرگی از انرژی، کالا و شبکه‌های کابلی زیردریایی جهان از این مسیر عبور می‌کند. به همین خاطر، امنیت تنگه هرمز تنها برای ایران اهمیت ندارد، بلکه برای اقتصاد، حمل‌ونقل، صنعت و زندگی مردم بسیاری از کشورهای جهان نیز مهم است و بر آنها تأثیر می‌گذارد.

این مسیرهای ارتباطی فرصت‌های بزرگی برای ایران ایجاد کرده‌اند؛ از جمله گسترش تجارت، حمل‌ونقل کالا و مسافر، انتقال انرژی، صادرات، ایجاد اشتغال، توسعه صنعت، افزایش درآمد و تقویت قدرت منطقه‌ای. اما همین ارزش و اهمیت باعث طمع قدرت‌های دیگر و فشارهای اقتصادی، تحریم یا دخالت آنها نیز شده است. اینکه این موقعیت‌ها به فرصت تبدیل شوند یا به تهدید، به کشور بستگی دارد.

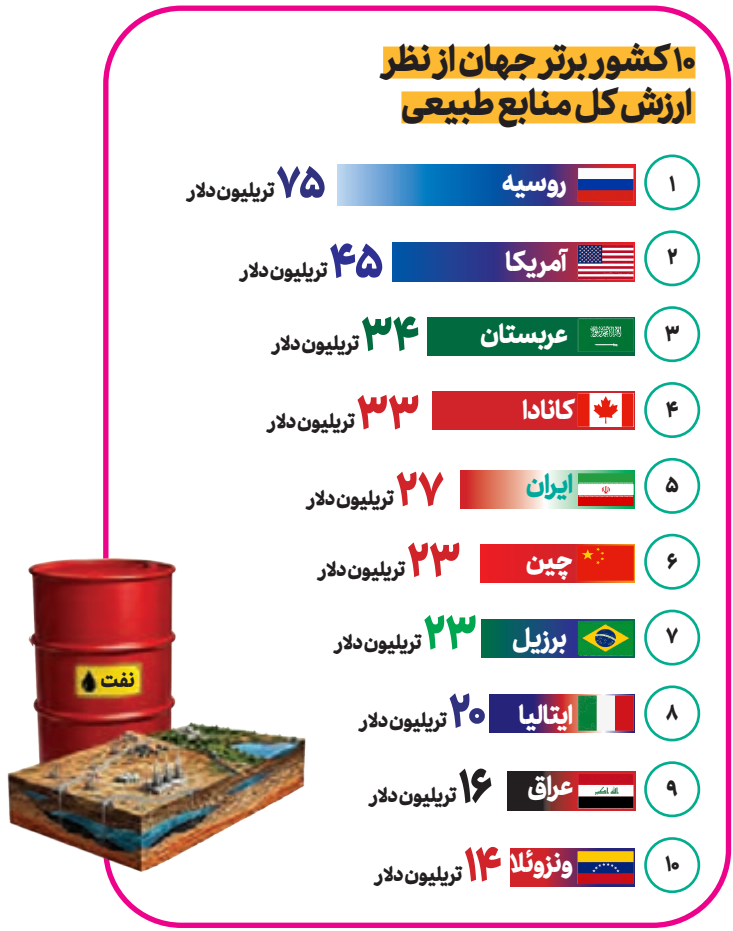
فعالیت

در جدول زیر، برخی از موقعیت‌های جغرافیایی ممتاز ایران معرفی شده‌اند. به نظر شما هر یک از این موقعیت‌ها چه فرصت‌ها و چه تهدیدهایی برای ایران ایجاد می‌کنند؟

دارایی ایران	فرصت	تهدید احتمالی
چابهار		
دریای خزر		

ایران منابع طبیعی فراوان دارد؛ یکی دیگر از ویژگی‌های مهم کشور ما منابع طبیعی فراوان آن است که ایران را از بسیاری از کشورها متمایز می‌کند. ایران از نظر منابع طبیعی، سرزمینی غنی و کم‌نظیر به شمار می‌رود. نفت، گاز، معادن، زمین‌های کشاورزی، منابع دریایی، کویرها، جنگل‌ها، مراتع و تنوع آب‌وهوایی، بخشی از ظرفیت‌های طبیعی ایران هستند.

ایران از نظر ذخایر نفت و گاز، یکی از کشورهای تراز اول جهان است. این منابع می‌توانند پایه تولید انرژی، توسعه صنعت پتروشیمی، صادرات، اشتغال، افزایش درآمد ملی و پیشرفت فناوری باشند. برای مثال، گاز طبیعی در خانه‌ها، نیروگاه‌ها، کارخانه‌ها و صنایع پتروشیمی کاربرد دارد. نفت نیز علاوه بر تولید سوخت، در ساخت بسیاری از مواد صنعتی و شیمیایی استفاده می‌شود.



منابع معدنی ایران نیز اهمیت فراوانی دارند. سنگ‌آهن، مس، سرب، روی، زغال‌سنگ، طلا، نمک، گچ و بسیاری از مواد معدنی دیگر پایهٔ شکل‌گیری صنایع بزرگ کشور شده‌اند. هر کشوری که بتواند این‌گونه منابع را با استفاده از دانش، فناوری و مدیریت درست استخراج و فراوری کند و به جای فروش آنها به‌صورت خام، محصولات باارزش‌تری تولید کند گام در راه توسعه و پیشرفت گذاشته است.

ایران به دلیل تنوع آب‌وهوایی، از ظرفیت‌های گسترده‌ای در کشاورزی نیز برخوردار است. در مناطق مختلف کشور، محصولات باغی، غلات، خرما، پسته، زعفران، چای، برنج، مرکبات و گیاهان دارویی تولید می‌شود. البته کمبود آب در بسیاری از مناطق ایران نشان می‌دهد که منابع طبیعی باید با برنامه‌ریزی، آینده‌نگری و مدیریت صحیح حفظ و استفاده شوند.

دریاهای شمال و جنوب ایران نیز بخشی از قدرت طبیعی کشور به شمار می‌آیند. امروز خلیج فارس، دریای عمان و دریای خزر در صید، تجارت دریایی، حمل‌ونقل، انرژی، گردشگری و گسترش ارتباط با کشورهای دیگر نقش مهمی ایفا می‌کنند.

کشور پهناوری مانند ایران که چهارراه ارتباطی منطقه است، یکی از مهم‌ترین شاهراه‌های ارتباطی دریایی و بنادر جهان را در اختیار دارد و از منابع سرشار طبیعی هم برخوردار است؛ برای بقای خود و آسایش مردمانش در این جهان پرمخاطره، چاره‌ای جز قوی شدن و تأمین لوازم و شرایط آن ندارد. چنین کشوری اگر دچار ضعف، سستی و وابستگی شود، همین دارایی‌های او می‌توانند زمینه طمع و رقابت بیگانگان و پایمال شدن آن را فراهم کنند.

برو قوی شو اگر راحت جهان طلبی که در نظام طبیعت ضعیف پامال است

(علی‌اکبر آزادی؛ گلشن)

فعالیت

اگر شما مسئول توسعه و پیشرفت کشور بودید، برای استفاده بهتر از موقعیت جغرافیایی ممتاز ایران، در هر یک از حوزه‌های ساخت راه‌آهن، تقویت بندرها، امنیت مرزها، ارتباط با همسایگان و توسعه صنعت چه اقداماتی را انجام می‌دادید؟

زمان و تاریخ



اکنون که با جغرافیای ایران و ارزش آن آشنا شدیم، بهتر می‌توانیم بفهمیم که چرا ایران در طول تاریخ بارها مورد توجه، رقابت، حمله یا دخالت قدرت‌های بیگانه قرار گرفته است. همین جغرافیا نقش تعیین‌کننده‌ای در تاریخ ایران دارد و برای فهم تاریخ ایران ضروری است. ایران برای بسیاری از قدرت‌ها تنها یک سرزمین نبود؛ بلکه گاهی راه عبور، گاهی منبع ثروت، گاهی منطقه حائل، گاهی سپر دفاعی و گاهی پل ارتباطی برای رسیدن به سرزمین‌های دیگر به‌شمار می‌رفته است. هر زمان که ایران در مسیر تجارت، انتقال انرژی، فعالیت‌های نظامی یا نفوذ منطقه‌ای قرار گرفته، قدرت‌های دیگر نیز به آن توجه کرده‌اند. اکنون با چند نمونه تاریخی از این واقعیت آشنا می‌شویم.



جنگ‌های ایران و روم: یکی از مهم‌ترین نمونه‌های ارتباط جغرافیا و تاریخ، جنگ‌ها و رقابت‌های طولانی میان دو امپراتوری ایران و روم در عهد باستان است. این جنگ‌ها حدود هفت قرن ادامه داشت؛ ابتدا میان ایران اشکانی و روم و سپس میان ایران ساسانی و روم شرقی. ایران در آن دوره، جغرافیای وسیع و گسترده‌ای داشت که دو امپراتوری ایران و روم را هم‌مرز کرده و زمینه رقابت و درگیری میان آنها را فراهم کرده بود.



روسیه، انگلیس و اهمیت ایران در دوره‌های بعد: در دوره قاجار، جنگ‌های ایران و روسیه فقط یک اختلاف مرزی نبود، بلکه روسیه تزاری در پی گسترش نفوذ خود در منطقه قفقاز و حتی رسیدن به آب‌های گرم خلیج فارس و دریای عمان بود و ایران در مسیر این گسترش قرار داشت. نتیجه این جنگ‌ها، جدا شدن بخش‌هایی از سرزمین‌های ایران در قفقاز بود. از سوی دیگر، انگلیس نیز به ایران با نگاهی راهبردی می‌نگریست، زیرا ایران، مسیر دسترسی به یکی از مستعمره‌های بریتانیا یعنی بخشی از شبه قاره هند را فراهم می‌کرد. به‌ویژه، با کشف نفت در جنوب ایران، نگاه انگلیس به ایران بیش از پیش اقتصادی و راهبردی شد.





جنگ جهانی دوم؛ ایران به عنوان راه عبور: در جنگ جهانی دوم، ایران با وجود اعلام بی‌طرفی، از سوی نیروهای آمریکایی، انگلیسی و شوروی اشغال شد. یکی از مهم‌ترین دلایل این اشغال، استفاده از خاک ایران برای انتقال کمک‌های نظامی و تدارکاتی به شوروی بود. در این دوره، ایران به مسیر ارتباطی مهمی میان جنوب و شمال تبدیل شد و پل پیروزی لقب گرفت.

قابل توجه است که در جنگ جهانی دوم، حتی اعلام بی‌طرفی ایران، مانع تجاوز بیگانگان به کشور نشد؛ و این بدان معنی است که اگر ما برای حفظ کشور خود، به اندازه کافی قوی نباشیم، کناره‌گیری از جنگ هم نمی‌تواند امنیت و آسایش ما را تأمین کند.



کنفرانس سران آمریکا، شوروی و انگلیس در تهران بدون اطلاع شاه ایران (آذر ۱۳۲۲)

فعالیت

ایران کشوری است که بیش از هفت هزار سال قدمت تاریخی دارد. در این سرزمین همواره اقوام مختلفی زندگی کرده‌اند. مهم‌ترین تهدیدها و جنگ‌هایی را که در طول تاریخ متوجه ایران بوده است، نام ببرید و بگویید علل اصلی شکست یا موفقیت ایرانیان در هر کدام از این جنگ‌ها چه بوده است؟



فضا و فرهنگ



مکان و زمان، یا همان جغرافیا و تاریخ، فضایی را می‌سازند که در آن یک فرهنگ انسانی شکل می‌گیرد. تا اینجای درس، جغرافیای ایران و تهدیدهای آن در دل تاریخ را مطالعه کردیم و البته می‌دانید که از فهرست بلندبالای تهدیدها و دشمنی‌های تحمیل شده بر ایران عزیز، صرفاً به تعداد اندکی از آن اشاره کردیم و گذشتیم. هر چه در گذر تاریخ جلوتر می‌آییم، ایران و تهدیدهایش نیز برجسته‌تر و مهم‌تر می‌شوند. امروزه شناخت موقعیت ایران و تهدیدهای آن نیازمند بررسی عمیق‌تر و دقیق‌تری است. بیایید با هم موقعیت کنونی ایران را مرور کنیم:

شکل‌گیری نظام سلطه؛

در قرون اخیر در جهان غرب، فرهنگی شکل گرفت که به محدودهٔ جغرافیایی و تاریخی خود محدود نشد و بر گسترهٔ وسیعی از جهان تسلط یافت. فرهنگی که تسلط یک قوم، جامعه یا گروهی خاص را بر دیگران به‌دنبال می‌آوَرَد و دیگر اقوام، جوامع و گروه‌ها را به ضعف و ناتوانی می‌کشانَد، فرهنگ سلطه و استکبار است. سرمایه‌داری و صهیونیسم جهانی دو نمونه یا مثال مهم این فرهنگ‌اند که عقاید و آرمان‌های مشترک انسانی و سعادت سایر انسان‌ها و جوامع برای آنها هیچ اهمیتی ندارد. سرمایه‌داری، تمرکز ثروت و قدرت را مورد توجه قرار می‌دهد و کشورهای دیگر را پیرامون آن به خدمت می‌گیرد و صهیونیسم نیز نژاد خاصی را مورد توجه قرار می‌دهد و دیگران را در خدمت آن نژاد به‌کار می‌گیرد.



قدرت‌های استعمارگر تنها به دنبال فتح کشور یا یک یا دو امپراتوری دور و نزدیک نیستند، بلکه می‌خواهند بر سرزمین‌های مختلف جهان سلطه پیدا کنند. بسیاری از کشورهای غربی با گسترش استعمار، ثروت و منابع کشورهای دیگر را در اختیار گرفتند. برای نمونه، برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که انگلستان در دوره استعمار، بین سال‌های ۱۷۶۵ تا ۱۹۳۸، ثروت بسیار عظیمی معادل حدود ۴۵۰۰۰ میلیارد دلار را از هند خارج کرده است.

در عصر ما سلطه‌جویی روز به روز پیچیده‌تر و عمیق‌تر و به نظام سلطه‌ای تبدیل شده که تمام مناطق جهان را قلمرو خود می‌بیند و آن را با رضایت یا اجبار مردم آنها به خدمت می‌گیرد. **امروزه نظام سلطه و سلطه‌جوییِ کشورهای استکباری، سهمگین‌ترین تهدید برای تمام جهان، به ویژه برای ایران اسلامی است.**

پیروزی انقلاب اسلامی ایران؛

در سال‌های متمادی، مردم ایران احساس می‌کردند کشورشان در تصمیم‌گیری‌های مهم سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی خود استقلال کافی ندارند و قدرت‌های خارجی بر سرنوشت آنان حاکم‌اند. اعتراض به وابستگی، دخالت بیگانگان، تحقیر هویت ملّی و نادیده گرفتن خواست مردم، از مهم‌ترین زمینه‌های شکل‌گیری انقلاب اسلامی بود. این انقلاب در زمانی روی داد که جهان به دو بلوک شرق و غرب[1] تقسیم شده بود و شاه تحت حمایت دولت‌های استکباری بود و مأموریت حفظ امنیت منطقه را به عهده داشت. انقلاب اسلامی بازگشت مردم ایران به حرکت ناتمامی بود که از صد سال پیش آغاز کرده بودند و طیّ آن، با مبارزه با استبداد داخلی و استعمار خارجی، تجربه‌ها آموخته بودند.

۱ـ جنگ‌های جهانی اوّل و دوم اساساً در میان کشورهای غربی رخ داد، کشورهایی که ادعای تمدن و انسانیت و پیشرفت آنها گوش عالم را کر کرده بود، ولی طوری در این دو جنگ، از کشته، پشته ساختند که در تاریخ بشر بی‌سابقه بود. پس از پایان جنگ جهانی دوم قدرت‌های غالب دو قطب یا دو بلوک مخالف را تشکیل دادند: بلوک غرب به رهبری آمریکا و هوادارانش و بلوک شرق به رهبری شوروی و هوادارانش. بلوک غرب با شعار فردگرایی، آزادی و جلوگیری از دخالت دولت در بازار و بلوک شرق با شعار جمع‌گرایی، برابری اقتصادی و اقتصاد برنامه‌ریزی شده با دخالت حداکثری دولت در مقابل هم قرار گرفتند.
بلوک غرب و شرق در رقابت با هم، جهان را میان خودشان تقسیم کردند و هر کدام تلاش می‌کرد تا در قلمرو دیگری نفوذ کند. سلطه و سیطرهٔ این دو بلوک بر دنیا به‌گونه‌ای بود که نه تنها هیچ کشوری بدون وابستگی به یکی از این دو قطب و اجازهٔ آنها، امکان سربلند کردن نداشت، بلکه هیچ گروه مبارزی نیز بدون وابستگی به یکی از این دو، توان حرکت نداشت. مثلاً گروه‌هایی که طرفدار اسرائیل بودند عضو بلوک غرب و هواداران آمریکا بودند و گروه‌هایی که طرفدار فلسطین بودند، چاره‌ای جز پناه بردن به بلوک شرق نداشتند. البته هر دو بلوک غرب و بلوک شرق با همه تفاوت‌هایشان در فرهنگ واحدی ریشه داشتند: همان فرهنگ مادی سلطه.

انقلاب اسلامی ایران در ادامهٔ دیگر انقلاب‌ها و جنبش‌های آزادی‌بخش قرن بیستم شکل گرفت که همگی جهت‌گیری ضداستعماری داشتند و علیه سلطه سیاسی کشورهای غربی عمل می‌کردند. امّا انقلاب اسلامی با این انقلاب‌ها تفاوت عمیقی داشت. انقلاب‌های آزادی‌بخش، اغلب در مقابل بلوک غرب شکل می‌گرفتند و مورد حمایت بلوک شرق بودند، ولی انقلاب اسلامی ایران به هیچ یک از این دو بلوک وابستگی نداشت و از همان آغاز، جهت‌گیری ضدآمریکایی، ضدصهیونیستی و ضدمارکسیستی خود را اعلام کرد. این تفاوت باعث شد که بر خلاف انقلاب‌های آزادی بخش قرن بیستم، انقلاب اسلامی بتواند بیرون از قطب‌بندی سیاسی شرق و غرب استقلال خود را حفظ کند و به وابستگی ایران به نظام سلطه پایان دهد.

انقلاب اسلامی؛ ابتکاری تاریخی برای دفع تهدیدهای ایران



انقلاب اسلامی، ابتکاری بود که ایرانیان مسلمان برای مواجهه با نظام سلطه و حفظ کیان خود و کشورشان ارائه کردند. حرف اصلی انقلاب این بود که **می‌شود بیرون این دو قطبی ایستاد و با قوی شدن، از حیثیت، منافع و دارایی‌ها و آینده کشور دفاع کرد.** جنگ تحمیلی هشت ساله نخستین و تنها یکی از کنش‌ها و ترفندهایی بود که برای مقابله با انقلاب اسلامی اتفاق افتاد. این جنگ با همه جنگ‌های قرن بیستم متفاوت بود، چون در این جنگ، تمامی کشورهای بلوک شرق و غرب علیه ایران متحد شدند.

اکنون اقتصاد و سیاست جهان غرب در شرایطی قرار دارد که به دست‌اندازی به دیگر کشورها نیاز دارد. انباشت ثروتِ جهان در دست جمعی اندک، تنها با فقر و وابستگی اقتصادی و سیاسی انبوه آدمیان امکان‌پذیر است. دنیای غرب برای رفع نیازهای اقتصادی و سیاسی خود، ناگزیر است با حرکت مستقلی که در جهان اسلام شکل گرفته است، مقابله کند و در این راستا از هیچ کوشش خصمانه‌ای دریغ نمی‌کند. به همین خاطر، تمام جهان اسلام را

در برابر دو راه (یا در واقع بیراهه) قرار داده است: بردگی و وابسته شدن به غرب یا ویرانی و زمین سوخته.
مردم ایران تا امروز، با تکیه بر فرهنگ غنی اسلامی خود، هیچ‌گاه ذلت و تسلیم در برابر استعمار را نپذیرفته‌اند. فرهنگ عاشورا در جامعه ایرانی زنده است و هر ساله به مردم یادآوری می‌کند که نباید در برابر دشمن، تن به خواری و ذلت داد. تجربه تاریخی ایرانیان نیز نشان داده است که پذیرش هرگونه ذلت، زمینه‌ساز ذلت‌های بیشتر خواهد بود. به همین دلیل، حاکمانی که در تاریخ ایران، بیراههٔ وادادگی و تسلیم را برگزیده‌اند، جایگاه خوبی در حافظه تاریخی مردم پیدا نکرده‌اند. ایرانیان برخلاف برخی کشورها، راه مقاومت را انتخاب کردند؛ راهی که براساس آن، کشور باید آن‌قدر توانمند و قدرتمند شود که نظام سلطه نتواند بر آن غلبه کند.



در باور ایرانیان، در رویارویی با دشمن، نه باید گرگ بود و نه گوسفند؛ بلکه باید مانند شیری بود که گرگ جرئت حمله به آن را نداشته باشد. در چنین موقعیت مهمی و برای چنین ملّتی، افزایش توان دفاعی، اقتصاد مقاوم و توانمند، پیشرفت در علم و فناوری و حرکت در مرزهای دانش و ابتکار و خودکفایی، فرهنگ ایثار، شجاعت، شهادت و حماسه و دوری از وابستگی و وادادگیِ فرهنگی، ضرورتی حیاتی است.

فعالیت

اگر شما مشاور امنیتی یکی از مسئولان عالی‌رتبه کشورمان بودید، برای تبدیل داشته‌های ایران به قدرت ملّی و افزایش توان مقاومت کشور، چه پیشنهادهایی داشتید؟ سه پیشنهاد اصلی خود را در این زمینه ارائه کنید.

قهرمان‌های مبارز

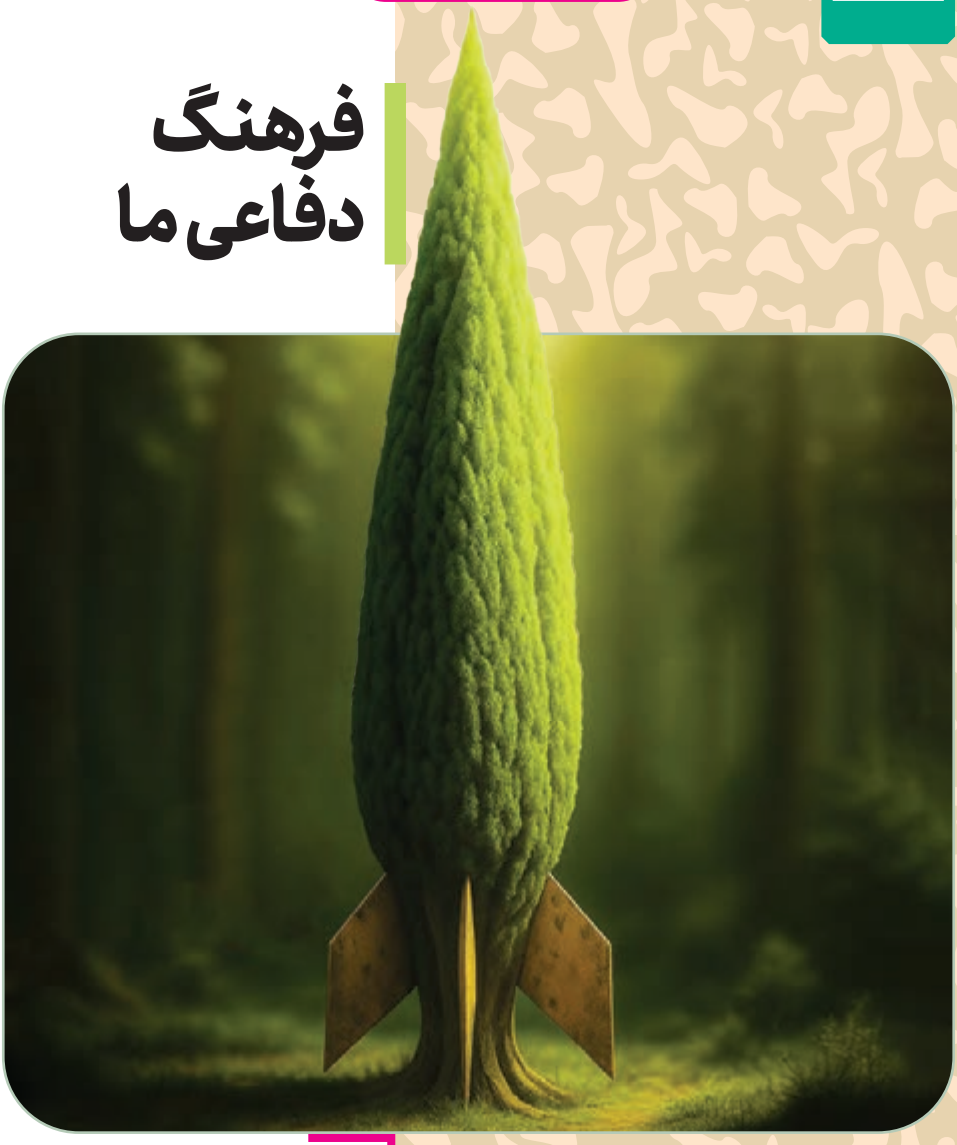


«سنگری که با دانش ساخته شد»

محسن فخری‌زاده سال‌ها در حوزه‌های علمی و فناوری فعالیت کرد؛ حوزه‌هایی که شاید نامشان برای بسیاری از مردم آشنا نبود، اما نتیجه تلاش دانشمندان می‌توانست در روزهای سخت، پشتوانه‌ای برای امنیت و استقلال کشور باشد. او باور داشت کشوری که می‌خواهد روی پای خود بایستد، باید دانش و توانایی‌هایش را در درون خود پرورش دهد. به همین دلیل، در کنار فعالیت‌های علمی، به تربیت نیروهای جوان و انتقال دانش نیز اهمیت می‌داد. سال‌ها تلاش او و همکارانش نشان داد که دفاع از کشور تنها به تجهیزات نظامی و حضور در میدان نبرد محدود نمی‌شود. دانش، فناوری، نیروی انسانی توانمند و کاهش وابستگی نیز بخشی از قدرت و امنیت یک کشور است. فخری‌زاده سرانجام در یک حمله تروریستی به شهادت رسید، اما راهی که بر آن تأکید داشت ادامه پیدا کرد: ساختن کشوری که در شرایط تهدید، بتواند با تکیه بر توان علمی و انسانی خود، آسیب‌پذیری کمتری داشته باشد.

فصل دوم

فرهنگ دفاعی ما



درس سوم

روایت فتح



احتمالاً بیشتر شما نوجوانان دانش‌آموز وقتی واژه «جنگ» را می‌شنوید، اول از همه به یاد تجربه‌ها و شنیده‌های خود از «جنگ ۱۲ روزه» و «جنگ رمضان» می‌افتید. ولی خوب است بدانید که این دو جنگ دومین و سومین جنگی بودند که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به ملت ایران تحمیل شدند. پس برای اینکه بهتر بفهمیم این دو جنگ چرا و چگونه اتفاق افتاد و ما چگونه از خودمان دفاع کردیم، باید به جنگ اول برگردیم، یعنی به جنگ تحمیلی هشت ساله ...

شهریور ۱۳۵۹: هجوم سراسری



در روز شنبه ۳۱ شهریور سال ۱۳۵۹، درست وقتی مردم ایران خودشان را برای اول مهر و آغاز سال تحصیلی آماده می‌کردند، ارتش رژیم بعث عراق ناگهان به ایران هجوم آورد. ظهر آن روز، ۱۹۲ فروند هواپیمای عراقی، ۹ پایگاه هوایی و تعدادی از اماکن نظامی و زیرساخت‌های ایران را بمباران کردند. صدّام حسین، رئیس جمهور عراق، می‌خواست نیروی هوایی ایران را همان اول کار روی زمین نابود کند، ولی نتوانست و آن عملیات، خسارت‌های محدودی داشت. هم‌زمان، نیروهای زمینی عراق هم از مرزهای طولانی دو کشور در پنج استان ایران (آذربایجان، کردستان، ایلام، کرمانشاه و خوزستان) وارد خاک ایران شدند و چند شهر کوچک مرزی را همان هفته اول اشغال کردند. اما فشار اصلی روی خرمشهر و آبادان بود، چون این دو شهر، دروازه خوزستان بودند.

صدام هم آن روز، مثل ترامپ در زمان ما، خیال می‌کرد می‌تواند کار ایران را ظرف یک هفته تمام کند. او از تشویق و حمایت تمام‌عیار هر دو بلوک غرب و شرق برخوردار بود و فکر می‌کرد می‌تواند از اختلافات و نابسامانی‌های داخلی ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، به‌عنوان یک فرصت طلایی استفاده کند. نقشه او این بود که از خوزستان شروع کند و شهر به شهر، خودش را به تهران برساند؛ و در بدترین حالت اگر نتوانست، دست کم خوزستان را به عراق ملحق کند. خوزستان به خاطر وجود منابع نفت و گاز، بنادر، راه‌ها و رودهای پرآبی که دارد، استان قدرتمندی است و هر کس خوزستان را می‌گرفت، به خیال خودش نبض اقتصاد ایران را در دست گرفته بود.

در آن روزها، ارتش ایران شرایط سختی داشت. فقط چند ماه از انقلاب گذشته بود و در ارتش تغییرهای زیادی رخ داده بود. بعضی فرماندهان رفته بودند و برخی هم اخراج شده بودند. برخی بخش‌ها هم نظم پیشین را نداشتند. دشمن همین وضعیت را دیده بود که حمله کرد. اما به مردم انقلابی ایران و نیز به فرماندهان و نیروهای غیور ارتش ایران برخورد که صدام حتی تصور کرده است که می‌تواند ایران را ظرف چند روز بگیرد. نیروی هوایی ارتش خیلی زود پاسخ داد. اولین پاسخ، با فاصله چند ساعت بعد از حمله هوایی دشمن در روز اول جنگ و پاسخ دوم هم در فردای آن روز با عملیات «کمان ۹۹» داده شد. در عملیات «کمان ۹۹»

که بزرگ‌ترین عملیات نظامی نیروی هوایی ارتش کشورمان شد، حدود ۲۰۰ هواپیمای نظامی ایرانی از چند پایگاه به پرواز درآمدند و ۱۴۰ فروند از آنها با عبور از مرز، بیش از نیمی از توان هوایی عراق را در پایگاه‌های مختلف آن کشور از کار انداختند. این پاسخ نشان داد ایران از میدان بیرون نرفته است. ایران استوار ایستاده و برای جنگیدن آماده است.



مقاومت در شهرها

با تهاجم گسترده زمینی نیروهای دشمن، همه فهمیدند این حمله یک درگیری مرزی ساده نیست. دشمن آمده بود تا بخشی از ایران را بگیرد و ایرانی‌ها را بشکند.

خرمشهر یکی از مهم‌ترین مناطقی بود که دشمن برای اشغالش نقشه کشیده بود. فرماندهان عراقی روی نقشه‌های خود، زمان تصرف خرمشهر را «چند ساعت» برآورد کرده بودند، اما محاسبات کلاسیک آنها یک عامل حیاتی را نادیده گرفته بود: اراده انسان ایستاده بر زمین وطن. تکاوران نیروی دریایی ارتش، پاسداران جوان و ساکنان بومی به

فرماندهی **محمد جهان‌آرا**، دانشجویان، کارگران بندر و مردمی که از شهرهای مختلف خود را به منطقه رسانده بودند، در برابر دشمن یک دژ انسانی ساختند. جنگ از بیابان، به کوچه‌ها و خانه‌ها کشیده شد. جان برکفان ما خیابان به خیابان و کوچه به کوچه جنگیدند و ۳۴ روز با کمترین امکانات و تعداد اندکی نیرو مقاومت کردند اما بالاخره خرمشهر اشغال شد. به همین خاطر، خرمشهر نماد پایداری و مقاومت مردم ایران در دوران دفاع مقدس شد. این مقاومت ۳۴ روزه، یک فایده مهم دیگر هم داشت: خرید زمان برای سازماندهی نیروهای خودی و خارج شدن از غافلگیری.

مقاومت مردم نه فقط در خرمشهر، بلکه در شهرهای دیگر مثل گیلان‌غرب، بستان، اهواز و سوسنگرد هم اتفاق افتاد. این مقاومت، به ایران فهماند که می‌شود در برابر دشمن تا دندان مسلح ایستاد.

حملات موشکی رژیم بعث صدام به دزفول

درباره دزفول

دزفول معروف به شهر موشک‌هاست. این شهر در ابتدای جنگ توسط خمپاره و توپخانه‌های ارتش بعث مورد اصابت قرار می‌گرفت و پس از آن بارها مورد حمله موشکی قرار گرفت.

کلام ماندگار

شما دزفولی‌ها امتحان دادید و از این امتحان خوب بیرون آمدید، شما دین خود را به اسلام ادا کردید.

شخصیت برجسته

نقش آیت‌الله قاضی امام جمعه وقت شهر دزفول را نمی‌توان نادیده گرفت. روحانی برجسته‌ای که علی‌رغم حملات بی‌امان دشمن سنگر نماز جمعه را پیوسته و پویا حفظ کرد.

تعداد شهدا و مجروحین	بیش از ۷۰۵۰ نفر
تعداد واحد مسکونی تخریب شده	۱۹۵۰۰ واحد
حملات انجام شده به دزفول	بیش از ۴۸۹ بمب ۲۰۰ موشک باران
موقعیت هدف	۲۰,۰۰۰ گلوله باران



قهرمان‌های مبارز



شهید محمد جهان‌آرا، فرمانده سپاه خرمشهر بود که با نیروهایش برای حفظ شهر در برابر نیروهای رژیم بعث عراق، با جان و دل مقاومت کردند. در روزهای آخر مقاومت که نیروهای جهان‌آرا با بی‌سیم به او اطلاع دادند که شهر در حال سقوط است، او با صلابت به آنها پیام داد که «باید مواظب باشیم ایمانمان سقوط نکند.»



سیده زهرا حسینی، دختر نوجوان ساکن خرمشهر بود که در زمان محاصره شهر، رزمنده و مدافع شهرش شد. خاطرات خواندنی او از روزهای مقاومت، در کتاب «دا» آمده است.



شهید بهنام محمدی‌راد، نوجوان سیزده ساله خرمشهری بود که با وجود سن کم، مردانه در برابر دشمنی که شهرش را اشغال کرده بود، ایستاد و به شهادت رسید.

فعالیت

کارگاه تصمیم‌گیری در آشوب

فرض کنید شما فرمانده یکی از محورهای دفاعی در خرمشهر هستید و ارتباط بی‌سیم شما با مرکز قطع شده است. انبار مهمات اصلی شهر نیز زیر آتش دشمن سوخته و شما تنها سه جعبه فشنگ و چند قبضه آرپی‌جی دارید. در همین حال ستون تانک‌های دشمن هم از سمت پل نو در حال پیشروی است و نیروهای شما فقط ترکیبی از مردم محلی بدون آموزش نظامی و چند تکاور ارتش هستند.

چگونه نیروهای خود را سازماندهی می‌کنید؟ اولویت شما حفظ جان نیروهاست یا به تأخیر انداختن پیشروی دشمن؟

نقشه خود را برای مدیریت این موقعیت آشوب‌زده در سه گام بنویسید:

گام اول: .....

گام دوم: .....

گام سوم: .....

متوقف کردن و مهار متجاوز

در ماه‌های ابتدای جنگ، غیر از آنکه ارتش شرایط سختی داشت و سپاه پاسداران هم تازه یک سال بود، در سال ۱۳۵۸، تأسیس شده بود، بین مسئولان کشور نیز اختلافات فراوان بود و انسجامی برای بازپس‌گیری مناطق اشغالی شکل نمی‌گرفت. در شش ماه ابتدای جنگ، چهار تلاش برای عملیات‌های گسترده انجام شد که به نتیجه نرسید. اِشکال، در نوع نگاه **سید ابوالحسن بنی‌صدر**، رئیس جمهور وقت (که فرمانده کل قوا هم بود) و روش جنگیدن بود: می‌گفت زمین می‌دهیم و زمان می‌خریم برای آمادگی؛ فکر می‌کرد می‌شود بدون استفاده از ظرفیت مردم، با روش‌های کلاسیک و معمول جنگی و بدون طراحی متناسب با موقعیت، جنگید.

اما کم‌کم ورق برگشت. کمتر از دو ماه بعد از جنگ در ۲۶ آبان ۱۳۵۹، شهر سوسنگرد که اشغال شده بود، طی یک عملیات موفق، آزاد شد. این پیروزی، اعتماد به نفس و امید به پیروزی‌های آینده را افزایش داد. از طرف دیگر، **دکتر مصطفی چمران** با تشکیل «ستاد جنگ‌های نامنظم» به انجام عملیات‌های چریکی برای وارد آوردن ضربه‌های مؤثر به دشمن پرداخت. سپاه و ارتش هم به‌تدریج و طی چند ماه، عملیات‌های کوچک ولی مؤثری ترتیب دادند که به زمین‌گیر شدن دشمن کمک کرد. این یعنی ما در همان سال اول جنگ، کم‌کم توانستیم دشمن را متوقف و از پیشروی‌اش جلوگیری کنیم.

قهرمان‌های مبارز

شهید دکتر چمران: دانشمندِ مجاهد

مصطفی چمران فقط آدم باهوشی نبود، بلکه در تحصیل علم نیز پشتکار عجیبی داشت. او آن‌قدر درس خواند که نخست در دانشکده فنی دانشگاه تهران مهندسی برق خواند و سپس از یکی از بهترین دانشگاه‌های آمریکا (برکلی) دکترا گرفت. یک دانشمند تراز اول بود اما با خودش عهد بسته بود برای آزادی و عدالت بجنگد. بنابراین از آمریکا به جنوب لبنان رفت تا کنار مردم مظلوم بایستد و به آنها جنگ چریکی و نامنظم یاد بدهد تا با اشغالگران اسرائیلی مبارزه کنند. اما نقطهٔ اوج کار چمران، در ایران و در جنگ با رژیم بعث عراق اتفاق افتاد. اینجا بود که نبوغِ علمی و روحیه جهادی‌اش یکی شد و یک شاهکار خلق کرد. وقتی که دشمنِ تا بن دندان مسلح به ایران حمله کرد، ما ارتش منظم و قوی نداشتیم. چمران یک راهکار علمی-جهادی داد: **ستاد جنگ‌های نامنظم را تأسیس کرد**؛ یعنی یک نیروی داوطلب مردمی از جوان‌های عاشق وطن که شاید سربازهای حرفه‌ای نبودند، اما دلِ شیر و ایمان قوی داشتند. برای این جوان‌ها، شعار «ما از خدا می‌ترسیم، از دشمن نه» عملاً در میدان جاری بود. **نیروی رزمی** او «انسان» بود، نه تجهیزات. **هدفش** متوقف کردن پیشروی ارتش بعث، آزادسازی مناطق اشغالی و اثبات این نکته که «جنگ را مردم اداره می‌کنند». فرماندهی او غیرمتمرکز و مبتنی بر ابتکار عمل فرماندهان محلی بود. **تاکتیک‌های** او مثل یک بازی هوشمندانه بود: استفاده از شبیخون‌های شبانه، کمین کردن در نیزارهای خوزستان، حمله‌های برق‌آسا و

سپس ناپدید شدن سریع. انگار به دشمن غول‌پیکر می‌گفت: «تو هرچه قوی باشی، باز هم به تو ضربه می‌زنم و فرار می‌کنم!» قدرت عظیم دشمن را با سرعت، غافلگیری و ایمان بی‌اثر می‌کرد. کار بزرگ او در جنگ تحمیلی آزادسازی شهر سوسنگرد بود. وقتی همه ناامید شده بودند، چمران خودش با هلی‌کوپتر در دل دشمن فرود آمد، نیروها را منسجم کرد و با یک عملیات نامنظم ولی هوشمندانه، شهر را از محاصره درآورد. راهکار علمی ـ جهادی دهۀ ۶۰ شهید دکتر چمران، بعدها الگوی سردار شهید سلیمانی در مهار داعش در منطقه شد. نمونه‌اش آزادسازی شهر آمرلی عراق در سال ۱۳۹۳ بود که پس از هفتاد روز محاصره اتفاق افتاد.



با برکناری سید ابوالحسن بنی‌صدر از ریاست جمهوری، با رأی مجلس و حکم امام خمینی، زمینه برای وحدت و همدلی و همفکری بیشتر سپاه و ارتش مهیا شد. همین بود که وقتی امام خمینی دستور داد که محاصره آبادان باید شکسته شود، برای بررسی طرح عملیات ثامن‌الائمه علیه‌السلام در طول سه ماه، حدود صد جلسه بین فرماندهان سپاه و نیروی زمینی ارتش برگزار شد تا اختلافات کم شود و همه روی یک طرح واحد با یک روش جنگی متفاوت و جدید توافق کنند؛ و اینطور بود که بالاخره در مهر ۱۳۶۰ در عملیات ثامن الائمه، محاصره آبادان شکسته شد.

تغییر روش از «متوقف کردن دشمن» به «حمله برای بازپس‌گیری سرزمین»

شکست محاصره آبادان تنها یک پیروزی نظامی نبود، بلکه تولد یک روش جدید جنگ بود که در آن، ارتش، سپاه و نیروهای مردمی، تحت راهبری امام خمینی، یک شبکه و ترکیب هماهنگ را شکل دادند: ارتش، تجربه، سازمان و تجهیزات آورد؛ سپاه، ابتکار، روحیه و انعطاف آورد و مردم، حضور، پشتیبانی و نیروی تازه نفس.



شهید حسن باقری (افشردی) مغز متفکر سال‌های ابتدایی دفاع مقدس، با استفاده از نظرات فرماندهان ارتش و سپاه، چهار اصل را مطرح کرد که به‌صورت همه جانبه، این تغییر شیوه جنگیدن را نشان می‌داد: ۱ـ جنگ در شب، ۲ـ غافل‌گیری، ۳ـ بسیج نیروهای داوطلب و ۴ـ وحدت فرماندهی.

همین شد که با استفاده از این چهار اصل، از پاییز ۶۰ تا بهار ۶۱، چهار عملیات بزرگ و موفق **ثامن‌الائمه**، **طریق‌القدس**، **فتح‌المبین** و **بیت‌المقدس** انجام شد و پنج تا شش هزار کیلومترمربع و ده‌ها روستا و آبادی و شش شهر ایران پس گرفته شد. در عملیات طریق‌القدس، بستان و هفتاد روستایش، سوسنگرد و مناطق بزرگی از دشت آزادگان آزاد گشت و ما به تنگهٔ چزّابه و هور رسیدیم. بعد در عملیات فتح‌المبین، در نوروز سال ۱۳۶۱، رزمندگان اسلام ۲۵۰۰ کیلومتر مربع از خاک ایران را از اشغال درآوردند و شهرهای دزفول، شوش و اندیمشک را از تیررس آتش توپخانه دشمن خارج کردند. طی این مدت، حدود هفت ماه، رزمندگان ما حدود ۲۰ هزار اسیر عراقی گرفتند و ارتش عراق را که از خرمشهر به بصره، خط تاکسی‌رانی راه انداخته بود تا پشت مرزهایش عقب راندند و مساحت وسیعی از سرزمین‌های اشغال شده خوزستان را آزاد کردند.

نکته خیلی مهم‌تر اینکه نیروهای مردمی، فقط نیروی رزمی تازه نفس را برای جنگیدن تأمین نکردند، بلکه از دل آنها، فرماندهان جوانی رشد کردند که در سرنوشت نهایی جنگ، نقش آفریدند.


قاسم سلیمانی


مهدی باکری


مهدی زین‌الدین


حسین خرازی


محمدابراهیم همت



شهید حسن باقری؛ خبرنگاری که مغز متفکر طراحی نظامی شد

حسن باقری، با نام اصلی غلامحسین افشردی، در سال ۱۳۵۸، دانشجویی بود که در سرویس فرهنگی و سیاسی یکی از روزنامه‌های کشور، خبرنگاری می‌کرد. البته خبرنگاری بود که فقط نویسندهٔ خبر نبود، بلکه خبرها را تحلیل می‌کرد تا از دل آن، تصویر دقیق‌تری از جهان و سیاست به دست بدهد. این بود که از اوایل سال ۱۳۵۹، در بخش اطلاعات سپاه مشغول شد.

با آغاز جنگ ایران و عراق، حسن باقری در اول مهر ۱۳۵۹ راهی جبهه جنوب شد و از همان لحظه ورود به جنوب، کار اصلی خود را آغاز کرد: شناسایی، جمع‌آوری اطلاعات، تحلیل زمین، ثبت موقعیت دشمن و ساختن یک نگاه عملیاتی تازه. او به سرعت فهمید که جنگ فقط با شجاعت پیش نمی‌رود؛ شناخت دقیق صحنهٔ نبرد هم لازم است. در همین مرحله بود که وی عملاً پایه‌های واحد اطلاعات و عملیات سپاه را گذاشت. کار اصلی او عبارت بود از کسب اطلاعات برای ساختن یک دستگاه فهم جنگ، پیش‌بینی حرکت بعدی دشمن و طراحی مناسب عملیات. به‌همین دلیل خیلی زود اعتماد فرماندهان را جلب کرد و در رده‌های فرماندهی حضور یافت.

شهید باقری می‌کوشید تجربه‌های میدانی را به دانش عملی تبدیل کند؛ دانشی که بعداً به تدوین اصول دفاعی، قواعد عملیات و حتی شکل‌گیری دکترین دفاعی ایران کمک کرد. به همین دلیل است که او را فقط یک فرمانده نمی‌دانند؛ بلکه او را یکی از معماران فهم نظامی ایران در جنگ می‌شمارند.

هنگامی که حسن باقری در ۹ بهمن ۱۳۶۱ در سنگر دیده‌بانی به شهادت رسید، تنها ۲۶ سال داشت، ولی نام او هنوز هم برای بسیاری، فقط نام یک فرمانده جوان نیست، بلکه نشانه‌ای برای یک سبک از فرماندهی است. او می‌گفت: «تا زمانی که این بانگ الله‌اکبر هست، تا زمانی که ظلمی هست، تا زمانی که کفری هست، این مبارزه هم هست. شکلش فرق می‌کند اما اصلش فرقی نمی‌کند...»

بیشتر بدانید

بسیج؛ حضور مردم در دفاع همه‌جانبه

امام خمینی (رضوان‌الله‌علیه) با آینده‌نگری ویژهٔ خود، در تاریخ پنجم آذر ۱۳۵۸، دستور تشکیل ارتش ۲۰ میلیونی (بسیج) را صادر فرمود. پس از این فرمان، واحد بسیج مستضعفین زیر نظر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تشکیل گردید و آموزش‌های نظامی و سازماندهی مردم در قالب سازمان بسیج مستضعفین به منظور آمادگی دفاعی در آحاد مردم انجام گرفت.

در دفاع مقدس هشت ساله و در شرایطی که ارتش و سپاه پاسداران، نیروی انسانی کافی و آمادگی لازم را برای ورود به یک جنگ گسترده نداشتند، نیروهای مردمی مؤمن، فداکار و مقاوم در قالب بسیج، سازماندهی شده و در کنار نیروهای با ایمان و شجاع ارتش و سپاه، حماسه‌های بی‌نظیری آفریدند.

بعد از جنگ هشت ساله نیز فعالیت‌های بسیج در قالب همکاری با سایر نهادها و سازمان‌های کشور در حوزه‌های تربیتی و فرهنگی و هنری، سازندگی، خدمات اجتماعی، محرومیت‌زدایی، دفاع محلی و...، خدمات فراوانی به کشور ارائه داده و می‌دهد.



بسیج امروزه برای استفاده از ظرفیت همه گروه‌های مردمی، به تشکیل بسیج اقشار و گروه‌های مختلف همانند بسیج دانش‌آموزی، بسیج فرهنگیان، بسیج دانشجویی، بسیج اساتید، بسیج مساجد و محلات، بسیج جامعه زنان، بسیج کارگری، بسیج اصناف و... پرداخته و نقش مؤثری در مسیر پیشرفت و آبادانی کشور ایفا می‌کند.

برای مثال بسیج دانش‌آموزی در قالب واحدهای اُمیدان (دوره ابتدایی)، پویندگان (دوره اول متوسطه) و پیشگامان (دوره دوم متوسطه) با ایجاد روحیه همیاری، مسئولیت‌پذیری، آمادگی دفاعی و... در دانش‌آموزان، آنها را برای نقش‌آفرینی در ساخت آینده کشور آماده می‌کند.



«خرمشهر را خدا آزاد کرد»



در میان چهار عملیات بزرگی که نام بردیم، عملیات بیت‌المقدس آخرین و مهم‌ترین بود، عملیاتی که به آزادی خرمشهر منتهی شد. در ایران همه منتظر آزادی خرمشهری بودند که شده بود سمبل مقاومت. آزادی خرمشهر فقط یک پیروزی نظامی نبود، یک پیروزی راهبردی و حاصل تلاش همهٔ مردم بود، به همه ـ خصوصاً به مردم خودمان ـ نشان داد که می‌شود دشمن را عقب زد؛ می‌شود شهر اشغالی را پس گرفت؛ و می‌شود از دل شکست، راهی به سوی پیروزی باز کرد. این عملیات، همه معادله‌ها، باورها و ذهنیت‌ها درباره توانایی‌ها و قابلیت‌های نظامی ایران و عراق را تغییر داد. ارتش بعث عراق یک روز قبل از فتح خرمشهر، طی یک اطلاعیه خطاب به همه نظامیان بعثی آورده بود که: دفاع از خرمشهر و حومه آن، مانند دفاع از بغداد و حومه آن و دفاع از همه شهرهای عراق است. این یعنی ارتش بعث برای حفظ شهر، همه توانش را به میدان آورد، ولی در برابر مدافعان ایران شکست خورد. آزادی خرمشهر پایان رؤیاهای صدام و حامیانش در اشغال ایران و تضعیف و تسلیم جمهوری اسلامی بود. در این شرایط بود که امام خمینی پیام داد و گفت: «خرمشهر را خدا آزاد کرد».

ایمان و استقامت، شرط نصرت الهی

در عملیات آزادسازی خرمشهر، تجهیزات ما و ارتش بعث عراق، آن‌قدر نابرابر بود که با حساب و کتاب‌های این دنیایی، کسی فکرش را هم نمی‌کرد که ما بتوانیم آنها را از خرمشهر بیرون کنیم. ولی طبق آیات قرآن، خدا مؤمنانی را که اهل صبر و استقامت باشند یاری کرده و توان آنها را چند برابر می‌کند: «ای پیامبر! مؤمنان را به جنگ برانگیز، اگر از شما بیست نفر صابر باشند، بر دویست نفر چیره می‌شوند و اگر صد نفر باشند، بر هزار نفر از کافران چیره می‌شوند».[1] این بود که امام خمینی فرمود «خرمشهر را خدا آزاد کرد»؛ و این یعنی «وَ مَا النَّصر الّا مِن عِندِ اللهِ العزیزِ الحکیم»[2].

۱ـ سوره مبارکه انفال، آیه ۶۵.

۲ـ و پیروزی تنها از جانب خداوند شکست‌ناپذیرِ حکیم است؛ سوره مبارکه آل‌عمران، آیه ۱۲۶.

فعالیت

در رمزینه روبه‌رو، تعدادی از مستندهای مرتبط با اشغال و آزادسازی خرمشهر معرفی شده است. با راهنمایی دبیر خود، یکی از آنها را انتخاب و مشاهده و سپس نقد و ارزیابی کنید.

ما دوران هشت سالهٔ جنگ تحمیلی را «دفاع مقدس» می‌دانیم، زیرا مردم به‌خاطر اهداف زیر از کشور دفاع کردند:

۱ـ استقامت در برابر ظالمان برای اطاعت از فرمان خداوند با تبعیت از ولایت فقیه
۲ـ مقاومت به منظور حفظ دین، قرآن و انقلاب اسلامی
۳ـ دفاع برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور
۴ـ ایستادگی برای دفع تجاوز دشمن و رسیدن به صلح و امنیت

بیشتر بدانید

دانستنی‌های دفاع مقدس (۱)

- جنگ تحمیلی نظام (رژیم) بعثی عراق علیه ایران ۲۸۸۷ روز به طول انجامید که طی آن هزار روز نبرد فعال صورت گرفت که ۷۹۳ روز آن حمله از سوی رزمندگان اسلام بود و ۲۰۷ روز از سوی ارتش متجاوز بعثی.
- در طول جنگ شمار ۳۸۱ هزار و ۶۸۰ نفر از نیروهای دشمن کشته و یا زخمی شدند و ۷۲ هزار نفر به اسارت نیروهای اسلام درآمدند.
- در این هشت سال ۳۷۱ فروند هواپیما و ۸۲ فروند بالگرد دشمن منهدم شد. ۱۷۰۰ دستگاه تانک و نفربر، ۴۸۰ قبضه توپ و ۳۳۶۳ دستگاه خودرو نظامی به غنیمت ایران درآمد و ۵۷۵۸ دستگاه تانک و نفربر، ۵۳۲ قبضه توپ و ۵۱۵۲ دستگاه خودرو نظامی دشمن منهدم شد.
- مقاومت رزمندگان اسلام سبب شد تا ذخایر ارزی عراق که در ابتدای جنگ، حدود سی میلیارد دلار بود، پس از شکست در عملیات بیت‌المقدس و فتح خرمشهر به صفر برسد و پس از پایان جنگ، این کشور بیش از هفتاد میلیارد دلار بدهی داشته باشد.

- در طول هشت سال دفاع مقدس حتی یک وجب از خاک میهن اسلامی ایران در دست دشمن باقی نماند و این افتخار در تاریخ ۴۰۰ سال گذشتهٔ ایران بی‌نظیر است.
- حدود ۵۰۰۰ نفر از اسرای عراقی به ایران پناهنده شده‌اند که توسط صلیب سرخ ثبت نام و تعداد زیادی از آنها در ایران تشکیل خانواده داده‌اند و تا قبل از سقوط صدام حاضر به بازگشت به کشورشان نبودند.
- طول مرز ایران و عراق ۱۳۳۶ کیلومتر است که با در نظر گرفتن رودخانه‌ها و هورالعظیم به ۱۵۹۱ کیلومتر می‌رسد.
- بیش از ۶۳ درصد از حملات دشمن به شهرهای کشور با هواپیما، ۳۲ درصد با توپخانه و در حدود ۵ درصد نیز با موشک صورت گرفته است.
- در طول جنگ، ۱۲۷ شهر از شهرهای کشور مورد تهاجم هوایی و موشکی قرار گرفته‌اند.
- شهر تهران در دوران جنگ شهرها ۹۲ بار مورد تهاجم هوایی و موشکی قرار گرفته است. در روزهای پایانی سال ۱۳۶۶ سومین جنگ شهرها علیه ایران آغاز شد و برای اولین بار موشک‌های عراقی که بُرد آنها به کمک متخصصان خارجی افزایش یافته بود، به شهرهای تهران و قم اصابت کرد.
- در گزارش هیئت اعزامی از طرف سازمان ملل که در تاریخ ۱۰ خرداد ۱۳۷۰ وارد تهران شدند، چنین آمده است: پنج استان ایران صحنه جنگ بوده و یازده استان مورد حمله قرار گرفته و ۵۰۰ شهر و ۴۰۰۰ روستا براثر جنگ خسارت دیده‌اند.

دستاوردهای داخلی هشت سال دفاع مقدس

دستاوردهای داخلی دفاع مقدس فراوان است. شما دانش‌آموزان عزیز در این درس با شش مورد از آنها آشنا می‌شوید:

۱ـ اعتماد به نفس و خودباوری: با توجه به اینکه اغلب کشورها از فروش امکانات دفاعی به ما خودداری می‌کردند، به این نتیجه رسیدیم که باید توانمندی‌های خود را باور کنیم و با تکیه بر ایمان و توکل بر خدا و تلاش، نیازهای جنگ را برطرف و از میهن دفاع کنیم.

۲ـ تولد تفکر بسیجی: تفکر بسیجی در مدرسهٔ عشق و جهاد امام خمینی رحمه‌الله به وجود آمد و تربیت‌شدگان این مدرسه، زیباترین حماسه‌های ایثار و شهادت را در دوران دفاع مقدس خلق کردند.



۳ـ پیشرفت در صنایع دفاعی کشور: یکی از مهم‌ترین برکات جنگ، تلاش‌های جوانان مؤمن میهن ما بود. ما در ابتدای جنگ برای ساخت یک گلولهٔ معمولی هم ناتوان بودیم؛ اما در اواخر جنگ بسیاری از نیازهای دفاعی کشور را خودمان تأمین می‌کردیم. ادامه این سیر پیشرفت باعث شد که ما اکنون توان ساخت انواع تجهیزات دفاعی برای کشور، همچون موشک‌های دور بُرد را داشته باشیم.



پل بعثت بر روی رودخانه اروندرود

۴ـ کسب تجارب مهندسی و صنعتی: حضور کارشناسان داوطلب فنی و مهندسی در قالب جهاد سازندگی که وظیفهٔ پشتیبانی، مهندسی و رزمی رزمندگان ارتش، سپاه و بسیج را برعهده داشتند و در ساختن سنگرهای چندمنظوره، خاکریز و کانال در دوران دفاع مقدس فعال بودند، این موضوع باعث کسب تجربیات بسیار ارزشمندی برای رفع نیازهای اساسی و زیرساختی کشور در دورهٔ سازندگی مانند ساخت سدها، بزرگراه‌ها، فرودگاه‌ها، پالایشگاه‌ها و... شد.

۵ـ ترویج فرهنگ ایثار و شهادت: رزمندگان دلاور با فداکاری و ایثار در راه خدا، فرهنگ دفاعی و آزادی‌خواهی را در جامعه جاودانه کردند و الگوی از خودگذشتگی برای انسان‌های مبارز و حق‌طلب شدند و به جهانیان ثابت کردند که با ایمان به خدا و سربند «یازهرا»، «یاحسین» و با شعار «الله‌اکبر» می‌توان در مقابل هر متجاوزی ایستادگی کرد.

۶ـ نقش‌آفرینی مساجد در دفاع از میهن: مساجد از ابتدای ظهور اسلام در نشر معارف اسلامی نقش تعیین‌کننده‌ای داشته‌اند. در دوران دفاع مقدس، مساجد پایگاه بزرگی در ترویج فرهنگ ایثار و شهادت، اعزام نیروهای بسیجی، جمع‌آوری کمک‌های مردمی و... برای کمک به مدافعان میهن بودند.

بیشتر بدانید

دانستنی‌های دفاع مقدس (۲)

- تعداد کل شهدای جنگ تحمیلی، طی آخرین آمار اعلامی از سوی بنیاد شهید و امور ایثارگران ۱۸۸ هزار و ۱۵ نفر بوده است.
- در دوران دفاع مقدس ۱۷۲۰۵۶ نفر در درگیری با دشمن و ۱۵۹۵۹ نفر در بمباران شهرها به شهادت رسیدند.
- در بین شهدای دفاع مقدس، شهدای کارمند ۲۱ هزار نفر، شهدای معلم ۳ هزار و ۷۲۸ نفر، شهدای دانش‌آموز ۳۶ هزار و ۱۶۷ نفر، شهدای روحانی ۲ هزار و ۷۵۷ نفر بوده‌اند.
- در دوران دفاع مقدس ۴۸۰۰۰ نفر از ارتشیان غیور جمهوری اسلامی ایران به شهادت رسیدند.
- جهادسازندگی در طول ۸ سال دفاع مقدس ۳۱۰۰ شهید، ۸۵۰۰ جانباز، ۸۶۶ آزاده و ۸۳ مفقودالاثر تقدیم انقلاب اسلامی کرده است.
- شهدای اقلیت‌های مذهبی شامل: ۸۸ نفر مسیحی، ۹ نفر زرتشتی و ۱۶ نفر کلیمی است.
- در بین شهدای عزیزمان، ۱۸۵۵ شهید با ملیت عراقی، ۳۱۴ شهید با ملیت افغانی و ۲۹ شهید از ملیت‌های دیگر حضور دارند.
- در دوران دفاع مقدس ۸۵ هزار و ۲۲۲ نفر بسیجی از تودهٔ مردم به درجهٔ رفیع شهادت رسیدند.
- میانگین سن شهدا ۲۲ سال بوده است. سن ۴۴ درصد شهدا ۱۶ تا ۲۰ سال بوده است. ۷۱ درصد شهدا مجرد بوده‌اند.
- زنان قهرمان ایران ۴۳۶۳ نفر شهید نیز تقدیم اسلام کرده‌اند که بیشتر آنها در بمباران و موشک‌باران شهرها به شهادت رسیده‌اند.
- در دوران دفاع مقدس ۲۲۸۰۸ نفر امدادگر و ۲۲۷۶ نفر زن به جبهه‌ها اعزام شدند.
- در طول دفاع مقدس ۳۲۰ هزار نفر از قهرمانان رزمنده با درصد بالایی جانباز شدند.
- در حال حاضر ۱۰۰ هزار جانباز شیمیایی در کشور وجود دارد و حدود ۸ هزار جانباز نیز در شرایط بحرانی‌اند.

- در دفاع مقدس حدود ۴۵ هزار نفر از رزمندگان اسلام به اسارت نیروهای عراقی درآمدند که مردم به آنها لقب آزاده دادند.
- در دفاع مقدس حدود ۲۵ هزار نفر مفقودالاثر شدند که تاکنون پیکر مطهر نزدیک به ۲۰ هزار نفر از آنان با عملیات تفحص پیدا شده است.



درس چهارم

باید برخاست



فتح خرمشهر در جنگ تحمیلی توانست برتری ایران را نشان دهد و تردیدهای جدی دربارهٔ توانایی‌های ارتش بعثی عراق ایجاد کند. در داخل کشور هم این پیروزی شور و نشاط و همچنین، وحدت و انسجام خوبی ایجاد کرد و درخواست عمومی برای تعقیب و تنبیه متجاوز، فراگیر شد. ما توانسته بودیم دشمن را از مهم‌ترین مناطق اشغال شده بیرون کنیم و در این مناطق، به مرزهای بین‌المللی کشورمان برسیم. خواسته اصلی آمریکا و صدام در این مقطع، تحمیل آتش‌بس به ایران بود، البته آتش‌بسی که نه در آن متجاوز مشخص می‌شد، نه محکوم می‌شد و نه خسارت و غرامتی به ایران می‌پرداخت. طبیعی بود که مسئولین ایران چنین حرف زوری را نپذیرند، چون این کار دشمن را گستاخ‌تر می‌کرد و او می‌توانست دوباره، هر وقت که بخواهد، بدون هیچ هزینه سیاسی و بین‌المللی، به ایران حمله کند و سپس درخواست آتش‌بس بدهد. به علاوه، هنوز بخش‌هایی از سرزمین ایران در اشغال آنها بود.

این بود که ایران تصمیم گرفت برای تنبیه متجاوز و اثبات حقانیت خود و رسیدن به پیروزی و صلح پایداری که در آن، متجاوز مشخص شده و محکوم به پرداخت خسارت بشود، به جنگ ادامه بدهد. صدام، عامل نظام سلطه بود و نظام سلطه، این‌بار با استفاده از سازمان‌های بین‌المللی، پشت سر صدام بود و ما برای گرفتن حقمان در میدان سیاست و دیپلماسی، باید فشار بر دشمن را در جنگ نظامی بیشتر می‌کردیم.



تعقیب و تنبیه متجاوز

ایران در حالی به دنبال پیدا کردن مسیری برای تنبیه ارتش متجاوز بعثی بود که آنها کم‌کم با کامل کردن خاکریزها، دژهای بتنی، میدان‌های مین و ایجاد موانع، پیشروی زمینی را سخت کرده بودند. نیروهای ما این بار نیز ابتکار تازه‌ای به خرج دادند: حرکت از زمین خشک به سمت آب و هور. هور به مناطقی گفته می‌شود که پر از آبراهه و نیزار است. عبور از هور آسان نیست، اما همین ویژگی می‌توانست دشمن را غافلگیر کند و به همین خاطر، در محاسبات ارتش بعث نیز جدی گرفته نشده بود. **شهید علی هاشمی** و نیروهایش ماه‌ها به شناسایی در این مناطق پرداختند. آنها مسیرهای پنهان آبراهه‌ها را پیدا کردند. و این‌طور بود که عملیات سرنوشت‌ساز خیبر در اسفند ۱۳۶۲ اتفاق افتاد.



شهید قاسم سلیمانی و شهید علی هاشمی

عملیات خیبر با غافلگیری آغاز شد. نیروهای ایرانی توانستند پیشروی کنند. اما دشمن که غافلگیر شده بود، دست به کار خطرناکی زد. آنها برای نخستین بار به‌طور وسیعی از «سلاح شیمیایی» استفاده کردند. رزمندگان ایرانی تا آن روز چنین سلاحی ندیده بودند. ماسک و لباس محافظ هم در اختیار نداشتند. بسیاری مجروح و بسیاری هم شهید شدند. با این حال، نیروهای ایرانی توانستند جزیرهٔ مجنون (از مناطق مهم نفتی عراق) را در منطقهٔ

هورالهویزه (هورالعظیم) تصرف کنند. سال بعد، عملیات‌های دیگری هم در همان منطقه انجام شد. در همین نبردها البته فرماندهان بزرگی همانند **مهدی باکری** و **محمد ابراهیم همت** به شهادت رسیدند، ولی عملیات خیبر، باز هم دست برتر ایرانی‌ها در طراحی و عملیات مبتکرانه (به رغم کمبود تجهیزات) را به رخ همه کشید.



عیادت رهبر شهید از مجروحان شیمیایی در اهواز



جزیرهٔ مجنون

مهدی باکری

فیلم «موقعیت مهدی» در مورد زندگی و رشادت‌های شهید مهدی باکری است. آن را ببینید و در مورد سؤالات زیر گفت‌وگو کنید.

۱ـ به نظر شما سخت‌ترین بخش زندگی یک فرمانده در زمان جنگ چیست: حضور در میدان نبرد یا تصمیم‌گیری برای دیگران؟

۲ـ آیا در این فیلم، قهرمان بودن فقط به جنگیدن نشان داده شده یا به نوع رفتار، فکر و انتخاب هم اشاره دارد؟

۳ـ در کدام صحنه بیشتر احساس کردید شهید مهدی باکری فقط یک فرمانده نظامی نبوده بلکه یک انسان الگو نیز بوده است؟

۴ـ به نظر شما چرا یاد و نام بعضی انسان‌ها مانند شهید باکری در تاریخ ماندگار می‌شود؟



حمید باکری ـ شهادت: ۱۳۶۲/۱۲/۰۶
جزیرهٔ مجنون



مهدی باکری ـ شهادت: ۱۳۶۳/۱۲/۲۵
جزیرهٔ مجنون



بخشی از وصیت‌نامه معلم شهید سردار محمد ابراهیم همت

... مادر جان می‌دانی تو را بسیار دوست دارم و می‌دانی که فرزندت چقدر عاشق شهادت و عشق به شهیدان داشت. مادر، جهل حاکم بر یک جامعه، انسان‌ها را به تباهی می‌کشد؛ و حکومت‌های طاغوت مکمل‌های این جهل‌اند، شاید قرن‌ها طول بکشد که انسانی از سلالهٔ پاکان زائیده شود و بتواند رهبری یک جامعه سردرگم و سر در لاک خود فرو برده را در دست گیرد و امام تبلور ادامه‌دهندگان راه امامت و شهامت و شهادت است ... مادر جان، من متنفر بودم و هستم از انسان‌های سازشکار و بی‌تفاوت، از طرف من به جوانان بگویید چشم شهیدان و تبلور خونشان به شما دوخته است. بپاخیزید و اسلام را و خود را دریابید. نظیر انقلاب اسلامی ما در هیچ کجا پیدا نمی‌شود ... ای کاش ملت‌های تحت فشار مثلث زور و زر و تزویر به خود می‌آمدند و آنها نیز پوزه استکبار را بر خاک می‌مالیدند. مادر جان، جامعه ما انقلاب کرده و چندین سال طول می‌کشد تا بتواند کم کم صفات و اخلاق طاغوت را از مغز انسان‌ها بیرون ببرد، ... پدر و مادر؛ من زندگی را دوست‌دارم، ولی نه آنقدر که آلوده‌اش شوم و خویشتن را گم و فراموش کنم. علی‌وار زیستن و علی‌وار شهید شدن، حسین‌وار زیستن و حسین‌وار شهید شدن را دوست می‌دارم. شهادت در قاموس اسلام، کاری‌ترین ضربات را بر پیکر ظلم، جور، شرک و الحاد می‌زند و خواهد زد.

فعالیت

طراحی در اتاق فرماندهی

فرض کنید در اتاق فرماندهی یک عملیات هستید و برای انتخاب منطقه عملیات، دو انتخاب پیش روی شماست:

الف) منطقه‌ای وسیع با دشت صاف و جاده‌های مناسب

ب) منطقه هور و نیزار، با آبراه‌های باریک و زمین گل‌آلود

حالا به این سؤال‌ها پاسخ دهید:

۱ـ اگر دشمن، تانک‌ها و توپخانه‌هایش را در دشت مستقر کرده باشد، کدام منطقه را به‌عنوان محور اصلی عملیات انتخاب می‌کنید؟ چرا؟

۲ـ ارتش، سپاه و مردم هر کدام چه نقشی در موفقیت این عملیات می‌توانند ایفا کنند؟ (ابعادی مثل تجهیزات و تدارکات، اطلاعات، آموزش نیروها، پشتیبانی فکری ـ فرهنگی و... را در نظر داشته باشید)



بیشتر بدانید



پل خیبر؛ شاهکار مهندسی جنگ

در هر جنگ، عبور دادن تعداد زیادی نیرو از زمین‌های باتلاقی، نیزارها و رودهای کوچک، یک نیاز ضروری است که سرعت عبور نیروها با کمترین تلفات را بالا می‌برد. پل خیبر که یکی از شاهکارهای مهندسی جنگ تحمیلی بود، بزرگ‌ترین پل شناور دنیا به طول ۱۳ کیلومتر، با عرض ۳ متر و ۲ متر بال محافظ بود که طی دو ماه، ساخته و بر روی هور زده شد تا ارتباط بین جزیرهٔ مجنون و ساحل خودی را برقرار کند. طراحی و تولید این پل طوری بود که تمام کشور درگیر آن شده بودند: حدود ۲۰ کارخانه شبانه‌روز کار می‌کردند و اساتید دانشگاه هم در تحقیقات مرتبط با آن مشارکت داشتند.

در این رمزینه می‌توانید اطلاعات بیشتری دربارهٔ پل خیبر ببینید.

عملیات بزرگ دیگری که در پر کردن دست ایران برای تأمین امنیت و تثبیت پیروزی‌اش مهم بود، والفجر ۸ بود. برای این عملیات، از بیشتر شهرهای کشور نیرو آمد. در شهرهای مختلف هم تمرین و آموزش شروع شد. غواص‌ها در رودخانه سفیدرود گیلان آموزش دیدند تا بتوانند از اروندرود عبور کنند.

در عملیات والفجر ۸ هم ابتکارهای فنی و مهندسی گسترده و بی‌نظیری داشتیم. صنایع کشور به کمک جبهه آمدند و هر جا که امکان داشت، قطعه و تجهیزات ساختند؛ از کارخانه تراکتورسازی تبریز گرفته تا مجتمع مس سرچشمه و کارگاه‌های کوچک‌تر. مهندسان ایرانی برای عبور نیروها از رودخانه، انواع پل‌ها را طراحی کردند. بعضی پل‌ها شناور بودند و بعضی دیگر سریع نصب می‌شدند. هوانیروز، نیروی هوایی و پدافند هم هر کدام طرح‌های ویژه‌ای برای این عملیات آماده کردند.

در کنار اینها، گروه‌های شناسایی ماه‌ها اروندرود را بررسی کردند. جریان آب را سنجیدند. مدّ و جزر رودخانه را اندازه گرفتند. مسیرهای عبور را پیدا کردند. این کار با چنان دقت زیادی انجام شد که حتی ماهواره‌های جاسوسی آمریکا هم متوجه نشدند.

سرانجام عملیات والفجر ۸ در شب ۲۰ بهمن ۱۳۶۴ آغاز شد. نیروهای ایرانی از اروندرود عبور کردند. دشمن چنان غافلگیر شد که تا دو سه روز حتی تشخیص نداده بود کدام مسیر عملیات اصلی است و کدام مسیر عملیات فریب. وقتی تشخیص داد، حدود ۴۰ شبانه‌روز محور اصلی عملیات را با هواپیما و تانک و بالگرد و توپخانه کوبید، اما فایده نداشت: شهر بندری فاو عراق و بسیاری از تأسیسات و موقعیت‌های نزدیک آن، به دست نیروهای ایرانی افتاد و ارتباط دریایی عراق با خلیج فارس (که از مسیر اروندرود بود)، قطع شد. این یکی از مهم‌ترین پیروزی‌های ایران در سال‌های جنگ بود که هم کفهٔ پیروزی‌ها را به نفع ایران سنگین‌تر کرد و هم بازتاب سیاسی بسیار گسترده جهانی و منطقه‌ای داشت.



عملیات والفجر ۸

منطقه عملیات
شبه جزیره فاو

مدت عملیات
۷۰ روز

رمز عملیات
یا فاطمه الزهرا (س)

شرح عملیات

- در آرایش دفاعی قرار گرفتن دشمن پس ازفتح خرمشهر در عملیات بیت‌المقدس

طراحی و اجرای عملیات در ۴ مرحله:

۱. عبور یگان‌ها از رودخانه و شکستن خط و پاکسازی منطقه
۲. استقرار در پایگاه دوم موشکی در شمال غربی شهر فاو
۳. پیشروی تا ابتدای کارخانه نمک و تشکیل خط دفاعی به موازات این منطقه از ساحل تا خور عبدالله
۴. رسیدن به زمین انتهای کارخانه نمک و کانال انتهای کارخانه واقع در جاده ام‌القصر تا ساحل رودخانه

- عبور از اروند و در نتیجه محاصره و تصرف فاو و مقابله با تانک‌های سنگین دشمن
- بمباران‌های شیمیایی منطقه برای بازپس‌گیری فاو

هدف عملیات

- تصرف فاو و تهدید بصره از جنوب و قطع دسترسی رژیم صدام به خلیج فارس

نتایج عملیات

- آزادسازی ۶۰۰ کیلومتر مربع یا تصرف شهر بندری فاو
- انهدام وسیع نیرو و تجهیزات دشمن
- تسلط بر اروند
- تأمین شمال خلیج فارس و ایجاد امکان تردد کشتی‌ها به بندر امام خمینی
- تصرف دو پایگاه موشکی ساحل به دریا
- انسداد راه رژیم صدام به خلیج فارس
- هم‌مرز شدن با کویت

انهدام یگان دشمن

- بیش از ۵۰ هواپیما و بالگرد
- ۲۰ عراده توپ صحرایی و ۵۵ توپ ضدهوایی
- ۶ ناوچه موشک‌انداز
- هفده دستگاه تانک نفربر و خودروهای نظامی
- به غنیمت گرفتن تعداد زیادی از ادوات نظامی



رویارویی با نظام سلطه



جنگ ایران و عراق فقط یک درگیری میان دو کشور نبود، بلکه رویارویی نظام سلطه با یک کشور استقلال‌طلب یعنی ایران بود. صدام به‌تنهایی تصمیم نگرفت به ایران حمله کند. او پیش از جنگ با قدرت‌های بزرگ سازش کرده بود. با بعضی دولت‌های عربی هم هماهنگ کرده بود و همه به او قول کمک داده بودند. از همان ابتدای جنگ و به‌ویژه بعد از اینکه خرمشهر را پس گرفتیم، این کمک‌ها در انواع مختلف آشکار شدند: کمک‌های نظامی، مالی، اطلاعاتی و فنی.

فرانسه از نخستین کشورهایی بود که با کارشناسان نظامی، جنگده‌های میراژ و موشک‌های ضدکشتی اگزوسه به کمک عراق آمد. انگلیس در بغداد و در جبهه‌ها شبکه بزرگی از تونل‌های زیرزمینی پر از تجهیزات ارتباطی و الکترونیکی، رایانه و دستگاه‌های مخابراتی برای ارتش صدام ساخت. یک شرکت صنعتی آلمانی شش خط تولید سلاح شیمیایی برای عراق ساخت. یک شرکت آمریکایی هم پانصد تُن مواد شیمیایی به عراق فروخت. صدام از همین مواد در بمب‌های شیمیایی علیه مردم ایران و عراق استفاده کرد.

عراق برای خرید سلاح پول زیادی لازم داشت. برخی بانک‌های اروپایی به او وام دادند. با همین پول، عراق میلیون‌ها مین ضدنفر از ایتالیا خرید و در مرزها کار گذاشت. آمریکا هم علاوه بر تجهیزات، به عراق اطلاعات نظامی می‌داد. هواپیماهای آواکس در منطقه پرواز می‌کردند و از تحرکات نیروهای ایرانی تصویر می‌گرفتند.

اتحاد جماهیر شوروی نیز از عراق پشتیبانی می‌کرد و ۴۰۰ تانک تی۵۵ و ۲۵۰ تانک تی۱۲ با انبوهی از موشک‌های گراد، فراگ ۷، سام ۹ و سامانهٔ پدافندی اسکادبی را به عراق فرستاد. صدها مستشار نظامی شوروی هم به ارتش عراق در طراحی عملیات‌ها کمک می‌کردند.



کدام کشورها در دفاع مقدس به رژیم بعث کمک کردند؟

آمریکا
دادن اطلاعات ماهواره‌ای برای بمباران، فروش بالگردهای نظامی، فروش مواد شیمیایی

فرانسه
هواپیماهای سوپر اتاندارد و موشک‌های لیزری

آلمان
۶ هزار تن بمب شیمیایی

انگلیس
فروش ابزار نظامی، ساخت پناهگاه برای نیروهای عراقی

عربستان
دادن اطلاعات محرمانه ایران به رژیم بعث

شوروی
تانک، بالگرد و سلاح‌های پیشرفته

ایتالیا
ساخت موشک‌های ضدزره، توپخانه‌های دوربرد

بلژیک
ساخت کارخانه تولید بمب شیمیایی

آرژانتین
فروش ادوات نظامی

ژاپن
فروش تجهیزات نظامی و ماشین‌آلات مهندسی و راه‌سازی

هلند
ارسال هزاران تُن مواد شیمیایی گاز خردل و اعصاب

شیلی
فروش بمب‌های خوشه‌ای

گرفتن اسیر از کشورهایی همچون مصر، سودان، سومالی، مراکش، اردن، یوگسلاوی و...

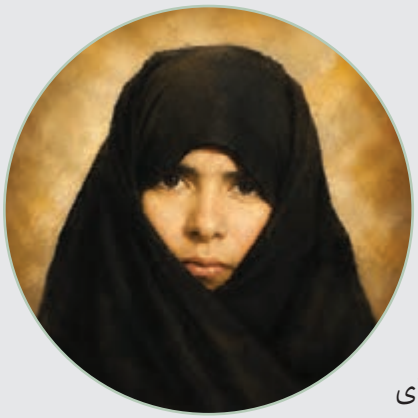
ما همه علیه دشمن

از این طرف، در ایران هم بسیج، ظرفیتی آماده کرد تا همه مردم پای کار جنگ بایستند. فرماندهان نظامی با همین مردم، گروهان و گردان و تیپ و لشکر ساختند و با ارتش صدام جنگیدند. کار آسانی نبود. بسیاری از نیروها نوجوان یا جوان بودند. بسیاری تجربه نظامی نداشتند. اما آموزش دیدند، تمرین کردند و کم‌کم به نیروهایی منظم تبدیل شدند. در شهرهای مختلف ایران، پادگان‌ها و اردوگاه‌های آموزشی شکل گرفت. جوان‌ها آموزش می‌دیدند و به جبهه می‌رفتند. نزدیک زمان عملیات، تعداد نیروها بیشتر می‌شد. پس از پایان عملیات، بسیاری از نیروها به شهرهای خود بازمی‌گشتند و دوباره به سر کار و زندگی و درسشان برمی‌گشتند تا نوبت بعدی حضورشان برسد.

اشتباه است اگر فکر کنیم که در جنگ فقط مردان می‌جنگیدند. **مرضیه حدیدچی (دباغ)** یکی از آن زنان مؤمن و مبارز بود که مبارزه‌هایش را از قبل انقلاب شروع کرده بود و به همین خاطر، چند سال در زندان‌های شاه، زندانی و شکنجه شد. پس از آن به خارج از ایران رفت و در اردوگاه‌های نظامی فلسطین، به یک چریک تمام عیار تبدیل شد. او با وجود هشت فرزند و به خاطر احتمال دستگیری مجدد و اعدام توسط رژیم شاه، زندگی مبارزاتی سختی را پشت سر گذاشت. خانم دباغ بعد انقلاب، مدتی فرمانده سپاه همدان بود، نخستین و تنها فرمانده زن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تا امروز!



در جنگ فقط مردان نمی‌جنگیدند، زیرا مگر می‌شود مردی برای جنگیدن به جبهه بیاید و زنی پشت سرش کاسه آبی نریخته باشد؟ چه بسیار زنانی که مردانشان را با قوت قلب، برای دفاع از ایران می‌فرستادند و خودشان هم در خانه بیکار نمی‌ماندند، بلکه هر کدام به کاری مشغول می‌شدند: برای رزمندگان لباس می‌دوختند؛ غذا آماده می‌کردند و یا به مجروحان رسیدگی می‌کردند. بعضی از زنان هم مسئولیت خانه و کار خانواده را به‌تنهایی بر دوش می‌گرفتند. اگر مرد خانواده کشاورز بود، کار مزرعه‌اش را ادامه می‌دادند؛ اگر دامدار بود، از دام‌هایش نگهداری می‌کردند؛ اگر کاسب بود، مغازه‌اش را می‌چرخاندند. و در کنار همه این‌ها، فرزندان خود را هم بزرگ می‌کردند.



شهیده مریم فرهانیان

شهیده مریم فرهانیان در ۲۴ دی ماه ۱۳۴۲ در آبادان به دنیا آمد. او، قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، با برادرش مهدی در جلسات سیاسی مذهبی و تظاهرات مردمی شرکت می‌کرد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۹، به عضویت بسیج درآمد و پس از گذراندن دوره‌های آموزش پرستاری و امدادگری، در بیمارستان شرکت نفت مشغول خدمت شد. او در حالی که ۱۷ ساله بود، به مداوای مجروحان جنگ تحمیلی می‌پرداخت. یک بار در حالی که در بیمارستان مشغول خدمت بود در اثر گلوله خمپاره دشمن مجروح شد.

مریم به‌رغم شهادت برادرش، با شجاعت و انگیزه بالا به جهاد خود ادامه داد و علاوه برامدادگری، به مددکاری و آموزش قرآن به کودکان روستایی نیز می‌پرداخت. سرانجام در ۱۳ مرداد ۱۳۶۳ با اصابت گلوله خمپاره در سن ۲۱ سالگی به شهادت رسید. زندگی‌نامه او در کتابی با عنوان «دختری کنار شط» چاپ شده است.

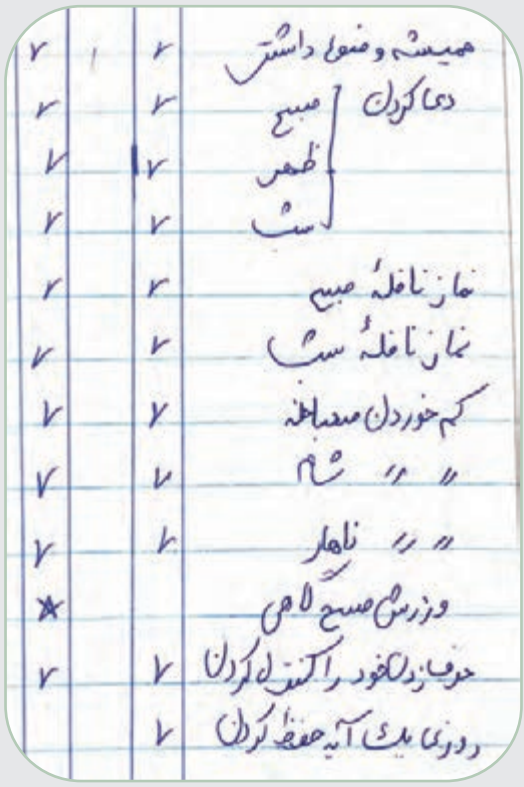


شهیده زینب کمایی

زینب در هشتم خرداد ماه سال ۱۳۴۶ در شهر آبادان به دنیا آمد. او قبل از انقلاب نه تنها نماز و روزه‌اش ترک نمی‌شد، بلکه در میان خانواده و دوستانش به رعایت حجاب مشهور بود.

پس از پیروزی انقلاب، فعالیت‌های زینب به شکل مستمر آغاز شد. او علاوه بر شرکت در کلاس‌های مختلف عقیدتی، اخلاقی و دوره‌های آموزشی بسیج، در اکثر فعالیت‌های انجمن اسلامی

مدرسه به طور فعال شرکت می‌کرد. او همچنان‌که در زمینه ترویج حجاب در جامعه فعالیت می‌کرد، در مبارزات علیه ضد انقلاب هم مشارکت داشت. با شروع جنگ تحمیلی، به اصرار خانواده مجبور به ترک آبادان شد. در تابستان ۱۳۶۰ پدرش در شاهین‌شهر اصفهان خانه‌ای خرید و خانواده را به آنجا برد. زینب در اسفند ماه سال ۱۳۶۰ برای خواندن نماز مغرب و عشا به مسجد رفت، اما آن نماز، آخرین نماز آن دختر ۱۵ ساله بود. در مسیر بازگشت از مسجد، منافقین او را به شهادت رساندند. خانوادهٔ وی بعد از دو روز پیکرش را پیدا کردند و او را با ۳۶۰ شهید عملیات فتح‌المبین، در گلستان شهدای اصفهان به خاک سپردند.


همیشه وضو داشتن
دعا کردن
صبح
ظهر
شب
نماز نافلهٔ صبح
نماز نافلهٔ شب
کم خوردن صبحانه
" " شام
" " ناهار
ورزش صبح گاهی
حرف زدن خود را کنترل کردن
روزی یک آیه حفظ کردن

برگی از دفتر خودسازی شهیده زینب کمایی

پایان جنگ

در نتیجه سرسختی و مقاومت ملت ایران و پافشاری بر حق خود، در نهایت سازمان ملل متحد، قطعنامه ۵۹۸ را تصویب کرد که چند خواسته ایران هم در آن بود، از جمله: تعیین رژیم بعث عراق به عنوان متجاوز و محکوم کردن آن. ایران در سال ۱۳۶۷ این قطعنامه را پذیرفت. در همان ایام، «سازمان مجاهدین خلق» (یا همان منافقین) که در پناه صدام، در عراق مستقر بودند، به خیال خام خودشان، به هدف تصرف تهران، از مرزهای غربی به ایران حمله کردند، اما با پیام امام خمینی، انبوه جمعیت مردم از همه جای کشور، خودشان را به منطقه رساندند و در عملیات مرصاد، منافقین شکست سختی خوردند. در تابستان همان سال، آمریکا در خلیج فارس تعدادی از اسکله‌های ایران را هدف قرار داد و در جنایتی دیگر، یک هواپیمای مسافربری ایران با ۲۸۶ مسافر را در آسمان خلیج فارس، هدف قرار داد و همه را به شهادت رساند.

بیشتر بدانید

«سازمان مجاهدین خلق» را بشناسیم

سازمان مجاهدین خلق در ابتدا با هدف مبارزه مسلحانه با رژیم پهلوی شکل گرفت. این سازمان در سال ۱۳۴۴ توسط گروهی از دانشجویان مبارز تأسیس شد. در آن زمان، در بسیاری از کشورهای جهان، اندیشه‌های مارکسیستی و گرایش به بلوک شرق، طرفداران زیادی داشت و بسیاری از گروه‌های مبارز نیز از این اندیشه‌ها متأثر بودند. اعضای مجاهدین خلق در ابتدا خود را مسلمان می‌دانستند، اما به‌تدریج برخی از رهبران و اعضای آن تحت‌تأثیر اندیشه‌های مارکسیستی قرار گرفتند، به طوری که از سال ۱۳۵۴، سازمان به‌طور آشکار از اسلام فاصله گرفت و به مارکسیسم گرایش پیدا کرد. با اوج‌گیری انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی رحمه‌الله در سال ۱۳۵۷، سازمان مجاهدین خلق به‌رغم اختلاف نظر با آن، در ابتدا با انقلاب همراه شد؛ اما پس از پیروزی انقلاب، اختلافاتش را آشکار ساخت و در نهایت، به



دیدار مسعود رجوی با صدام پس از فرار از ایران

مبارزه مسلحانه روی آورد و دست به ترور و کشتار نزدیک به ۱۷ هزار نفر از عموم مردم تا مسئولین کشور زد.
در سال ۱۳۶۰، در جریان جنگ ایران و عراق، نیروهای سازمان به عراق رفتند و با صدام متحد شدند. سپس سازمان، ارتشی تشکیل داد و در سال ۱۳۶۷، از خاک عراق به ایران حمله کرد، اما در این حمله شکست سنگینی خورد و تلفات زیادی داد. پس از سقوط صدام در سال ۱۳۸۲، اعضای سازمان از عراق خارج شدند و بخش زیادی از آنان به کشورهای دیگر، از جمله آلبانی، منتقل شدند. این سازمان به دلیل التقاط فکری، کشتار مردم ایران و سابقه همکاری با صدام در دوران جنگ رژیم بعث عراق علیه ایران، در میان مردم به نام «منافقین» شناخته می‌شود و بدنام و منزوی است. اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۹ و آمریکا در ۲۰۱۲ نام این سازمان را از فهرست گروه‌های تروریستی خود حذف کردند، همچنان که برخی سیاستمداران غربی هم از آنها حمایت کردند و در رویارویی‌های اخیر ایران و غرب نیز کشورهای سلطه‌گر از آنها در راستای اهداف خودشان، استفاده ابزاری می‌کنند.

به این ترتیب، جنگی که با حمایت آمریکا و به خیال سرنگونی نظام نوپای جمهوری اسلامی و تصرف ایران راه افتاده بود، بدون اینکه به اهدافش برسد، پایان یافت و برای اولین بار در دویست سال اخیر تاریخ ایران، حتی یک وجب از خاک خود را از دست ندادیم.





علی صیاد شیرازی؛
پیونددهنده ارتش، سپاه و
نیروهای مردمی

صیاد فرزند کوهستان‌های شهرستان دَرگَز بود. او نظامی‌گری را در عالی‌ترین سطوح (در ایران و آمریکا) آموخت، اما هوشش به او می‌گفت فرمول‌های کلاسیک برای حفظ ایران پس از انقلاب کافی نیست. او قبل از جنگ، در غائله کردستان، قدرت «سازماندهی در بحران» را نشان داد. صیاد، فهمیده بود برای شکستن محاصره سنندج، باید میان ارتش و نیروهای مردمی پیوند برقرار کرد.

نقطه عطف زندگی او، انتصاب به فرماندهی نیروی زمینی ارتش در مهر ۱۳۶۰ بود. ایران در آن زمان با بن‌بست عملیاتی روبه‌رو بود. صیاد تخصص ارتش در طرح‌ریزی را با انرژیِ بی‌پایان بسیج و شناسایی‌های دقیق سپاه ترکیب کرد. نتیجه این راهبرد، زنجیره‌ای از پیروزی‌های شگفت‌انگیز (در عملیات‌های طریق‌القدس، فتح‌المبین و بیت‌المقدس) بود که به آزادسازی خرمشهر ختم شد.
پس از پایان جنگ، وقتی منافقین با حمایتِ ارتشِ بعث، به خیال تصرف تهران، وارد خاک کشور شدند، صیاد دوباره به میدان بازگشت هدایت عملیات هوانیروز را در تنگه چهارزِبَر بر عهده گرفت. او با تحلیلی دقیق از جغرافیای منطقه و نقاط ضعفِ دشمن، صاعقه‌وار بر سر مهاجمان فرود آمد و در عملیات «مرصاد»، فتنه نظامی منافقین علیه ایران را در نطفه خفه کرد. این نبرد، کینه عمیقی از او در دل دشمنان نشاند. این شد که تروریست‌های منافق در ۲۱ فروردین ۱۳۷۸، او را در جلوی در خانه‌اش و در مقابل دیدگان فرزندش به شهادت رساندند.

وقتی جنگ معلم می‌شود

جنگ هشت‌ساله فقط یک درگیری نظامی نبود. یک آزمون بزرگ برای جامعه ایران بود؛ آزمونی که ظرفیت‌های پنهان کشور را هم آشکار کرد. ایران در آن سال‌ها فقط از مرزهای خود دفاع نکرد، شیوه‌ای از ایستادگی را تجربه کرد که بعدها در بزنگاه‌های دیگر هم به کارش آمد. بسیج مردمی نشان داد که جامعه می‌تواند از موقعیت تماشاگر بیرون بیاید و به نیروی عمل تبدیل شود. از جبهه تا پشت جبهه، از امداد و تدارکات تا خدمات‌رسانی، پشتیبانی خانوادگی و اجتماعی، یک شبکه بزرگ شکل گرفت که ادامه مقاومت را ممکن کرد. این تجربه، نگاه ایران به مفهوم دفاع را تغییر داد. دفاع دیگر فقط به سلاح و سنگر و خط مقدم محدود نبود، به ارادهٔ عمومی، همبستگی اجتماعی و حضور مردم بود. همهٔ مردم در دفاع حضور داشتند.

فشارهای بیرونی هم کشور را به سمت اتکا به توان داخلی برد. در سال‌های جنگ، بسیاری از کشورها حاضر نبودند تجهیزات و نیازهای ضروری ایران را تأمین کنند. آنها حتی سیم‌خاردار مورد نیازمان را هم به ما نفروختند. اما همین محدودیت، نیروهای متخصص، مهندسان و طراحان ایرانی را واداشت تا راه‌حل را در داخل جست‌وجو کنند. از دل این فشار، نوعی خوداتکایی شکل گرفت که بعدها در بخش‌های مختلف، به‌ویژه در صنایع و فناوری‌های دفاعی، خود را نشان داد. بسیاری از توانایی‌هایی که در سال‌های بعد به سرمایه راهبردی کشور تبدیل شد، ریشه در همان دوره داشت.

بیشتر بدانید



چطور شد که در فناوری موشکی خودکفا شدیم؟

در جنگ ۸ ساله، صدام هر بار در میدان کم می‌آورد به شهرهای ایران و مردم غیرنظامی حمله می‌کرد. حامیان صدام، در اوایل بیشتر با هواپیماها و بعدتر که پدافند ایران قدرتمندتر شد و مردم غیرنظامی، صدام را به موشک‌های دوربُرد مجهز کردند. ما هواپیما داشتیم اما موشک دوربُرد نداشتیم. با دشواری و سختی فراوان و مخفیانه



چند موشک دوربُرد خریدیم، اما کشور فروشنده اجازه نمی‌داد نیروهای ایرانی خودشان آنها را شلیک کنند. این وضعیت بر ایرانی‌ها گران آمد. این شد که گروهی از مهندسان و جوانان مؤمن، انقلابی و مسئولیت‌پذیر شروع کردند به ساخت موشک. کاری پیچیده بود اما در نهایت موفق شدند. فرماندهشان **حسن تهرانی‌مقدم** بود. با امکانات محدود شروع کردند. قدم‌به‌قدم جلو رفتند و کم‌کم ایران را به کشوری نوآور و پیشرو در زمینه فناوری موشکی تبدیل کردند.



۱ـ خاطره سردار شهید **امیرعلی حاجی‌زاده** را درباره اینکه چطور شد در فناوری موشکی خودکفا شدیم در رمزینه ببینید.

۲ـ فیلم «خدای جنگ» روایتی از این ماجراست که پیوند آن را نیز در رمزینه خواهید یافت.

جنگ همچنین میدان بزرگی برای شناخت، برنامه‌ریزی و هماهنگی بود. فرماندهان و مدیران جنگ به‌تدریج آموختند که اطلاعات چگونه جمع می‌شود، عملیات چگونه طراحی می‌شود و نیروها در شرایط دشوار چگونه در کنار هم عمل می‌کنند. این تجربه فقط در حافظه نظامی کشور نماند، بلکه به بخشی از حافظه مدیریتی و راهبردی ایران تبدیل شد؛ حافظه‌ای که در بحران‌های بعدی نیز به کار آمد.

در کنار این همه، جنگ نشان داد که پشت جبهه به اندازه خط مقدم اهمیت دارد. کارخانه‌ها، بیمارستان‌ها، کشاورزان، معلمان، کارگران، خانواده‌ها و رسانه‌ها، هر کدام بخشی از توان ملّی را حمل می‌کردند. اگر این پشتیبانی گسترده نبود، دفاع نیز دوام نمی‌آورد. کشور در عمل فهمید که قدرت ملی، فقط در تجهیزات و نیروهای نظامی خلاصه نمی‌شود؛ در پیوند میان مردم، نهادها، تولید، درمان، آموزش و روحیه جمعی شکل می‌گیرد.

البته این تجربه، خسارت‌هایی هم داشت. شهرها و روستاهای بسیاری آسیب دیدند و خانواده‌های زیادی عزیزان خود را از دست دادند. برای همین، خاطره آن سال‌ها فقط با غرور همراه نیست، بلکه اندوه هم دارد. ولی ملتی که هزینه جنگ را دیده، بهتر می‌فهمد که حفظ امنیت چه اندازه مهم است و بهتر درک می‌کند که برای داشتن چنین امنیتی باید به بازدارندگی بومی برسد، یعنی با تکیه به داشته‌های خودش، آن‌قدر قوی باشد که احدی جرئت نکند به کشورش دست‌اندازی کند.

«ما مظلومیت خویش و ستم متجاوزان را در جنگ ثابت نمودیم. ما در جنگ، پرده از چهره تزویر جهان‌خواران کنار زدیم. ما در جنگ، دوستان و دشمنانمان را شناختیم. ما در جنگ، به این نتیجه رسیدیم که باید روی پای خودمان بایستیم. ما در جنگ، ابهت دو ابرقدرت شرق و غرب را شکستیم. ما در جنگ، ریشه‌های انقلاب پربار اسلامی‌مان را محکم کردیم. ما در جنگ، حس برادری و وطن‌دوستی را در نهاد یکایک مردمان بارور کردیم.»

امام خمینی رحمه‌الله

ایرانِ پس از جنگ ۸ ساله و کمک به توسعه جبهه مقاومت در منطقه

پس از پایان جنگ، در زمانی که ما مشغول بازسازی اقتصادی و ساختن دوباره شهرهایمان بودیم، آمریکا و همراهانش هم فشار برای مهار ایران را با راه‌های جدیدی امتحان کردند؛ از تحریم‌های اقتصادی گرفته تا ترور مسئولان، دانشمندان و فرماندهان و تلاش برای جلوگیری از پیشرفت علمی. آمریکا علاوه بر اینکه دور تا دور ایران، در کشورهای مختلف منطقه پایگاه نظامی ساخت و خودش نیز در دوره‌هایی، بعضی کشورهای منطقه مثل عراق و افغانستان را اشغال کرد، به‌صورت آشکار و پنهان، بزرگ‌ترین حامی مجموعه‌ها و گروه‌های تروریستی در غرب آسیا بود که همه آنها منبع ناامنی برای کل منطقه از جمله ایران بودند. دو نمونه مهمِ مجموعه‌های تروریستی در غرب آسیا، رژیم اسرائیل و داعش هستند. هرچند حکومت خودخوانده داعش در عراق و سوریه، با تلاش مجاهدان جبهه مقاومت و با تدبیر و فرماندهی سردار شهید حاج قاسم سلیمانی، فروپاشید، ولی مقاومت مردم منطقه علیه رژیم اسرائیل هنوز ادامه دارد و در این میدان، ایران به عنوان محور جبهه مقاومت، نقش کلیدی دارد.



سردار دل‌ها، افتخار ایران

«از همان ابتدای کودکی حالتی از نترسی داشتم. ده سالم بود. تابستان بود و مدرسه تعطیل. فصل درو کردن ما قبل از طلوع صبح تا غروب آفتاب بود. پدرم یک گاو نر شاخ زن خطرناک داشت که همه از او می‌ترسیدند. مرا سوار بر این گاو کرد که ببرم به ده دیگری که ۱۵ کیلومتر با خانهٔ ما فاصله داشت و سرسبزتر بود و خانه عمه‌ام همان‌جا بود. گاو مغرور حاضر به فرمان‌بُرداری نبود و با سر خود به پاهای کوچک من می‌کوبید. من این بیابان را، تنها سوار بر این حیوان خطرناک، تا ده عمه‌ام رفتم.

با همه نداری روزی نبود که خانه ما خالی از مهمان باشد. نان اصلی ما گندم بود، ولی هفته‌ای یکی دوبار هم نان ارزن و سالی دو سه بار هم برنج می‌خوردیم که به آن «قبولی» می‌گفتند. در صورتی برنج می‌خوردیم که مهمان داشتیم.

به خاطر بدهی پدرم تصمیم گرفتم به کرمان سفر کنم و آنجا کار کنم. بعد از ۵ ماه با کارگری در جاهای مختلف از جمله کارگری ساختمان و رستوران، توانستم با فرستادن هزار تومان، بدهی پدرم را بپردازم و این موفقیت بزرگی، در آن سن و سال و جسم ضعیف من، به حساب می‌آمد.

دلم برای مادرم خیلی تنگ شده بود. نُه ماه بود که آنجا بودم. برای همه سوغاتی خریدم و همراه با هم‌ولایتی‌هایم که با هم در خانه عبدالله زندگی می‌کردیم، به سمت ده حرکت کردیم.

پس از بازگشت (به کرمان) شروع به ورزش زورخانه‌ای کردم. کلاس کاراته هم می‌رفتم. هفته‌ای دو روز هم وزنه‌برداری؛ ورزش و اعتقاد به ودیعهٔ گذاشتهٔ دینی از پدر و مادرم، باعث شد به رغم شدت فساد در جامعه، اما به سمت فساد نروم.

سال ۵۶ برای اولین بار با اتوبوس به زیارت مشهد مقدس رفتم. پس از زیارت به‌دنبال باشگاه ورزشی بودم. چشمم به یک زورخانه نزدیکی حرم افتاد. در آنجا با آقا سید جواد آشنا شدم. بعد از چند بار ملاقات، سید جواد از من سؤال پرسید: «تا حالا نام دکتر علی شریعتی رو شنیده‌ای؟» گفتم: «نه، کیه مگه؟» سید توضیح داد: «شریعتی معلمه و چند کتاب نوشته. او ضد شاهه.»

این بار دوستش حسن به سخن آمد. سؤال کرد: «آیت‌الله خمینی رو می‌شناسی؟» گفتم: «نه.» گفت: «تو مقلد کی هستی؟» گفتم: «مقلد چیه؟» سید و دوستش توضیح مفصلی در مورد او دادند. بعد نگاه عمیقی به اطراف کرد و از زیر پیراهنش عکسی را درآورد. عکس را در برابر چشمانم قرار داد: عکس یک مرد روحانی میان سال که عینک بر چشم، مشغول مطالعه بود. گفت: «می‌خوای عکسو بدم به تو؟» به سرعت جواب دادم: «بله» عکس را گرفتم و زیر پیراهنم پنهان کردم. خداحافظی کردم و از آنها جدا شدم. «شریعتی» و «خمینی» دو نام جدیدی بود که می‌شنیدم. روز چهارم، رفتم ترمینال مسافربری و بلیت کرمان گرفتم؛ درحالی که عکس سیاه و سفیدی را که حالا به شدت به او علاقه‌مند شده بودم در زیر پیراهن خود که چسبیده به قلبم بود، پنهان کرده بودم. احساس می‌کردم حامل یک شیء بسیار ارزشمندم. به محض ورود به کرمان، به علی یزدان‌پناه نشان دادم. گفت: «این عکس آقای خمینی است.» با تعجب سؤال کرد: «از کجا آوردی؟! اگر تو رو با این عکس بگیرند، پدرت رو درمیارند یا می‌کُشندِت.» جرئت و شجاعتِ عجیبی در وجودم احساس می‌کردم. ساواک را حریف کاراته خودم فرض کردم. کرمان در حال تغییر وضعیت بود. من به‌دلیل روحیهٔ ورزشی و سلحشوری عشایری که ذاتی من بود، بی‌پروا حرف می‌زدم و از شاه و خانواده او بد می‌گفتم. شب‌ها تا صبح، با دوستانم بر دیوارها شعارنویسی می‌کردیم. عمده شعارها «مرگ بر شاه» و «درود بر خمینی» بود».

فعالیت

متن فوق فرازی از زندگی‌نامه خودنوشت شهید قاسم سلیمانی بود که از کتاب «از چیزی نمی‌ترسیدم» تهیه شده است. درباره این متن، فکر کنید و سپس بنویسید که چگونه می‌شود شجاعت را در خود تقویت کنیم و از چیزی نترسیم؟

شهید سلیمانی به روایت رهبر شهید انقلاب اسلامی رضوان‌الله علیه



«ایرانی‌ها به خودشان افتخار کنند که مردی از میان آنها از یک روستای دورافتاده برمی‌خیزد، تلاش و خودسازی می‌کند، به چهرهٔ درخشان و قهرمان امّت اسلامی تبدیل می‌شود»

«شهید سلیمانی قهرمان ملّت ایران است، به خاطر اینکه ملّت ایران داشته‌های فرهنگی و معنوی و انقلابی و ارزش‌های خودش را در او متبلور و مجسّم دید». «دارای شجاعت و روحیهٔ مقاومت بود؛ شجاعت و مقاومت جزو خصلت‌های ایرانی است». «به کمک ملّت‌های منطقه یا با کمک‌هایی که به ملّت‌های منطقه کرد، توانست همهٔ نقشه‌های نامشروع آمریکا در منطقه‌ی غرب آسیا را خنثی کند».

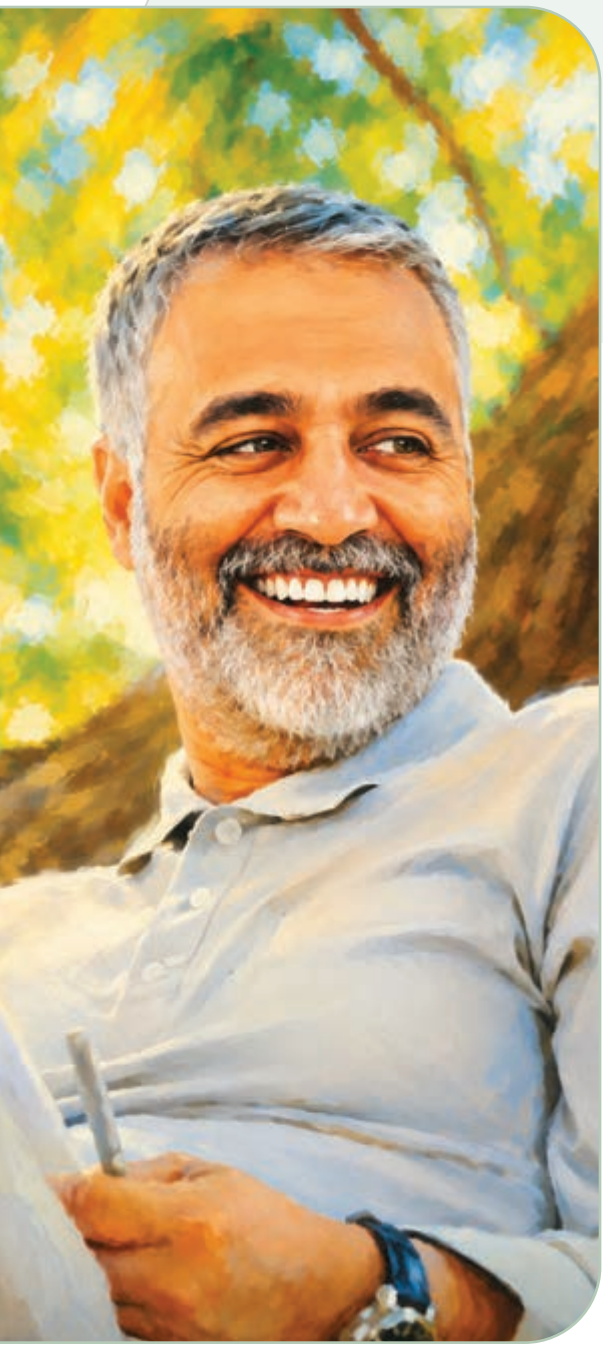
«شخصیت‌های ایمانی وقتی که ایمان را با عمل صالح همراه کنند، وقتی حرکت جهادی بکنند، محصولش می‌شود شخصیتی مثل شهید سلیمانی که حتی دشمنانش او را تحسین می‌کنند!» «شهید سلیمانی، هم در زمان زنده بودنش استکبار را شکست داد، هم با شهادتش.»

«در میدان روبه‌روی جنگ با او مواجه نشدند، دولت آمریکا دزدانه و بزدلانه او را ترور کرد؛ این کار مایهٔ روسیاهی آمریکا شد!.» «ما شهید زیاد داریم اما شهیدی که به دست خبیث‌ترین انسان‌های عالم یعنی خود آمریکایی‌ها به شهادت برسد چنین شهیدی غیر از حاج قاسم من کس دیگری را یادم نمی‌آید.»

«سردار شهید عزیز را با چشم یک مکتب، یک راه، یک مدرسهٔ درس‌آموز نگاه کنیم.»

فعالیت

با جست‌وجوی بیانات رهبر شهید انقلاب اسلامی در مورد شهید سلیمانی، بخشی از آنها را در قالب اینفوگرافی، پادکست یا سایر قالب‌های رسانه‌ای، تولید و بازنشر کنید.



بخش‌هایی از وصیت‌نامه شهید سپهبد قاسم سلیمانی

«برادران و خواهران عزیز ایرانی من، مردم پرافتخار و سربلند که جان من و امثال من، هزاران بار فدای شما باد، کما اینکه شما صدها هزار جان را فدای اسلام و ایران کردید؛ از اصول مراقبت کنید، اصول یعنی ولیّ فقیه، خصوصاً این حکیم، مظلوم، وارسته در دین، فقه، عرفان، معرفت؛ خامنه‌ای عزیز را جان خود بدانید، حرمت او را مقدّسات بدانید.

جمهوری اسلامی، امروز سربلندترین دورهٔ خود را طی می‌کند. بدانید مهم نیست که دشمن چه نگاهی به شما دارد، دشمن به پیامبر شما چه نگاهی داشت و [دشمنان] چگونه با پیامبر خدا و اولادش عمل کردند، چه اتهاماتی به او زدند، چگونه با فرزندان مطهر او عمل کردند؟ مذمت دشمنان و شماتت آنها و فشار آنها، شما را دچار تفرقه نکند.



اگر اسلام نبود و اگر روح اسلامی بر این ملت حاکم نبود، صدام چون گرگ درنده‌ای این کشور را می‌درید؛ آمریکا چون سگ هاری همین عمل را می‌کرد، اما هنر امام این بود که اسلام را پشتوانه آورد؛ عاشورا و محرّم، صفر و فاطمیه را به پشتوانه این ملت آورد، انقلاب‌هایی در انقلاب ایجاد کرد، به این دلیل در هر دوره، هزاران فداکار جان خود را سپر شما و ملت ایران و خاک ایران و اسلام نموده‌اند و بزرگ‌ترین قدرت‌های مادی را ذلیل خود نموده‌اند. عزیزانم، در اصول اختلاف نکنید.

شهدا، محور عزّت و کرامت همه ما هستند؛ نه برای امروز، بلکه همیشه اینها به دریای واسعه خداوند سبحان اتصال یافته‌اند.

آنها را در چشم، دل و زبان خود بزرگ ببینید، همان‌گونه که هستند. فرزندانتان را با نام آنها و تصاویر آنها آشنا کنید. به فرزندان شهدا که یتیمان همه شما هستند، به‌چشم ادب و احترام بنگرید.

به همسران و پدران و مادران آنان احترام کنید، همان‌گونه که از فرزندان خود با اغماض می‌گذرید، آنها را در نبود پدران، مادران، همسران و فرزندان خود توجه خاص کنید.

نیروهای مسلّح خود را که امروز ولی فقیه فرمانده آنان است، برای دفاع از خودتان، مذهبتان، اسلام و کشور احترام کنید و نیروهای مسلح می‌بایست همانند دفاع از خانه خود، از ملت و نوامیس و عِرض آن حفاظت و حمایت و ادب و احترام کنند و نسبت به ملّت همان‌گونه که امیرالمؤمنین مولای متقیان فرمود، نیروهای مسلح می‌بایست منشأ عزت ملّت باشد، قلعه و پناهگاه مستضعفین و مردم و زینت کشورش باشد».

فعالیت

با جست‌وجوی وصیت‌نامه کامل شهید سلیمانی و مطالعه آن، در موارد زیر، با راهنمایی معلم خود، گفت‌وگو کنید:

- وصیت شهید سلیمانی به مجاهدان اسلام
- نیایش او با خدا
- توصیه‌های ایشان به مردم کرمان

فعالیت

با راهنمایی معلم خود به چند گروه تقسیم شوید و هرگروه ضمن بررسی، جست‌وجو و مطالعه زندگی شهید سپهبد قاسم سلیمانی به موارد زیر پاسخ دهد وسپس نتایج را در کلاس ارائه نماید:

۱ـ ایشان بعد از دفاع مقدس در مأموریت شرق کشور چه اقداماتی انجام داد؟

۲ـ سردار سلیمانی در مأموریت فرماندهی سپاه قدس چه اقداماتی انجام داد؟

۳ـ گزارشی از نحوه شهادت این شهید تهیه و بررسی کنید که علت کینه نظام سلطه نسبت به ایشان چه بود؟

درس پنجم

رویارویی قدرت‌ها



رژیم اسرائیل؛ سگ هار نظام سلطه

بامداد جمعه ۲۳ خرداد ۱۴۰۴، هنوز هوا تاریک بود که رژیم جعلی اسرائیل، جنگ دوم تحمیلی علیه ایران را شروع کرد. بخشی از رادارها و سامانه‌های پدافندی کشور را هک کرد، موشک‌ها، پهپادها، تعدادی از مراکز نظامی و خانه‌های

فرماندهان و دانشمندان را هدف قرار داد و تعدادی از فرماندهان ارشد نظامی و دانشمندان هسته‌ای ایران را همراه خانواده‌هایشان شهید کرد. دشمن، در همان ساعت‌های نخست جنگ به تهران، اصفهان، کرمانشاه، نطنز، خرم‌آباد، تبریز و ده‌ها شهر دیگر نیز حمله کرد. می‌خواست شیرازه تصمیم‌گیری در کشور فرو بپاشد و در دل جامعه هراس افکنده شود. بیانیه‌های پی‌درپی مقامات اسرائیلی در همان ساعت‌های آغاز حمله، نشان می‌داد آنها خود را در یک جنگ وجودی با ایران می‌بینند، جنگی که در آن، برای زنده ماندن موجودیت رژیم اسرائیل، تلاش می‌کنند و فکر می‌کنند ایران خیلی زود فرو می‌پاشد. اما رهبر انقلاب در همان آغاز، یعنی ساعت شش و نیم صبح، با پیامی کوتاه و محکم، تأکید کرد که دشمن باید منتظر مجازات سخت باشد. سپس رهبری تا پیش از ظهر، جانشینان فرماندهان شهید را هم منصوب کرد تا سِمَت‌های کلیدی نظامی کشور خالی نماند.





بیشتر بدانید

اسرائیل چطور موجودیتی است؟

رژیم اسرائیل، تنها موجودیت سیاسی در جهان است که:

- ملّت بومی ندارد: مردمانش، مهاجرهایی هستند که از کشورهای مختلف دنیا، به سرزمین فلسطین آمده‌اند و با قتل و غارت و خشونت و «نسل‌کشی»، مردم بومی این منطقه را آواره کرده و آنها را از حقوق اولیه و ساده‌شان (مثل آزادی رفت‌وآمد و مالکیت زمین‌های شخصی) محروم کرده‌اند!
- مرز ندارد: نه در مجامع بین‌المللی مثل سازمان ملل متحد و نه حتی در هیچ قانونی در داخل این رژیم، مرزهایش به صورت قطعی مشخص نشده؛ از ابتدای تأسیسش تا امروز نیز همیشه به مرزهای کشورهای عربی تجاوز کرده و به همین خاطر، با همه آنها اختلافات مرزی داشته و دارد!
- قانون اساسی رسمی ندارد: هرچند در سال ۱۳۹۷، مجلس اسرائیل قانونی جنجالی را تصویب کرد که بر اساس آن، این رژیم تنها موجودیت در جهان است که سرزمین آن و حق تعیین سرنوشت در آن، به صورتی نژادپرستانه، فقط برای یک قوم و نژاد خاص (یعنی قوم یهود) است!
- این رژیم توسط مجمع عمومی سازمان ملل، به عنوان مصداق نژادپرستی و تبعیض نژادی معرفی شده است!

توضیحات بیشتر دربارهٔ این بیگانهٔ منطقه غرب آسیا را در این رمزینه ببینید.

سخنان نتانیاهو نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در روزهای دوم و سوم جنگ دوم، این پیام آشکار را داشت که مسئله اصلی رژیم برای حمله به ایران، نه انرژی هسته‌ای است و نه حتی توان موشکی ایران، بلکه مسئله اصلی، فروپاشی قدرت مرکزی و تجزیه کشور ایران است، یعنی همان خیالی که نظام سلطه، دهه‌های پیش به‌وسیله ارتش بعث صدام هم در سر داشت ولی در دسترسی به آن ناکام ماند.

در این جنگ، باز هم کشورهای سلطه‌گر حامی متجاوز بودند. سران گروه هفت[1]، اعلام کردند «اسرائیل حق دفاع از خود را دارد!» حتی صدراعظم آلمان در یک اظهارنظر عجیب و بی‌سابقه گفت که این جنگ، کار سخت و کثیفی است که اسرائیل برای همه ما انجام می‌دهد! رئیس جمهور آمریکا هم از ضرورت «تسلیم بی‌قید و شرط ایران» حرف زد! خلاصه اینکه رژیم اسرائیل و حامیانش، از هر چه در توان داشتند، برای شکستن مقاومت ایران استفاده کردند؛ از موشک و بمب و پهپاد گرفته تا فشار سیاسی و دیپلماتیک، حمله سایبری، ترور هدفمند شخصیت‌ها، استفاده از عوامل خودفروخته داخلی، ایجاد رعب و وحشت و ناامیدی در فضای عمومی.

اولین پاسخ نظامی به تجاوز رژیم اسرائیلی، در شب همان اولین روز حمله اتفاق افتاد. صدها فروند پهپاد و موشک به سمت مراکز و پایگاه‌های نظامی و امنیتی رژیم در هزاران کیلومتر دورتر از مرزهایمان شلیک شد و بخش زیادی از آنها پس از عبور از چند لایه پدافند دشمن، با موفقیت به هدف اصابت کردند. ثابت کردیم که وقتی فناوری بومی داشته باشیم، شاید آسیب ببینیم، ولی می‌توانیم به سرعت، خودمان را بازیابی کرده و به دشمن ضربه بزنیم. حالا ما موشک بومی داشتیم، سلاحی راهبردی که شروع ساختش همان‌طور که در درس قبل دیدید. با **شهید حسن تهرانی‌مقدم** بود و بعد از شهادت او **شهید امیرعلی حاجی‌زاده** این مسیر را ادامه داده بود. در همه سال‌های پس از جنگ تحمیلی هشت ساله، این رهبر شهید انقلاب اسلامی بود که محکم ایستاد و بر ضرورت مسلح شدن به این سلاح راهبردی، آن هم با تولید بومی پافشاری کرد. همین نکته، یکی از دلایلی بود که از همان روزهای نخست نبرد، محبوبیت فرمانده کل قوای ایران را در میان ایرانیان، چند برابر کرد، همان‌طور که همه جهان را هم شگفت‌زده کرد.



۱ـ یک تشکل سیاسی ـ اقتصادی که از ۷ کشور صنعتیِ فرانسه، آلمان، کانادا، ایتالیا، ژاپن، بریتانیا و آمریکا تشکیل شده است.

در جنگ ۱۲ روزه، از سه‌شنبه، یعنی روز پنجم جنگ، موشک‌های ایرانی نتایج مؤثری داشتند و چنان مناطق مختلف رژیم صهیونیستی را زیر آتش بردند که شرایط میدان را به نفع ایران تغییر دادند. مردم هم از یک طرف، با همدلی و همیاری با یکدیگر در شرایط جنگی، به تاب‌آوری و آرامش فضای جامعه کمک کردند و از طرف دیگر، با هوشیاری و وظیفه‌شناسی و گزارش کردن افراد مشکوک، نقش مؤثری در خنثی شدن توطئه عوامل داخلی دشمن ایفا کردند.

اما نقطه عطف مهم در جنگ، سخنان رهبر شهید انقلاب اسلامی آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای در روز ششم جنگ (یعنی دقیقاً یک روز بعد از صحبت کردن رئیس جمهور آمریکا از ضرورت «تسلیم بی‌قید و شرط ایران») بود:



«اینکه به ملّت ایران بگویند بیایید تسلیم بشوید، حرف عاقلانه‌ای نیست. افراد با خِرد که می‌شناسند ایران را، می‌شناسند ملّت ایران را، می‌شناسند تاریخ ایران را، هرگز چنین حرفی را بر زبان جاری نمی‌کنند. تسلیم چه چیزی بشوند؟ ملّت ایران تسلیم‌شدنی نیست».

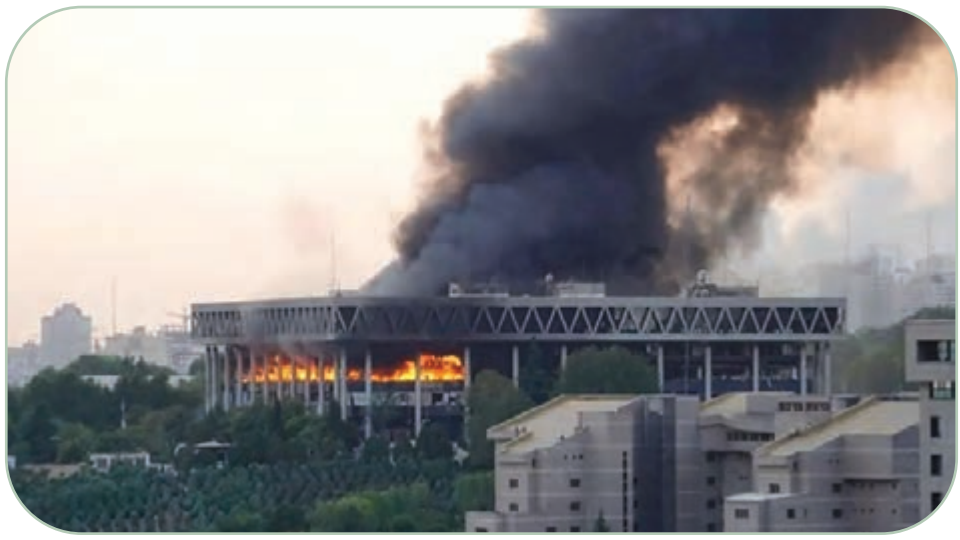
این‌طور بود که با جمع شدن سه عامل «رهبری شجاع و مدبر»، «فناوری دفاعی بومی» و «وحدت و همدلی مردم»، ورق برگشت. رژیم صهیونیستی به نقطه‌ای رسیده بود که دیگر نمی‌توانست به تنهایی از عهده جنگ برآید. این بود که در نخستین ساعت‌های بامداد روز دهم جنگ، آمریکا مستقیم وارد ماجرا شد تا از اسرائیل دفاع کند. آنها به سه مجتمع هسته‌ای کلیدی ایران در فُردو، نطنز و اصفهان حمله کردند تا بخش‌های هسته‌ای کشور را از کار بیندازند. ایران هم البته بلافاصله پایگاه هوایی آمریکا در «العُدَید» قطر را هدف گرفت تا نشان دهد برای دفاع از خود مرزی نمی‌شناسد و آمریکا هم نمی‌تواند وضعیت را به نفع رژیم صهیونیستی تغییر دهد.

بالاخره در بامداد دوازدهمین روز، آتش‌بس، بعد از چند بار درخواست دشمن، اعلام شد. این اعترافِ استیو بنن مشاور سابق رئیس جمهور آمریکا واقعیت آتش‌بس را بهتر روشن می‌کند: «آتش‌بس برای نجات اسرائیل بود. آنها لقمه‌های بزرگ‌تر از دهانشان برداشته بودند».

آمریکا، رأس نظام سلطه

در طول سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، آمریکا همیشه دست‌نشانده‌های خودش (همانند صدام، منافقین، داعش، رژیم صهیونیستی و...) را به درگیری با ایران فرستاده بود و به جز در موارد محدود (همانند حمله به سکوهای نفتی ایران در سال ۶۶ یا حمله به تأسیسات هسته‌ای در جنگ ۱۲ روزه)، خودش به صورت مستقیم به ایران حمله نکرده بود، اما در اسفند ۱۴۰۴، با حملات گسترده از هوا و دریا، بالاخره خودش مستقیماً (و البته با همراهی رژیم صهیونیستی) سومین جنگ تحمیلی علیه ما را آغاز کرد.

۹ اسفند سال ۱۴۰۴، نهم ماه رمضان بود. ساعت از ۹ صبح گذشته بود که صدای چندین انفجار در تهران و چند شهر دیگر، نشان داد که دوباره دشمن دروغ‌گو، در روزی که بنا بود مذاکره کند، ایران را بمباران و موشک‌باران کرده است. تا پایان روز اول، مهم‌ترین خبر، حمله به محل اقامت رهبر جمهوری اسلامی ایران، مدرسهٔ ابتدایی «شجره طیبه» در شهرستان میناب، یک سالن ورزشی در شهرستان لامرد و تعداد قابل‌توجهی از مراکز نظامی و امنیتی بود. هدف دشمن که به تدریج توسط مسئولان آمریکایی به‌ویژه ترامپ رئیس جمهور آمریکا اعلام شد، نه فقط تغییر حکومت در ایران، بلکه نابود کردن تمدن ایرانی بود. این سخنان، بار دیگر منطق نظام سلطه‌گر غربی را به خوبی آشکار کرد: دیگر جوامع، تنها در صورتی «عادی» هستند که تسلط کشورهای استکباری بر خودشان را بپذیرند و در جهت منافع آنها کار کنند. و مشکل نظام سلطه با ایرانِ بعد از انقلاب اسلامی این بود که به چنین چیزی تن نمی‌داد.



بیشتر بدانید



جنایت آمریکا در «مدرسه شجره طیبه» در میناب

صبح روز شنبه ۹ اسفند ۱۴۰۴، هنگامی که شور یادگیری و صدای شادی و فعالیت دانش‌آموزان دو مدرسه ابتدایی دخترانه و پسرانه «شجره طیبه» شهرستان میناب، در مدرسه پیچیده بود، اصابت ۳ موشک آمریکایی تاماهوک در دو نوبت پشت سر هم، دانش‌آموزان، معلمان و دیگر عوامل این مرکز آموزشی را به خاک و خون کشید. بررسی‌های مؤسسه‌ها و رسانه‌های مختلف بین‌المللی، هیچ جای تردیدی باقی نگذاشت که این حمله، عامدانه و توسط ارتش تروریست آمریکا انجام شده است. انجام دو حمله با فاصله آن هم در ساعت کاری مدارس، ثبت مکان اصابت موشک‌ها به عنوان «مدرسه» حتی در نرم‌افزارهای مسیریاب جهانی و آمریکایی بودنِ موشک‌هایی که در اختیار هیچ کشور دیگری نیستند، مهم‌ترین شواهدی بودند که نشان دادند آمریکا، مرتکب یک جنایت جنگی عمدی شده است. آنها می‌خواستند با ایجاد ترس عمومی، مقاومت مردم ایران را بشکنند، ولی خون پاک شهدای این مدرسه، نه تنها اراده ملّت ایران در دفاع را استوارتر کرد، بلکه باعث رسوایی جهانی دشمن آمریکایی نیز شد.

مستندات این جنایت را در این رمزینه ببینید.

طرح پیچیده و چندجانبه آمریکا برای شکستن اراده مردم و حکومت و بلعیدن ایران، این بود که از یک سو، با به شهادت رساندن رهبر جمهوری اسلامی ایران و مسئولان عالی‌رتبه نظامی و امنیتی، در نظام تصمیم‌گیری و مدیریت عالی کشور اختلال ایجاد کند و از سوی دیگر نیز با حملات سنگین به پایگاه‌ها و تجهیزات دفاعی و تهاجمی کشور، به‌دنبال نابود کردن توان نظامی ما بود. سوم اینکه با تجهیز تروریست‌های تجزیه‌طلب مخالف ایران (که بیشتر در منطقه کردستان عراق مستقر بودند)، آنها را به حمله زمینی به ایران و تجزیه کشور ترغیب کرده بود؛ همچنین با جنایت‌ها و کشتار مردم بی‌دفاع، به دنبال ایجاد رعب و وحشت در دل مردم و ناامید کردن آنها نسبت به آینده و پیروزی بود؛ و بالاخره، به‌دنبال

فعال کردن عوامل مزدور خود در داخل کشور برای ایجاد آشوب و شورش داخلی بود. اما محاسبه آمریکا، غلط بود، چون ایران، بزرگ‌تر و قوی‌تر از آن است که بتوان آن را بلعید.

مسئله آمریکا و ایران چیست؟

«در این تقابلی که وجود دارد و چهل و چند سال است ایران و آمریکا دشمنی دارند، مسئله چیست؟ به‌نظر من مسئله در دو کلمه خلاصه می‌شود؛ آن دو کلمه هم این است که آمریکا می‌خواهد ایران را ببلعد، ملّت رشید ایران و جمهوری اسلامی مانع است ... ملّت ایران به طرف مقابل گفته غلط می‌کنی؛ یعنی جرم ملّت ایران [این است]؛ دعوا سر این قضیه است».

رهبر شهید انقلاب اسلامی آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای رضوان‌الله علیه

فعالیت

جنگ تحمیلی ۸ ساله را با جنگ ۱۲ روزه و جنگ رمضان در این محورها مقایسه کنید و درباره شباهت‌ها و تفاوت‌های آنها با هم‌کلاسی‌های خود گفت‌وگو کنید:

محور	شباهت	تفاوت
انگیزه‌ها و اهداف دشمن از حمله		
روش‌های مورد استفاده دشمن		
چگونگی نقش‌آفرینی مردم		
فناوری‌های نظامی		
چگونگی نقش‌آفرینی آمریکا		

ظهور یک قدرت جهانی

از همان روز اول جنگ رمضان، هنوز خاکستر بمب‌های دشمن سرد نشده بود که رزمندگان ایرانی پایگاه‌های آمریکا در یازده کشور منطقه را زیر آتش موشک‌های ایرانی گرفتند. هر جا پرچم آمریکا بالا بود، هر جا رژیم اسرائیل نیرو داشت، هر جا سرباز آمریکایی یا اسرائیلی بود، از همان ساعت اول تبدیل به اهدافی برای موشک‌ها و پهپادهای ایرانی شدند. در تمام این چهل روز، هیچ پایگاه آمریکایی در منطقه طعم امنیت را نچشید.

در این نبرد، اسطوره‌های فناوری نظامی غرب فرو ریختند. جنگنده‌های فوق پیشرفته آمریکایی همانند اف-۳۵، اف-۱۶ و اف-۱۵، انبوهی از پهپادهای مختلف، هواپیماهای سوخت‌رسان و جاسوسی که برخی‌شان تا کنون در تاریخ هوانوردی جهان، هیچگاه مورد اصابت قرار نگرفته بودند، توسط پدافند یا حملات موشکی ایران شکار شدند.

تلفات نیروی هوایی آمریکا در عملیات جنگ رمضان

گزارش تصویری خسارات و تلفات هواگردی سرنشین دار و بدون سرنشین ایالات متحده در جریان عملیات (فوریه تا آوریل ۲۰۲۶) در مناطق ایران، کویت، عراق و خلیج فارس

هواگردهای رزمی و تهاجمی



۱ فروند هواپیمای تهاجمی A-10 Thunderbolt II این هواپیما توسط پدافند هوایی ایران هدف قرار گرفته و منهدم شده است.



۱ فروند F-35 Lightning II آسیب دیده این جنگنده پیشرفته نسل پنجم توسط سامانه‌های پدافند هوایی دچار آسیب شده است.



۴ فروند جنگنده F-15E منهدم شده ۳ فروند در حریم هوایی کویت و ۱ فروند بر فراز ایران سرنگون شده‌اند.

هواپیماهای پشتیبانی، شناسایی و ترابری



۲ فروند هواپیمای HC-130J Commando II این دو فروند در جریان عملیات‌های جست‌وجو و نجات رزمی منهدم شده‌اند.



۸ فروند تانکر سوخت‌رسان KC-135 شامل ۳ فروند منهدم شده و ۶ فروند آسیب دیده در جریان عملیات



۱ فروند هواپیمای آواکس E-3 Sentry این هواپیمای استراتژیک در جایگاه هوایی منهدم شده است.

بالگردها



۲ فروند بالگرد ترابری CH-47F Chihook این بالگردها در منطقه کویت دچار آسیب جدی یا انهدام شده‌اند.



۳ فروند بالگرد HH-60M آسیب‌دیده ۱ مورد در عراق و ۲ مورد دیگر در حریم هوایی ایران دچار آسیب شده‌اند.



۴ فروند بالگرد Little Bird منهدم شده مدل‌های AH/MH-6 که در جریان درگیری‌ها به‌طور کامل از بین رفته‌اند.

هواپیماهای بدون سرنشین



۱ فروند پهپاد MQ-4C Triton منهدم شده این پهپاد گران‌قیمت شناسایی در منطقهٔ خلیج‌فارس سرنگون شده است.



۲۴ فروند پهپاد MQ-9 Reaoer منهدم شده بیشترین تلفات عددی مربوط به این پهپادهای میان‌برد و تهاجمی است.

فعالیت

۱. چرا شکار جنگنده‌های پیشرفته‌ای مانند اف-۳۵، از نظر روانی برای دشمن خیلی دردناک بود؟
۲. بررسی کنید که چه پایگاه‌های آمریکایی در منطقه ما و در اطراف کشورمان ساخته شده است و کارکرد و اهمیت هر یک از آنها چیست؟
۳. کلاس را به چند گروه ۴-۵ نفره تقسیم کنید. هر گروه مسئولیت یکی از پایگاه‌های آمریکا در منطقه یا یکی از جنگنده‌های سرنگون‌شده را بر عهده بگیرد. هر گروه به پرسش‌های زیر پاسخ دهد و اطلاعات خود را مستند کند:
- پایگاه یا جنگنده موردنظر چه مشخصات و اهمیتی دارد؟
- ایران دقیقاً چگونه آن را هدف قرار داد؟ از چه نوع موشک یا پهپادی استفاده شد؟



در جنگ سوم (رمضان) نیز همانند جنگ دوم، دشمن روی فعال کردن شورش‌ها و آشوب‌های خیابانی و ایجاد ترس و وحشت و ناامنی حساب باز کرده بود، اما آنچه اتفاق افتاد، همه را حیرت‌زده کرد. مردم (به ویژه زنان و دختران) از دومین شب شروع جنگ، در سرما و گرما، طوری هر شب در میدان‌ها و خیابان‌های اصلی تهران و دیگر شهرها، با پرچم سه‌رنگ کشورشان حاضر شدند که انگار برای یک رسالت الهی، برانگیخته شده بودند. مردم با حضورشان در خیابان، هم نقشه‌های خرابکارانه را نقش بر آب کردند و هم روح همدلی، وحدت و انسجام ملی، امید به آینده، مقاومت در مسیر عزت ایران و خون‌خواهی رهبر شهید و دیگر شهدای عزیزشان را در تک تک کوچه پس‌کوچه‌ها و خیابان‌های شهر، زنده کردند. این بود که کشوری که از ضربه‌های سخت دشمن، زخمی و داغدار بود، زمین نخورد و از این داغ، حماسه ساخت و به جهان نشان داد که ایران، بر شانه‌های یک ملت مقاوم، همچنان ایستاده است.

«به توفیق الهی اگر چنانچه حادثه‌ای برای کشور پیش بیاید، خدای متعال این مردم را مبعوث خواهد کرد برای مقابلهٔ با حوادث و کار را مردم تمام خواهند کرد.»

رهبر شهید انقلاب اسلامی، کمتر از یک ماه پیش از آغاز جنگ رمضان





مردم ایران در این جنگ، عیار ویژهٔ خودشان را نشان دادند: در حالی‌که معمولاً در بحران‌ها و جنگ‌ها، مردم کشور جنگ‌زده به خارج کشور مهاجرت می‌کنند، در روزهای جنگ رمضان شمار ایرانیان خارج‌نشین که برای دفاع از کشورشان، به ایران برگشتند، بسیار بیشتر از کسانی بود که از ایران خارج شدند. به علاوه، مردم متناسب با شغل و تخصص خود و یا با تشکیل هسته‌های خودجوش کمک‌رسانی، هرچه از دستشان برآمد انجام دادند: از پخت غذا برای مدافعین امنیت گرفته تا کمک به آواربرداری و نظافت خانه‌های بمباران شده و کمک به برقراری نظم و حتی فعالیت‌های رسانه‌ای ـ مجازی برای افزایش تاب‌آوری و امید در جامعه.

فعالیت

۱ـ آیا شما خاطره یا تجربه‌ای از نقش‌آفرینی مردم در ایام جنگ رمضان دارید؟ خاطره یا تجربهٔ خود را در قالبی خلاقانه و ابتکاری در کلاس درس ارائه دهید و درباره آن، با هم‌کلاسی‌ها گفت‌وگو کنید.

۲ـ اگر ایران بار دیگر در شرایطی مشابه شرایط جنگ رمضان قرار بگیرد، چه ایده‌ها و راهکارهای خلاقانه‌ای برای افزایش همبستگی اجتماعی به ذهنتان می‌رسد؟ این سؤال را دو بار پاسخ دهید: یک بار به عنوان یک نوجوان و یک بار به عنوان یک فرد سی ساله با شغل ایده‌آل خودتان. در آن زمان و با آن شغل، چگونه می‌توانید به ارتقای همبستگی اجتماعی کمک کنید؟

۳ـ آیا این بعثت مردمی در ایران موارد مشابهی در دنیا داشته است. اگر مواردی بوده است، تفاوت‌ها و شباهت‌های آنها را با این حرکت مردم ایران بررسی کنید. (از جهت میزان جمعیت، تنوع جمعیت، میزان ماندگاری و...)

شهادت مقام معظم رهبری در نخستین روز جنگ، آن‌هم در خانه و محل کار خود و به همراه تعدادی از اعضای خانواده‌شان، رابطه عمیق میان رهبری و ملّت در نظام جمهوری اسلامی را نشان داد. در فرهنگ حسینی، خون پاکی که در راه خدا ریخته می‌شود، می‌تواند انسان‌ها را از جهل و غفلت رهایی ببخشد. خون رهبر شهید نیز بسیاری از دل‌های غفلت‌زده را بیدار کرد و به انسجام و وحدت بیشتر مردم انجامید؛ چیزی که وداع و تشییع بی‌نظیر و چند ده میلیونی ایشان در شهرهای تهران، قم و مشهد در ایران و نجف و کربلا در عراق، یکی از نشانه‌های آن بود. به علاوه، طی شدن فرایند انتخاب جانشین رهبری بر اساس قانون اساسی، به‌رغم تهدیدهای جدی دشمن برای هدف قرار دادن مجلس خبرگان، نظم، مسئولیت‌پذیری و پایداری ارکان کشور را نشان داد. نه تنها کشور از هم نپاشید، بلکه با انتخاب آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای به عنوان رهبر جدید، خونی تازه در رگ‌های تصمیم‌گیری کلان امور کشور دوید. آنچه دشمن پایان می‌پنداشت، آغاز شکل تازه‌ای از ایستادگی شد. در طول جنگ رمضان و پس از آن، پیام‌های رهبر جدید انقلاب اسلامی، نقشی کلیدی در هماهنگ کردن همه ارکان حکومت، جریان‌های مختلف و آحاد مردم و همچنین، رفع اختلافات داشت.

هنر شهادت



بدون شک، مهم‌ترین عامل قدرت ایران و ویژگی خاص فرهنگ و انسان ایرانی، ایستادن فراسوی مرگ و نهراسیدن از آن است. این همان، فرهنگ و هنر شهادت است که دشمنان ایران، بهره‌ای از آن ندارند. «شهادت، هنر مردان خداست»

مردان خدا می‌دانند اگر شهید نشوند، روزی می‌میرند. آنها به استقبال شهادت می‌روند، زیرا «شهادت، زندگی ابدی است.»

شهید آیت‌الله سید علی خامنه‌ای را از ابعاد مختلف می‌توان توصیف کرد. او پرچم‌دار مبارزه با سلطه و استکبار جهانی بود، او پس از امام خمینی راهبر نهادینه کردن انقلاب اسلامی در ساختار مردم‌سالاری دینی بود؛ او معمار نوین استقلال نظامی و تسلیحاتی ایران بود. سیاست‌مداری برجسته، فقیهی روشن‌فکر و ادیبی فاخر بود و این فهرست را می‌توان همچنان ادامه داد تا به ویژگی منحصر به فرد ایشان رسید: او زنده کننده حقیقی فرهنگ ایثار و شهادت در عصر مادّی اندیشی بود. زندگی او سراسر مجاهدت و ایثار در راه خدا بود و با شهادت نیز به آخر رسید. کمتر کسی به قدر او برای رشد و پرورش فرهنگ ایثار و شهادت موفق بود. همان‌گونه که گفته بود: «زنده نگه داشتن یاد شهدا، کمتر از شهادت نیست»؛ خود نیز در هر دو جهت، درخشید: او هم شهید بود و هم شهادت پرور!



غافلگیرکننده‌ترین سلاحی که ایران در جنگ رمضان رونمایی کرد، تنگه هرمز بود. نیروهای نظامی ایران از همان روز اول جنگ، با بستن و سپس محدود کردن عبور و مرور از این گذرگاه راهبردی انرژی و تجارت جهانی، دشمن آمریکایی، طرفدارانش و همه دنیا را در حیرت فرو بردند. تنگه هرمز، یکی از ظرفیت‌های خدادادی جغرافیای ایران بود

که در این جنگ، به یکی از مؤلفه‌های قدرت ما تبدیل شد و تمام تلاش‌های آمریکا با همه تجهیزات نظامی و اطلاعاتی و فشارهای سیاسی‌اش برای شکستن قفل تنگه هرمز، بی‌نتیجه ماند.



قهرمان‌های مبارز

شهید علیرضا تنگسیری:
پاسدار آب‌های ایران

در تاریخ دفاع مقدس و تداوم انقلاب اسلامی، نام برخی فرماندهان با صلابت و متواضع، یادگار ابدی می‌شود. دریابان **علیرضا تنگسیری**، فرمانده شهید نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، یکی از این چهره‌های اثرگذار بود. ایشان با تلاش بی‌وقفه و دانش نظامی بالا، توانست نیروی دریایی سپاه را به جایگاهی برساند که امروز در برابر هر تهدیدی، سدی استوار باشد. در میان ویژگی‌های این شهید یک ویژگی برجسته‌تر بود و آن، تکیه مطلق وی به قدرت الهی بود. او به ویژه بر این حدیث امام صادق علیه‌السلام تأکید داشت که:

مَنْ خَافَ اَللّٰهَ أَخَافَ اَللّٰهُ مِنْهُ كُلَّ شَيْءٍ وَ مَنْ لَمْ يَخَفِ اَللّٰهَ أَخَافَهُ اَللّٰهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ.

«هر که از خدا بترسد، خداوند همه چیز را از او بترساند، و هر که از خدا نترسد، خدا او را از همه چیز بترساند.»[1]

این فرمانده ایرانی با شجاعت تمام، توانست حاکمیت و مدیریت ایران بر تنگه هرمز را اعمال کند.

لحظه دستور بستن تنگه هرمز توسط شهید تنگسیری را در رمزینه مشاهده کنید.

۱ـ مشکاة الانوار فی غرر الأخبار، ج ۱، ص ۲۲۷



در شب‌هایی که موشک‌های ایران، آسمان منطقه را می‌شکافتند، مردم در خیابان‌های بغداد، بیروت و غزه، همانند بسیاری از مردم منطقه غرب آسیا، بیدار بودند. مردمی که سال‌ها طعم تحقیر و بمباران و تجاوز آمریکا و رژیم صهیونیستی را چشیده بودند، حالا بر روی پشت‌بام‌ها یا در قاب گوشی‌های خود، شکسته شدن ابهت دشمنشان را به تماشا می‌نشستند و با اشک و لبخند، تصویر این همبستگی را با جهان به اشتراک می‌گذاشتند. این حمایت البته فقط در حد شبکه‌های اجتماعی باقی نماند. هم حزب‌الله لبنان هم‌زمان با جنگ رمضان، به رژیم اسرائیل حمله کرد و هم نیروهای مقاومت عراق، پایگاه‌های آمریکا در عراق را زیر ضربه گرفتند. تشییع میلیونی رهبر شهید ایران در شهرهای نجف و کربلا هم جلوه دیگری از به‌هم‌پیوستگی عمیق فرهنگی و اجتماعی دو کشور ایران و عراق، روحیه ضداستکباری مردم عراق و قدرت و نفوذ جریان مقاومت در منطقه را به رخ همه کشید. آمریکا به خیال خودش به دنبال قطع سر جریان مقاومت بود، ولی نه تنها موفق نشد، بلکه شبکه مقاومت در کشورهای منطقه را متحدتر و یکپارچه‌تر کرد.



فعالیت



شبیه‌سازی «دادگاه منطقه‌ای»

در کلاس به سه گروه تقسیم شوید:

گروه اول: (وکلای جبهه مقاومت)

گروه دوم: (وکلای شبکه سازش)

گروه سوم: (قاضی و هیئت منصفه: مردم مسلمان منطقه)

دو گروه اول نحوه مواجهه با نظام سلطه و شیوه تأمین امنیت خودشان را توضیح دهند.

گروه سوم با شنیدن استدلال‌های هر دو طرف، با سه معیار زیر توضیحات هر گروه را داوری کنند:

- هزینه و فایده هر کدام از این دو روش چیست؟
- براساس واقعیت‌های جهانی، روش کدام یک از دو گروه، امنیت پایدار ایجاد می‌کند؟
- کدام یک از این دو شیوه بیشتر با اخلاق و عدالت اسلامی سازگار است؟

ارتباطات بین‌المللی مسئولان ایران از ابتدای جنگ رمضان، به هدف نقد کردن دستاوردهای نظامی میدان و اثبات حقانیت دفاع مشروع ملّت ایران در سطح بین‌المللی فعال بود. مسئولین کشور با وجود همهٔ سختی‌ها و تهدیدها در دورهٔ جنگ، از یک‌سو با برقراری ارتباطات گسترده با مسئولان ارشد دیگر کشورهای منطقه و جهان و نهادهای بین‌المللی، از حقوق ملّت ایران دفاع کرده و مانع شکل‌گیری فشارهای سیاسیِ جهانی بر روی کشورمان شدند و از سوی دیگر، برای پایان دادن به درگیری (به صورت موقت یا دائم) و تحمیل شروط خود بر دشمن، از هیچ



حضور شهید علی لاریجانی دبیر شورای عالی امنیت ملّی در راهپیمایی روز قدس در ایام جنگ رمضان

کوششی دریغ نکردند و از سوی سوم، به دفاع و حمایت سیاسی از همه نیروهای مقاومت در منطقه پرداختند.

فعالیت

۱ـ به نظر شما در زمان جنگ، دستگاه دیپلماسی کشور چه وظایفی را به عهده دارد و چه اقداماتی می‌تواند داشته باشد؟

۲ـ اگر در زمان جنگ‌های تحمیلی دوم و سوم، مسئول دستگاه دیپلماسی کشور بودید، چه کارهایی انجام می‌دادید؟

۳ـ با توجه به تأثیرپذیری نهادهای بین‌المللی از نظام سلطه و از دست رفتن بی‌طرفی آنها، شما دانش‌آموزان چگونه می‌توانید از طریق دیپلماسی فرهنگی و رسانه‌ای به کشور کمک کنید و صدای ایران در جهان باشید؟

۴ـ گزارش‌هایی درباره کارایی و ناکارآمدی قوانین و نهادهای بین‌المللی در جلوگیری از ظلم و تجاوز بنویسید و آنها را به زبان‌های خارجی ارائه دهید.

در روزها و شب‌های جنگ، همه نهادها و سازمان‌های امدادی و خدمات‌رسان، چنان پای کار بودند که کمترین فشار و سختی به مردم وارد شود. تأمین مایحتاج عمومی مردم طوری انجام می‌شد که در فروشگاه‌ها کسی احساس نمی‌کرد که الان وسط جنگ و در محاصره اقتصادی دشمن است. همه دستگاه‌های دولتی و غیردولتی، حتی اگر خودشان آسیب‌هایی دیده بودند، تمام همت خودشان را روی رفع نیازهای مردم گذاشته بودند. درست است که دشمن، به زیرساخت‌های برق و آب و پالایشگاه‌ها و پل‌ها و... حمله می‌کرد، ولی با فاصله‌ای اندک، برق و آب قطع شده، وصل می‌شد، بنزین به پمپ‌بنزین‌ها می‌رسید و راه‌های مواصلاتی، پل‌ها و ریل‌های راه‌آهن آسیب دیده، در مدت زمانی بسیار کوتاه و با تلاش شبانه‌روزی، تعمیر می‌شدند. این وضعیت حاکی از آن است که ساختار نهادیِ جمهوری اسلامی و عناصر فعال در آن، آن‌قدر توانمند شده است که در چنین طوفان‌هایی، نه تنها بلعیده نمی‌شود، بلکه می‌تواند حادثه‌ها را در دل خودش هضم کند. آمریکا آمده بود تا با فاجعه میناب و لامرد و ناودنا و...، مردم را داغدار کند و این ملّت و نظامشان را از پا بیندازد، ولی ایران ثابت کرد که با ایمان به خدا، اتحاد، خودباوری و تسلیم‌ناپذیری، می‌توان پای عزت و هویت خود ایستاد و از دل فشارها و تهدیدها، فرصت‌هایی برای رشد ساخت.

فصل سوم

مهارت‌های دفاعی



درس ششم

نظام جمع و مهارت‌های رزم



نظام جمع

نظام جمع حرکاتی است که به‌صورت منظم انجام می‌شود و افراد را در اجرای حرکات جمعی با یکدیگر هماهنگ می‌کند.

همان‌طور که لغت «نظام جمع» نشان می‌دهد، «نظم + جمع»، نظمِ جمع را به دنبال دارد؛ اما این موضوع وقتی میسر می‌شود که تمامی ارکان جمع یعنی تک‌تک نفرات نظم انفرادی را رعایت کنند. نظام جمع اساس رفتارهای صحیح راه رفتن، آراستگی ظاهری، انضباط و کار گروهی است که وقتی تمامی دانش‌آموزان به صورت انفرادی بدان عمل می‌کنند، موجب نظم جمع می‌شود.

اهمیت نظم

نظم در لغت به معنای ترتیب، آراستگی، انضباط، قاعده و قانون است. انسان موجودی است اجتماعی و به تنهایی نمی‌تواند زندگی کند. او همیشه باید به‌همراه انسان‌های دیگر زندگی کند تا زندگی خوبی داشته باشد. هر کسی باید کار خودش را به موقع و درست انجام دهد تا چرخ روزگار بچرخد. وجود نظم و قاعده در کارها برای جامعهٔ انسانی لازم است. بی‌نظمی، کار اجتماع را مختل می سازد.

اگر نظم نباشد، کارها به‌هم می‌ریزد و حتی کسی که می‌خواهد به موقع کار خودش را درست و کامل انجام دهد، نمی‌تواند؛ به طور مثال رانندگی نظم و قاعده و قانونی دارد. اگر چراغ راهنمایی در سر چهارراه‌ها نباشد یا اگر مردم قاعده و نظم از دست راست حرکت کردن را رعایت نکنند، آیا رانندگی کردن ممکن است؟

در هر جامعه‌ای که نظم و قاعده و قانون حاکمیت داشته باشد، مردم بهتر تکلیف خودشان را می‌دانند و زودتر به مقصد می‌رسند. یکی از موقعیت‌های که در آنجا بدون نظم کاری از پیش نمی‌رود، جبههٔ جنگ است؛ به همین دلیل «نظم» از عمده‌ترین موضوعاتی است که در مهارت‌های آموزشی نیروهای مسلح بر آن تأکید می شود.





فعالیت

در کارهای اجتماعی و زندگی فردی، «نظم» نقش عمده و تعیین‌کننده‌ای دارد. خداوند بزرگ وجود نظم در نظام آفرینش را مسئلهٔ مهمی به حساب آورده و در جای جای قرآن کریم مردم را به تفکر در نظم دستگاه آفرینش دعوت کرده است تا از این راه، به وجود خداوند متعال پی ببرند. امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام در آخرین وصیت‌نامهٔ خویش، بیش از هر چیز مردم را به رعایت نظم در کارها سفارش کرده است.

با مشورت معلم و هم‌کلاسی‌هایتان مواردی از توجه و سفارش به نظم را در آیات قرآن و کلام امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام پیدا کنید و همین‌جا بنویسید.

توجه به نظم در آیات قرآن	سفارش به نظم در کلام امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام
.....	.....
.....	.....

نظم در مدرسه

در مدرسه برای ایجاد نظم و انضباط بیشتر بین دانش‌آموزان، از فرمان‌های نظام جمع استفاده می‌شود. نظام جمع اولین اصل از مهارت‌های مدرسه‌ای است. البته باید در نظر گرفت نظام جمع در مدارس جنبهٔ نظامی ندارد و نباید به دانش‌آموزان بیش از اندازه سخت گرفت.





اهداف اجرای کلاس نظام جمع

۱ـ نظم پذیری، قانون‌مداری و اطاعت‌پذیری؛
۲ـ تقویت ذهنی، جسمی و روانی؛
۳ـ ایجاد چابکی و چالاکی؛
۴ـ جلوگیری از عادات بد حرکتی در بدن به خصوص دانش آموزانی که در سنین رشد هستند؛
۵ـ نهادینه شدن نظم در اخلاق و رفتار دانش‌آموزان؛
۶ـ آموزش صحیح زندگی کردن؛
۷ـ سلامتی و بهبود عملکرد ریه و قلب با قرار گرفتن بدن در حالت صحیح؛
۸ـ افزایش قدرت کنترل و هماهنگی اندام و حواس؛

نظام جمع علاوه بر اثرات فردی و تقویت ذهنی، جسمی و روانی دانش‌آموزان در بهبود سرعت کارها و کیفیت آن نیز مؤثر است و هیچ کار گروهی‌ای بدون رعایت نظم جمعی موفق نخواهد بود. این‌گونه تعلیمات باعث چابکی و چالاکی دانش‌آموزان می‌شود و از بروز مشکلات اسکلتی و عادات بد حرکتی در بدن آنها جلوگیری می‌کند و در عین حال اهمیت نظم و انضباط را در اندیشه و عمل دانش‌آموزان نهادینه می‌کند.
هنگامی که بدن در وضعیت صحیح قرار می‌گیرد، ریه و قلب فضای وسیع‌تری پیدا می‌کند و عملکرد بهتری دارد. نظام جمع، زندگی صحیح را می‌آموزد و در دانش‌آموزان حس برادری و اشتراک ایجاد می‌کند و آنها را به این باور می‌رساند که عضوی از یک پیکر هستند.

فرمان‌های نظام جمع و روش اجرای آن

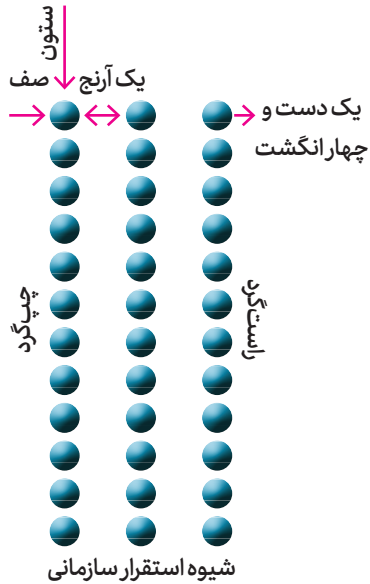
نظام جمع با آموزش حرکات منظم و از روی قاعده شروع می‌شود. هر حرکتی در نظام جمع به‌دنبال «فرمان» خاصی صورت می‌گیرد. فرمان نظام جمع از دو جزء تشکیل شده است:
۱ـ خبر
۲ـ اجرا

«خبر» در نظام جمع، آگاهی و ایجاد آمادگی در فرد برای هماهنگی با جمع است، و «اجرا» هماهنگ شدن عملی او با جمع، اطاعت از فرمان و اجرای عمل خاصی که فرمانده دستور می‌دهد. برای مثال در فرمانِ از جلو نظام، «از جلو» خبر است و «نظام» اجرا. معمولاً میان خبر و اجرا چند ثانیه فاصله است. از جلو نظام، فرمانی است برای پشت سر هم قرار گرفتن افراد. فرمانده، جزء اول فرمان یعنی خبر را با صدای بلند و کشیده به گوش افراد می‌رساند. «از جلو ... !»، افراد با شنیدن جزء اول فرمان خبر از جلو نظام، به سرعت پشت سر هم قرار می‌گیرند. سپس فرمانده جزء دوم فرمان را با صدای کوتاه و محکم اعلام می‌کند: «نظام!». افراد با شنیدن جزء دوم فرمانِ از جلو نظام، دست چپ خود را در حالی که کاملاً کشیده شده است، به طرف بالا پرتاب می‌کنند.

نحوهٔ قرار گرفتن افراد در صف و ستون

در نظام جمع، پیش از هر حرکتی شیوهٔ ایستادن افراد، اهمیّت دارد. در یک جمع معمولاً نفراتی که قد آنها بلندتر از بقیه است، باید جلوتر بایستند. اگر افراد به صورت ستون بایستند (پشت سر هم)، نفرات بلندتر جلوی ستون قرار می‌گیرند و اگر به صورت ردیف بایستند (پهلوی هم) نفرات بلندقدتر باید در سمت راست قرار بگیرند.

فاصلهٔ افراد در حالتی که در گروه به‌صورت سازمانی قرار گرفته‌اند، برای ایستادن در میدان صبحگاه و حرکت به‌صورت قدم موزون، هر نفر با نفر سمت راست خود به اندازهٔ یک آرنج (نیم دست) و در ستون، هر فرد با نفر جلویی خود، به اندازهٔ یک دست و چهار انگشت (حالت از جلو نظام) باید باشد.



ایستادن



منظور از ایستادن حالتی است که باید در آن نکات زیر به طور کامل رعایت شود:

الف) بدن آزاد و راست باشد.

ب) پاشنه پاها به هم چسبیده باشد.

پ) پنجهٔ پاها در یک خط و به اندازهٔ عرض چهار انگشت بستهٔ دست، باز باشد.

ت) پاها به طور کامل کشیده باشد.

ث) شکم داخل، سینه جلو، کمر راست، شانه‌ها باز و در یک خط قرار داشته باشند.

ج) گردن افراشته، سر بالا و روبه‌رو، شعاع دید چشم مستقیم به جلو، صورت به حالت طبیعی و چانه اندکی بالا باشد.

چ) هر دو دست کشیده و مشت باشد و سایر انگشتان دست چسبیده به شلوار و کف دست روبه بدن باشد.

از جلو نظام!



۱ ۲

افراد با شنیدن جزء دوم فرمان از جلو نظام، دست چپ خود را در حالی که کاملاً کشیده شده است، به طرف بالا پرتاب می‌کنند به‌صورتی که پنج انگشت به هم چسبیده باشد و انگشت بزرگ دست چپ آنها با شانهٔ چپ نفر مقابلشان چهار انگشت فاصله داشته و کف دست آنها رو به زمین و تقریباً موازی آن باشد. مسلماً اولین نفر یا نفرات دست خود را بلند نمی‌کند؛ زیرا کسی را در مقابل خود ندارد.

نتیجهٔ این فرمان، آن است که تمام افراد دقیقاً پشت سر هم قرار می‌گیرند و نظم‌دهی صف از همدیگر بر مبنای صف اول و به فاصلهٔ یک دست با نفر جلو و عقب خود فاصله خواهند داشت.

خبردار



بلافاصله بعد از فرمان «از جلو نظام» فرمانده، فرمان «خبردار» داده می‌شود. «خبردار» نیز از دو جزء تشکیل شده است: «خبر» و «دار». با شنیدن فرمان خبردار، دست چپ با شتاب به پایین می‌افتد و هم‌زمان مشت شده و در امتداد خط دوخت شلوار قرار می‌گیرد. فرمان «خبردار» یعنی حالت صحیح ایستادن به خود گرفتن. در خبردار هیچ‌گونه حرکت یا تغییر حالتی جایز نیست. با این فرمان، نفر یا افراد حالت صحیح ایستادن به خود می‌گیرند.

به‌جای خود

این فرمان برای بازگشت به حالت صحیح ایستادن در حالت اولیه به‌کار می‌رود.

از راست نظام



به منظور نظم دادن صف یا صف‌های متوالی، فرمان «از راست نظام» داده می‌شود.
با این فرمان، همهٔ نفرات به‌جز نفرات ستون یکم سر خود را به سرعت به سمت راست برمی‌گردانند؛ به‌طوری که چانهٔ آنها اندکی بالا قرارگیرد. نفرات باید طوری قرار گیرند که هر نفر، سینهٔ نفر چهارم سمت راست خود را بتواند ببیند. در این حالت، حفظ حالت صحیح ایستادن، الزامی است. با صدور فرمان «خبردار»، همهٔ افراد به سرعت سر را به سمت جلو برمی‌گردانند.
این فرمان برای این است که افراد کاملاً حالت نظامی بگیرند و استوار بایستند؛ اما چون ممکن است هنوز در یک صف مستقیم و منظم قرار نگرفته باشند، پیش از «خبردار» فرمان از «راست نظام» صادر می‌شود.


۱ ۲

آزاد

فرمانی است برای تغییر حالت دادن از فرمان خبردار. با این فرمان نفرات، پای چپ خود را به سرعت از زمین بلند می‌کنند و با یک ضربه محکم و به اندازهٔ پهنای شانه به سمت چپ می‌کوبند؛ به‌طوری که پنجهٔ هر دو پای هر نفر در امتداد هم قرار گیرد. هم‌زمان با این حرکت دست‌ها در پشت به‌طوری‌که دست چپ مچ دست راست را می‌گیرد و هر دو دست به‌طور کشیده در پشت و انتهای ستون فقرات قرار می‌گیرد. در حالت آزاد مانند حالت خبردار، افراد نباید تغییر جهت دهند یا حرکتی بکنند. در تمام این حرکات اگرچه فرد به تنهایی عمل می‌کند، اما هماهنگی خاصی با سایر افراد هم‌گروه خود دارد.

مهارت‌های رزم

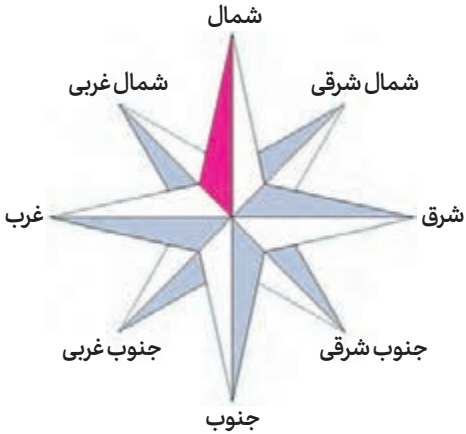
به مهارت‌هایی که یک رزمنده با به‌کارگیری آن می‌تواند از خطر و آسیب دشمن مصون بماند و بر او پیروز شود مهارت‌های رزم گفته می‌شود. مباحثی که از مهارت‌های رزم در این بخش مطرح می‌شود، شامل جهت‌یابی، سمت‌یابی و تخمین مسافت و مهارت‌های اولیه زندگی در شرایط سخت است.

جهت‌یابی

جهت‌یابی به دانشی گفته می‌شود که نیروی رزمنده با آگاهی از آن قادر باشد در هر شرایط و موقعیت جهات جغرافیایی را در طبیعت مشخص کند. جهت‌یابی در بسیاری از موارد کاربرد دارد. برای نمونه وقتی در کوهستان، جنگل، دشت یا بیابان گم شده باشید، با دانستن جهت‌های جغرافیایی، می‌توانید به مکان مورد نظرتان برسید. یکی از استفاده‌های مسلمانان از جهت‌یابی، یافتن قبله برای نماز خواندن و یا ذبح شرعی حیوانات است.

نیروهای نظامی به جهت آنکه اغلب در مکان‌های ناشناس قرار می‌گیرند، باید جهت جغرافیایی را به‌خوبی بدانند. هرچند امروزه با وسایلی مانند قطب‌نما یا GPS[1] می‌توان به راحتی و با دقت بسیار زیاد جهت جغرافیایی را مشخص کرد؛ اما در نبود این وسایل، دانستن روش‌های دیگر جهت‌یابی مفید است.

۱ـ Global Positioning System سیستم تعیین موقعیت جهانی



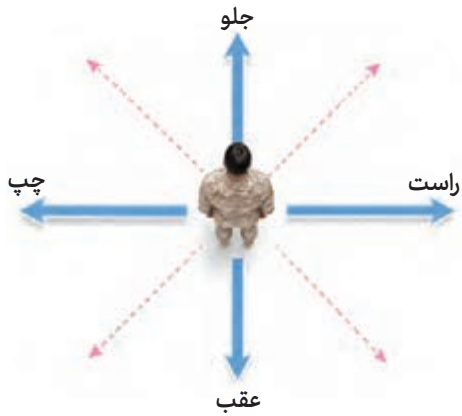
تعریف جهت: جهت امتداد ثابتی است در طبیعت که در اثر تغییر موقعیت فرد تغییر نمی‌کند.

جهت‌یابی عبارت است از: شناخت جهات چهارگانهٔ اصلی در زمین.

جهات اصلی: جهات اصلی زمین چهار جهت شمال، جنوب، شرق و غرب است.

جهات فرعی عبارت است از: شمال‌شرقی، شمال‌غربی، جنوب‌شرقی و جنوب‌غربی.

با دانستن یکی از جهت‌ها، بقیهٔ جهت‌ها را می‌توان به سادگی مشخص کرد. اگر رو به شمال بایستیم، سمت راستمان مشرق (شرق، خاور)، سمت چپمان مغرب (غرب، باختر) و پشت سرمان جنوب است. بین هر دو جهت اصلی یک جهت فرعی وجود دارد؛ مثلاً نیم‌ساز زاویهٔ بین جهت‌های شمال و شرق، جهت شمال شرقی (شمال شرق) را مشخص می‌کند.



تعریف سمت

سمت امتدادی است که نسبت به فرد ثابت و نسبت به محیط متغیر است.

تفاوت سمت با جهت

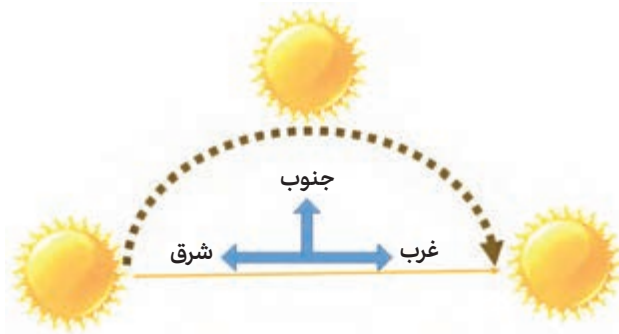
جهت‌ها همیشه ثابت هستند ولی سمت‌ها نسبت به موقعیت نفر متغیرند.

روش‌های جهت‌یابی

برخی روش‌های جهت‌یابی مخصوص روز، و برخی ویژه شب‌اند و برخی روش‌ها هم در مواقع خاص که خورشید و ستارگان در دسترس نیستند، کاربرد دارند. توجه شود که بسیاری از این روش‌ها کاملاً دقیق نیستند و صرفاً جهت‌های اصلی را به‌صورت تقریبی مشخص می‌کنند. برای جهت‌یابی دقیق باید از قطب‌نما و جی.پی.اس. استفاده کرد. آنچه گفته می‌شود اکثراً مربوط به نیمکرهٔ شمالی است؛ در نیمکرهٔ جنوبی در برخی روش‌ها ممکن است جهت شمال و جنوب برعکس آنچه گفته می‌شود، باشد.

جهت‌یابی با خورشید

خورشید صبح از مشرق طلوع می‌کند و در هنگام ظهر در وسط آسمان به سمت جنوب می‌باشد و هنگام غروب از جهت مغرب غروب می‌کند.



نکته

۱ـ این مطلب فقط در اول بهار و پاییز صحیح است؛ یعنی در اولین روز بهار و اولین روز پاییز خورشید دقیقاً از شرق طلوع و در غرب غروب می‌کند؛ ولی در زمان‌های دیگر، محل طلوع و غروب خورشید نسبت به مشرق و مغرب به تدریج و روزانه مقداری انحراف پیدا می‌کند. در تابستان طلوع و غروب خورشید شمالی‌تر از شرق و غرب است و در زمستان جنوبی‌تر از شرق و غرب می‌باشد. در اول تابستان و زمستان، محل طلوع و غروب خورشید حداقل حدود بیست و سه و نیم درجه (۲۳/۵ درجه) با محل دقیق شرق و غرب فاصله دارد. تنها جایی که خورشید همیشه دقیقاً از شرق طلوع و در غرب غروب می‌کند، استواست.

۲ـ در نیمکرهٔ شمالی زمین، در زمان ظهر شرعی خورشید همیشه دقیقاً در جهت جنوب است و سایهٔ اجسام رو به شمال می‌افتد. ظهر شرعی یا ظهر نجومی در موقعیت جغرافیایی شما، دقیقاً هنگامی است که خورشید به بالاترین نقطهٔ خود در آسمان می‌رسد. در این زمان، سایهٔ شاخص به حداقل خود در روز می‌رسد و پس از آن دوباره افزایش می‌یابد. این لحظه همان زمان اذان ظهر است.

جهت‌یابی با خورشید و ساعت عقربه‌دار

ساعت مچی معمولی (آنالوگ، عقربه‌ای) را به حالت افقی طوری در کف دست نگه دارید که عقربهٔ ساعت‌شمار به سمت خورشید قرارگیرد و سایهٔ عقربهٔ ساعت‌شمار درست در زیر خود عقربه قرار بگیرد. در این حالت نیم ساز زاویهٔ بین عقربهٔ ساعت شمار و عدد ۱۲ بر روی ساعت (زاویهٔ کوچک‌تر، نه بزرگ‌تر) راستای جنوب را مشخص می‌کند و جهت مخالف آن راستای شمال را نشان می‌دهد. باید در نظر داشته باشید که این قاعده در نیمکرهٔ شمالی این‌گونه است و در نیمکرهٔ جنوبی کاملاً برعکس می‌باشد.









نکته

اگر در بهار هستیم که معمولاً ساعت‌ها را یک ساعت جلو می‌برند، ابتدا ساعت را یک ساعت عقب می‌بریم و سپس روش جهت‌یابی را انجام می‌دهیم؛ یا نیم ساز عقربه ساعت شمار را به جای عدد ۱۲ با عدد ۱ محاسبه می‌کنیم.

همچنین در کل کشور معمولاً ساعت یکسانی وجود دارد. در ایران ظهر شرعی حدود یک ساعت متغیر است (ایران تقریباً بین دو نصف‌النهار قرار دارد؛ لذا ظهر شرعی در شرق و غرب ایران حدوداً یک ساعت با هم فاصله دارند.) ساعت صحیح هر مکان همان ساعتی است که هنگام ظهر شرعی در حدود ساعت ۱۲ ظهر است. در واقع برای تعیین دقیق جهت‌های جغرافیایی ساعت باید طوری تنظیم باشد که هنگام ظهر شرعی ساعت ۱۲ را نشان دهد.

اگر از ساعت دیجیتال استفاده می‌کنید، می‌توانید ساعت عقربه‌دار را روی یک کاغذ یا روی زمین بکشید (دور دایره‌ای از ۱ تا ۱۲ بنویسید و عقربه ساعت شمار را هم بکشید)، سپس از روش بالا استفاده کنید.

جهت‌یابی با سایهٔ شاخص

- شاخص را، به طول یک متر، در زمین مسطح در مقابل خورشید به شکل عمودی قرار می‌دهیم.
- سایهٔ شاخص روی زمین می‌افتد، سر سایه را به دقت مشخص می‌کنیم.
- حدود ۲۰ دقیقه صبر می‌کنیم تا سایه به‌واسطهٔ حرکت خورشید از شرق به غرب حرکت کند. سپس مکان دوم سایه را مشخص می‌کنیم.
- دو سر سایه را با خط مستقیم به یکدیگر وصل می‌کنیم؛ سر سایهٔ اول به سوی غرب و سر سایهٔ دوم به سوی مشرق می‌باشد.
- سپس روی خط می‌ایستیم؛ به‌طوری که پای چپ ما روی سایهٔ اول و پای راست ما روی سایهٔ دوم باشد و شاخص پشت سرمان قرار داشته باشد. در این صورت جهت مقابل ما شمال است.


۱


۲


۳


۴


۵
N

فعالیت

۱ـ با مشورت معلم و سایر منابع تحقیقاتی، دربارهٔ شیوه‌های دیگر جهت‌یابی بحث کنید.

تنهٔ بریده شدهٔ درختان



شاخهٔ برگ درختان و لانهٔ مورچه



قبرهای مسلمانان



۲ـ با همراهی و نظارت معلم در حیاط مدرسه (فضایی که آفتاب‌گیر باشد)جهت‌یابی با شاخص و ساعت عقربه‌دار را به صورت عملی انجام دهید. همچنین جهت‌های اصلی و فرعی را مشخص کنید.

تذکر: از کاربرد رنگ برای علامت‌گذاری کف حیاط مدرسه خودداری کنید.

۳ـ با تحقیق و همراهی معلم خود به‌وسیلهٔ سوزن و آهن‌ربا قطب نما بسازید و در حیاط مدرسه جهت‌یابی را تمرین کنید.

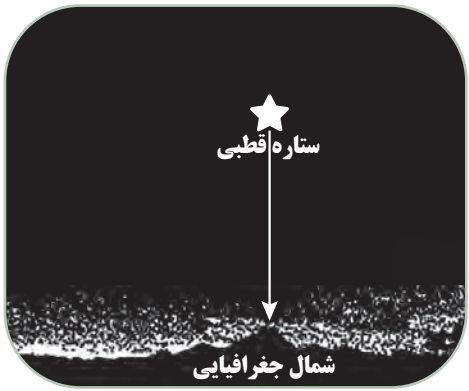
جهت‌یابی در شب

روشن است که در شب نمی‌توان از طریق خورشید، سایهٔ شاخص، ساعت عقربه‌دار و دیگر روش‌ها جهات را پیدا کرد. در این مواقع می‌توانید به کمک ستارگان جهت‌یابی را انجام دهید. البته اگر بتوانید ستاره‌ها را ببینید. اگر در مکانی قرار دارید که آسمان را نمی‌بینید، خود را به منطقهٔ مرتفع برسانید. در ارتفاعات ستاره‌ها بهتر دیده می‌شوند و هیچ مانعی در جلوی دید شما وجود ندارد.

در کویر هیچ مانعی بر سر دید شما برای دیدن ستارگان وجود ندارد، اما تعداد ستارگان در آسمان بسیار است. در کویر باید توانایی ستاره‌شناسی خود را بالا ببرید تا بتوانید از میان میلیاردها ستاره، صورت‌های فلکی مورد نظر خود را درست تشخیص دهید.

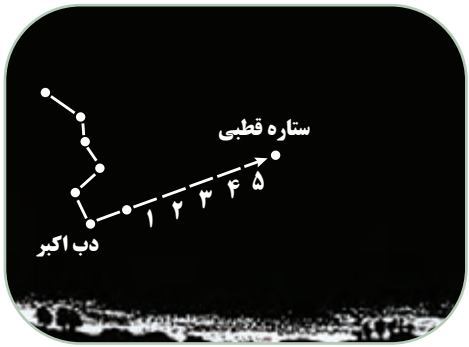
ضمن آنکه در هر ماه از سال، تنها تعدادی از صورت‌های فلکی در آسمان دیده می‌شوند؛ بنابراین بسته به ماهی که در آن قرار دارید، باید به دنبال ستارگان و صورت فلکی مشخصی بگردید. در ادامه به شرح برخی از این صورت‌های فلکی می‌پردازیم.

۱ـ جهت‌یابی به وسیلهٔ ستاره قطبی



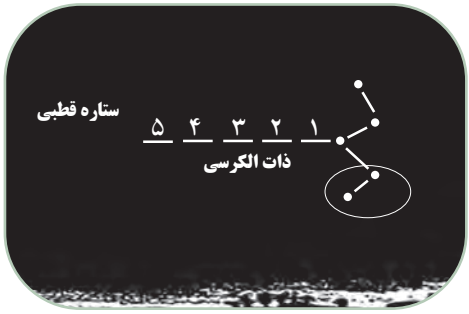
ستارهٔ قطبی ستاره‌ای ثابت است بر فراز قطب شمال که به‌وسیلهٔ آن جهت شمال جغرافیایی را تعیین می‌کنند. ستارهٔ قطبی با تقریب بسیار خوبی، حدود هفت دهم (۰/۷) درجه خطا، جهت شمال جغرافیایی (و نه شمال مغناطیسی) را نشان می‌دهد؛ یعنی اگر رو به آن بایستیم، رو به شمال خواهیم بود. در هر حال ستارهٔ قطبی تنها در نیمکرهٔ شمالی زمین قابل رؤیت است و در جنوب خط استوا نمی‌توان از آن به عنوان راهنما استفاده کرد. برای دیدن ستارهٔ قطبی در آسمان شب باید ابتدا ستارگان دب اکبر یا ستارگان ذات‌الکرسی را پیدا کرد. در صفحه بعد به شرح هر یک از آنها می‌پردازیم.

۲ـ مجموعه ستاره دب اکبر

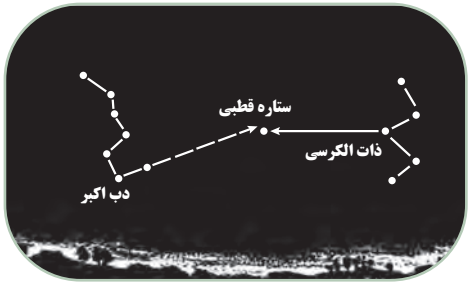


مجموعه ستارهٔ دب‌اکبر شامل هفت ستاره است که به شکل ملاقه در آسمان دیده می‌شوند. اگر فاصلهٔ دو ستاره لبهٔ آبریز ملاقه را «یک» واحد در نظر گرفته و آن را پنج برابر کنید، به ستاره‌ای می‌رسید که نسبت به ستارگان اطراف خود پرنورتر است، این همان ستاره قطبی است. اسم دیگر این مجموعهٔ ستاره، هفت برادران و نیز خرس بزرگ است. از آنجا که ستاره‌ها بر محور ستارهٔ قطبی در آسمان می‌چرخند، ممکن است دهانهٔ آبریز ملاقه صحیح یا وارونه یا به پهلو دیده شود.

۳ـ مجموعه ستاره ذات‌الکرسی



صورت فلکی ذات‌الکرسی مجموعه‌ای شامل پنج ستاره است که به دلیل چرخش آن به دور ستاره قطبی به شکل حروف W یا M انگلیسی در آسمان دیده می‌شود. اگر از ستارهٔ وسط ذات‌الکرسی به اندازهٔ فاصله دو ستاره که در شکل مشخص شده است، پنج برابر فاصله آن به جلو ادامه دهیم، به ستارهٔ قطبی خواهیم رسید.

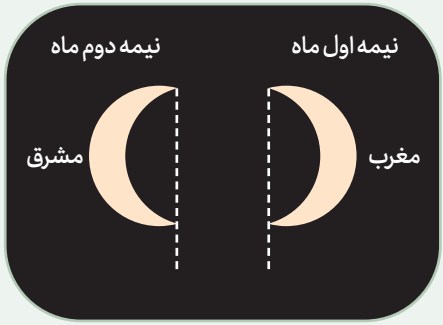


ستارگان ذات‌الکرسی و دب‌اکبر در ظاهر به دور ستارهٔ قطبی در حرکت‌اند. به همین دلیل جای آنها همواره تغییر می‌کند؛ اما ستارهٔ قطبی همیشه بین آنها واقع شده است.

فعالیت

با مشورت معلم و استفاده از دیگر منابع، راه‌های دیگر جهت‌یابی مانند مجموعه ستاره بادبادکی و مجموعه ستارگان خوشهٔ پروین در شب را توضیح دهید.

مثال: هلال ماه



بیشتر بدانید

جهت‌یابی حرفه‌ای در شرایط خاص

ماه و ستارگان همیشه در آسمان دیده نمی‌شوند. قطب‌نما نیز وسیله‌ای است که ممکن است خراب شود. پس بهتر است، جهت‌یابی در شرایط خاص را نیز بیاموزیم.

۱ـ بادهای فصلی و منطقه‌ای

بهترین روش جهت‌یابی آشنایی با اقلیم و بادهای فصلی منطقه است؛ مثلاً در منطقه بلوچستان، بادهای گرم و خشک همیشه در فصل تابستان از جنوب شرقی به شمال غربی می‌وزد. اما این نکته را به خاطر داشته باشید که در گودال و مناطق کوهستانی ممکن است جهت باد در سطح زمین خلاف جهت باد فصلی باشد. پس همیشه دربارهٔ بادهای دائمی در منطقه‌ای که حضور دارید اطلاعات کسب کنید.

۲ـ پوشش گیاهی تپه

روش دیگر برای جهت یابی در شرایط خاص پوشش گیاهی تپه‌هاست. به تپه‌ها نگاه کنید. سمتی که به طرف جنوب است، خشک‌تر و کم گیاه‌تر از سمتی است که رو به شمال است.

۳ـ حرکت‌های پرنده‌های مهاجر

پرنده‌های مهاجر در بهار در دشت‌های مرکزی ایران به طور معمول از جنوب به شمال و در پاییز از شمال به جنوب پرواز می‌کنند؛ البته حرکت پرندگان در دسته‌های چندتایی مد نظر است.

۴ـ خزه و گلسنگ

در سمت شمالیِ درختان و تخته‌سنگ‌ها، خزه و گلسنگ بیشتری می‌روید؛ چرا که نمناک‌تر و مرطوب‌تر از سمت جنوبی آنهاست.

هر چند این روش‌ها خیلی دقیق و قابل استناد نیستند اما اگر تمام عوامل را در نظر بگیرید، می‌توانید محدودهٔ جهت‌های چهارگانه را بیابید.

تخمین مسافت[۱]

تخمین مسافت اصطلاحی است که در ادبیات نظامی به کار می‌رود. این اصطلاح یعنی اندازه گرفتن تقریبی مسافت یا فاصلهٔ بین دو نقطه در برد و عرض. شرایط میدان رزم ایجاب می‌کند که هر نیروی رزمنده بتواند سریعاً با جنگ‌افزار خود روی هدف مورد نظر، تیراندازی دقیق کند و یا مشاهدات خود را در اسرع وقت به طور صحیح به فرمانده گزارش کند. برای رسیدن به این منظور، باید با تمرینات و آموزش‌های مفید و استفاده از روش‌های ساده و عملی، تخمین مسافت را از راه ورزیدگی چشم و قدرت حافظه فراگرفت. تخمین مسافت در یک تعریف کلی تعیین فاصلهٔ تقریبی بین دو نقطه است.

منظور از تخمین مسافت

۱ـ بستن درجهٔ مناسب روی سلاح به منظور نشانه‌روی و تیراندازی صحیح است. این کار برای یک تک تیرانداز حکم مرگ و زندگی دارد. اگر هدف را اشتباه بزند حتماً هدف بعدی خودش است.

۲ـ ارائهٔ گزارش اطلاعات به فرمانده یا دیده‌بان به توپخانه

۳ـ متوجه شدن گزارش فرمانده و سایر همرزمان

۱ـ Distance estimation

روش‌های تخمین مسافت

۱ـ تخمین مسافت به وسیلهٔ نقشه

برای این‌کار ابتدا به‌وسیلهٔ خط‌کش فاصلهٔ بین دو نقطهٔ موردنظر را روی نقشه اندازه‌گیری می‌کنیم، سپس فاصلهٔ به‌دست آمده را با استفاده از مقیاس نقشه تبدیل به مسافت حقیقی روی زمین می‌کنیم. بدین صورت که فاصلهٔ روی نقشه را در مخرج مقیاس ضرب می‌کنیم؛ فاصلهٔ دو نقطه در طبیعت به‌دست می‌آید.

گفتنی است که برای استفاده از نقشه، ابتدا باید نقطهٔ موردنظر را روی نقشه مشخص کنیم و هر چه دقیق‌تر این کار را انجام دهیم، مسافت به‌دست آمده دقیق‌تر خواهد بود.

مثال: فاصلهٔ بین دو نقطهٔ A و B روی نقشه برابر با ۴ سانتی‌متر است. اگر مقیاس نقشه (یک‌پنجاه هزارم ۱/۵۰۰۰۰) باشد، فاصلهٔ حقیقی دو نقطه چقدر است؟



فاصله افقی در طبیعت بر حسب سانتی‌متر ۲۰۰۰۰۰ = ۵۰۰۰۰ × ۴

فاصله افقی در طبیعت بر حسب متر ۲۰۰۰ = ۱۰۰ ÷ ۲۰۰۰۰۰

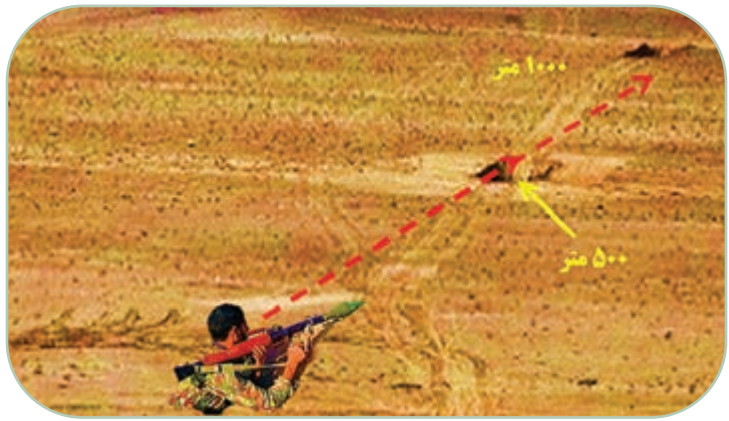
فاصله افقی در طبیعت بر حسب کیلومتر ۲ = ۱۰۰۰ ÷ ۲۰۰۰

۲ـ تخمین مسافت با یگان صد متری

برای این کار باید فاصلهٔ صد متری را با تمرین‌های مکرر در ذهن خود داشته باشیم؛ به‌طوری که این فاصله ملکهٔ ذهن می‌شود. برای تخمین مسافت، یک مسافت صد متری را روی زمین تجسم می‌کنیم و بعد تعیین می‌کنیم از محلی که قرار گرفته‌ایم تا هدف چندتا از این اندازه‌ها وجود دارد. گفتنی است که مسافت‌های صد متری بعدی کوچک‌تر به نظر می‌رسند.



از این روش برای تخمین مسافت تا فاصلهٔ ۵۰۰ متری استفاده می‌شود و برای تعیین مسافت‌های ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ متر ابتدا نقطه‌ای در نیمه راه هدف انتخاب می‌شود و آنگاه با استفاده از روش بالا مسافت تا هدف به‌دست می‌آید.



۳ـ تخمین مسافت از روی شکل ظاهری رزمنده با تجهیزات همراه

در شرایط عادی هوا، یک نفر با چشم سالم قادر است مشخصات زیر را از یک رزمندهٔ ایستاده در مسافت‌های مختلف تشخیص دهد.

- در مسافت ۱۰۰ متر، نفر به‌خوبی دیده می‌شود و صورت او قابل تشخیص است.
- در مسافت ۲۰۰ متر قسمتی از تجهیزات انفرادی فرد از قبیل قمقمه، کوله‌پشتی، بیل و... دیده می‌شود.
- در مسافت ۳۰۰ متر نوع لباس و جنگ‌افزار نفر به خوبی دیده می‌شود.
- در مسافت ۴۰۰ متر سر از بدن جدا دیده می‌شود و حرکات دست و پا به‌خوبی محسوس است.
- در مسافت ۵۰۰ متر سر فرد مانند نقطهٔ سیاهی در روی بدن دیده می‌شود.
- در مسافت ۶۰۰ متر سر و بدن به شکل خط سیاهی که قسمت بالای آن کم عرض و پایین آن عریض‌تر است، دیده می‌شود.

در مسافت‌های بالاتر چون ضریب خطا خیلی زیاد است، این روش جواب نمی‌دهد.

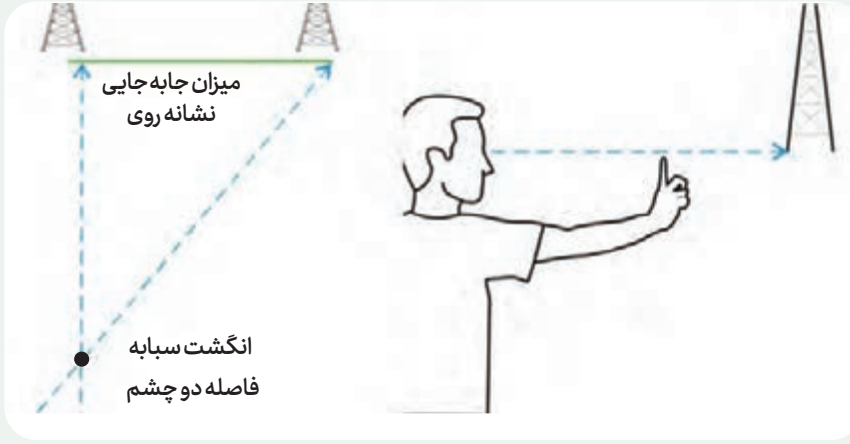
این روش واقعاً سرگرم‌کننده است و حتی در زندگی عادی هم کاربرد دارد. شما با نگاه کردن به شخصی که به شما نزدیک یا دور می‌شود، می‌توانید حدس بزنید فاصله‌اش تا شما چقدر است.



فعالیت

با مشورت معلم و استفاده از منابع دیگر، راه‌های دیگر تخمین مسافت را توضیح دهید.

۱ـ تخمین مسافت با استفاده از دو چشم و انگشت اشاره



۲ـ تخمین مسافت با کلاه نقاب‌دار



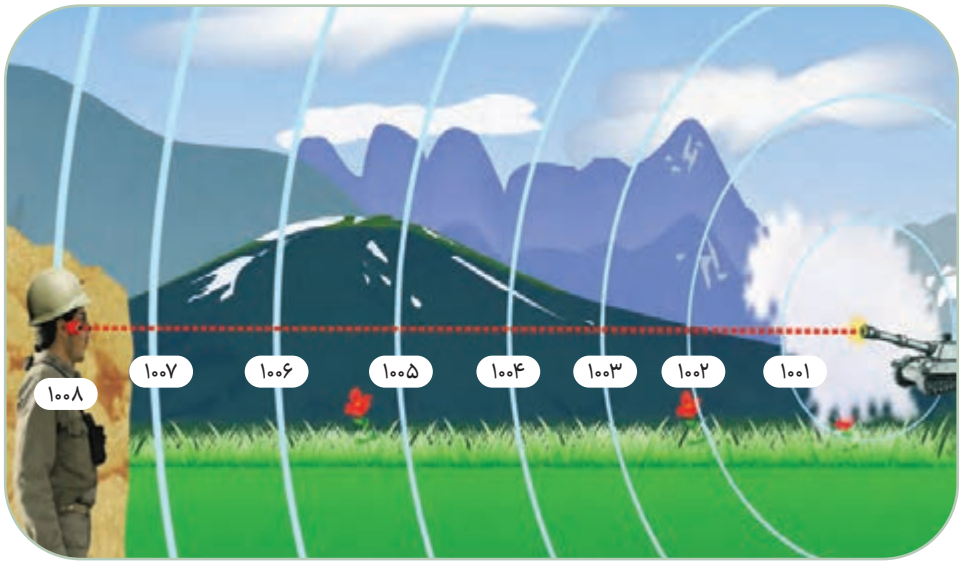
۳ـ قدم شمار

- در زمین‌های صاف هر ..... قدم معمولی مساوی ۱۰۰ متر است.
- در زمین‌های سر بالایی هر ..... قدم معمولی مساوی ۱۰۰ متر است.
- در زمین‌های شیب و سرازیری هر ..... قدم معمولی مساوی ۱۰۰ متر است.

۴ـ تخمین مسافت با استفاده از نور و صدا

سرعت نور حدوداً ۳۰۰,۰۰۰ کیلومتر بر ثانیه و سرعت صوت ۳۳۱ متر بر ثانیه است. از اختلاف سرعت نور و صدا می‌توان فاصلهٔ منبع نور تا خودمان را حدس بزنیم. بدین ترتیب که در شب به محض دیدن برق دهانهٔ یک جنگ افزار، شروع به ثانیه شماری (۱۰۰۱، ۱۰۰۲، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴، ...) می‌کنیم و به مجرد اینکه صدای شلیک گلوله را شنیدیم، شمارش را قطع می‌کنیم و عددی را که با ثانیه شماری به‌دست آورده‌ایم، در ۳۳۱ ضرب می‌کنیم؛ فاصلهٔ تقریبی ما تا جنگ‌افزار بر حسب متر به‌دست می‌آید؛ مثلاً اگر فاصلهٔ بین دیدن نور تا شنیدن صدا، ۳ ثانیه باشد، یعنی اینکه فاصله شما تا هدف ۹۹۰ متر است. دقت کنید که موقع شمارش ثانیه اگر به ۱۰۱۰ رسیدید دوباره از اول شمارش کنید.

تذکر: منظور از صدای شلیک، صدای اصابت گلوله نیست؛ بلکه صدای شلیک قبضهٔ موردنظر است.



منظور از سرعت صوت، سرعت موج صوتی در دمای صفر درجه است. سرعت صوت با افزایش دما بیشتر و با کاهش دمای هوا کمتر می‌شود. سرعت دقیق صوت با رابطهٔ زیر به دست می‌آید:

سرعت صوت در دمای صفر درجه + ۰/۶ دمای هوا = سرعت صوت

از این روش تخمین مسافت می‌توان در روز نیز استفاده کرد، بدین صورت که با مشاهدهٔ گردوغبار حاصل از شلیک گلوله شروع به ثانیه شماری کرده و با شنیدن صدای شلیک ثانیه شماری را قطع کنیم و سپس عدد ثانیه شماری را در ۳۳۱ ضرب کنیم؛ مسافت تخمینی به‌دست می‌آید.

از این روش می‌توان برای تخمین فاصله خود با محل صاعقه نیز استفاده کرد؛ به این ترتیب که به محض مشاهدهٔ برق صاعقه تا زمان شنیدن صدای رعد کافی است، ثانیه‌ها را بشمارید و تعداد ثانیه‌ها را در عدد ۳۳۱ ضرب کنید.عدد حاصل بیانگر فاصله شما از محل وقوع رعد و برق است. این فن (تکنیک) «برق تا رعد»[۱] نام دارد که می‌تواند شما را در هوای بارانی از صاعقه‌زدگی در امان نگه دارد.

۱ـ Flash-to-bang

فعالیت

راه‌پیمایی تاکتیکی روزانه حرکت در زمین‌های باز با انجام اقدامات ایمنی و تأمینی در روز به مسافت ۴ کیلومتر.

- تمرین حرکات نظام جمع شامل ایستادن، از جلو نظام، خبردار، آزاد، به چپ چپ، به راست راست، عقب گرد و از راست نظام.
- جهت‌یابی در روز با استفاده از خورشید، شاخص یک متری، ساعت عقربه‌دار، درختان و سایر روش‌ها به تشخیص معلم.
- تخمین مسافت در روز با استفاده از یگان صد متری، شکل ظاهری افراد و سایر روش‌ها به تشخیص معلم.

مهارت‌های اولیه زندگی در شرایط سخت

«مهارت‌های اولیه زندگی در شرایط سخت» که به آنها «مهارت‌های بقا هم می‌گویند»، بیش از هر چیزی نیازمند اصولی مانند: آمادگی ذهنی و جسمی، توکل به خداوند، شناسایی و مأنوس شدن با محیط، حفظ خونسردی و... است تا سلامتی و امنیت شما در شرایط اضطراری را تضمین کند پس سعی کنید این مهارت‌ها را با مطالعه و پیگیری وتمرین کسب نمایید.

مهارت‌های بقا به‌صورت عمومی در دوره‌های آموزش عمومی نظامی، و به‌صورت تخصصی و مفصل در دوره‌های آموزش نظامی تکاوری آموزش داده می‌شود. در اینجا فقط سه عنوان از عناوین مهارت‌های اولیه زندگی در شرایط سخت شامل: افروختن آتش، تهیه آب سالم و تهیه غذا را با هم بررسی می‌کنیم:

فعالیت

با مشورت هم‌کلاسی‌ها و راهنمایی معلم خود منابعی را (مانند فیلم‌ها، کتاب‌ها، تارنماها و...) که از طریق آنها می‌توانید دانش و مهارت‌های زندگی در شرایط سخت را در خود تقویت نمایید فهرست کنید.

افروختن آتش

آتش یکی از اولین نیازهای بشر است که گرما، نور، حفاظت از حیوانات وحشی و روشنی برای پختن غذا و امکان ضدعفونی کردن را فراهم می‌کند.
افروختن آتش نیازمند دانش و مهارت است. شما باید بدانید چگونه با استفاده از ابزارهای مختلف، مانند ایجاد اصطکاک، سنگ چخماق، ذره‌بین، عینک، کیسه حاوی آب، یخ و... آتش روشن کنید. برای این کار انتخاب مواد سوختی مناسب از جمله چوب خشک، برگ‌ها و شاخه‌های ریز اهمیت دارد.

فعالیت

با استفاده از تجارب اطرافیان و بررسی منابع شامل کتابچه‌های آموزشی یا فیلم‌های موجود در فضای مجازی و... انواع روش‌های افروختن آتش را بررسی کنید و در کلاس نشان دهید.



تهیه آتش، با متمرکز کردن نور خورشید

تهیه آب سالم

دسترسی به آب سالم یکی از مهم‌ترین جنبه‌های بقا است. شما باید بدانید چگونه آب را از منابع طبیعی مانند رودخانه‌ها، چشمه‌ها، باران، برف، شبنم، رطوبت موجود در هوا و آب موجود در گیاهان جمع‌آوری و تصفیه کنید.

تصفیه شامل تصفیه فیزیکی (زلال کردن آب) و تصفیه میکروبی است. استفاده از روش‌های تصفیه میکروبی مانند جوشاندن و یا استفاده از قرص‌های تصفیه آب می‌تواند به جلوگیری از بیماری‌های ناشی از آب آلوده کمک کند.

همچنین از طریق علائمی مانند نمناکی زمین و ردیابی آب از طریق حیوانات (رفتارشناسی پستانداران، پرندگان، خزندگان و حشرات نسبت به آب) می توان منابع آب را کشف نمود.

یکی از روش‌های تهیه آب روش تقطیر است، به این صورت که گودالی به عمق ۴۰ سانتی‌متر در زمین حفر کنید و در ته گودال لیوان و یا کاسه‌ای قرار دهید. سپس روی گودال را با یک تکه پلاستیک کاملاً بپوشانید و دور تا دور پلاستیک را نیز با خاک بپوشانید سپس یک سنگ بسیار کوچک در وسط پلاستیک قرار دهید به‌گونه‌ای که سنگ ریزه دقیقاً از دید بالا در وسط لیوان قرار داشته باشد.



تهیه آب با روش تقطیر

از این طریق در اثر تابش و گرما، خاک رطوبت خود را از دست می‌دهد و بخار آب حاصل در برخورد با پلاستیک به شکل قطرات ریز درون لیوان می‌چکد. اگر گودال بزرگ‌تری آماده کنید و درون آن را از شاخ و برگ گیاهان تر پر نمایید می‌توانید آب بیشتری به‌دست آورید.



نحوهٔ زلال کردن آب (تصفیه فیزیکی)

فعالیت

با استفاده از تجارب اطرافیان و بررسی منابع شامل کتابچه‌های آموزشی یا فیلم‌های موجود در فضای مجازی و... انواع روش‌های تهیه آب سالم در شرایط اضطرار را بررسی کنید و در کلاس ارائه دهید.

تهیه غذا



پخت نان در طبیعت

یکی از مهم‌ترین مهارت‌ها برای بقا، توانایی شناسایی گیاهان و حیوانات خوراکی است.
آشنایی با گیاهان محلی و توانایی تشخیص گیاهان خوراکی از سمی، شناخت دانه‌ها، ساقه‌ها و ریشه‌های خوراکی گیاهان در شرایط تهدید بقا امری حیاتی است.

همچنین، دانستن روش‌های شکار و ماهیگیری به شما اجازه می‌دهد تا از منابع پروتئینی موجود در طبیعت استفاده کنید. استفاده از دام‌ها و تله‌ها، شناخت ردپای حیوانات، نحوه و توانایی استفاده از ابزارهای ساده برای شکار و ماهیگیری می‌تواند شما را در تأمین غذا یاری دهد. همین طور نحوهٔ پخت انواع غذاها و نان می‌تواند در هنگام ضرورت به شما کمک کند.
یادگیری روش‌های جمع‌آوری، ذخیره‌سازی و نگهداری غذا از دیگر جنبه‌های مهم زندگی درشرایط سخت است. مهارت‌هایی مانند خشک کردن میوه‌ها و سبزیجات، دودی کردن یا نمک سود کردن گوشت‌ها و قرار دادن مواد غذایی در خاک می‌تواند برای نگهداری غذا به شما کمک کند.

فعالیت

با استفاده از تجارب اطرافیان و بررسی منابع شامل کتابچه‌های آموزشی یا فیلم‌های موجود در فضای مجازی و... انواع روش‌های تهیه غذا و پخت نان در شرایط اضطرار را بررسی کنید و در کلاس ارائه نمایید.

توصیه

هنگامی که با مدرسه یا خانواده به اردو یا دامن طبیعت می‌روید سعی کنید مهارت‌های زندگی در شرایط سخت را تمرین کنید.
همچنین در محیط خانه با مسئولیت‌پذیری و مشارکت در انواع کارها و امورات خانه و خانواده (آشپزی، امورات فنی، مسائل اقتصادی، امور مسافرتی و تفریحی و...) خود را توانمند و آماده زندگی واقعی نمایید.

یادی از تکاوران شجاع کشورمان

همان‌طورکه اشاره شد، زندگی در شرایط سخت یکی از سرفصل‌های آموزشی دوره‌های نظامی تکاوری است. تکاوران شجاع کشورمان در ارتش وسپاه خدمات ارزشمندی به کشور عزیزمان ارائه داده‌اند و شهدای سرفرازی را تقدیم مام میهن کرده‌اند؛ شهدایی مانند: شهید، **سردارِ سرتیپ، محمد ناظری** از تکاوران سپاه و شهید **امیرِ سرتیپ، حسن آبشناسان** از تکاوران ارتش.



شهید سردارِ سرتیپ محمد ناظری



شهید امیرِ سرتیپ حسن آبشناسان فرمانده لشگر ۲۳ نیروهای مخصوص ارتش جمهوری اسلامی ایران

فعالیت

در مورد زندگی و رشادت‌های سردارِ شهید محمد ناظری و امیرِ شهید حسن آبشناسان مطالبی به اندازهٔ دو صفحه تهیه و در کلاس ارائه نمایید.

درس هفتم

پدافند غیرعامل



یک رؤیا

... نیمه شب سرد پاییزی است. خواب می‌بینم دشمن به بسیاری از شهرها و روستاها حملهٔ هوایی و میکروبی کرده است. در این حال عدم آمادگی مردم و غافلگیری مردم بحران‌هایی ایجاد کرده و مشکلات زیادی را به‌بار آورده است. آب‌رسانی، روشنایی، وسایل کمک‌های اولیه و دارو از جملهٔ این کمبودها و مشکلات است. اعضای خانواده‌ام به شدت آسیب دیده یا مفقود شده‌اند. در اوج نگرانی و سردرگمی از خواب عرق سرد، بر پیشانی‌ام نشسته است. صدها بار خدای یکتا را شکر می‌کنم و خوشحال می‌شوم که خواب دیده‌ام و... .

نکته

اگر فرد مذکور خواب ندیده بود و در عالم بیداری چنین وقایعی اتفاق می‌افتاد، چه باید می‌کرد؟

تاریخ زندگی بشر همواره با پدیدهٔ جنگ همراه بوده و دفاع نیز برای مقابله با حمله‌ها و هجوم‌ها، با حیات بشری آمیخته بوده است.

انسان‌های اولیه برای در امان ماندن از تهاجم حیوانات وحشی و دیگر دشمنان و همچنین برای کاستن از نگرانی‌های خود به غارها، بالای درختان و دیگر مخفیگاه‌های طبیعی پناه می‌بردند. به علاوه، ایجاد خندق در اطراف شهرها و ایجاد قلعه‌ها و دروازه‌های مستحکم برای پیشگیری از حملات غافلگیرانهٔ دشمن، از شیوه‌های رایج دفاعی در زمان‌های قدیم بوده است.

بیشتر بدانید

«پدافند غیرعامل در آینه تاریخ و اسطوره‌ها»

۱ـ اسطوره اسب تروا مربوط به جنگ یونانیان و مردم شهر تروا.

۲ـ خداوند به حضرت داوود ساخت زره را تعلیم می‌دهد تا از آسیب‌های جنگ در امان باشد.







... و ما به او ساخت زره را تعلیم نمودیم تا شما را از آسیب جنگ در امان بدارد. پس آیا از شکر گزارانید؟

سورهٔ انبیاء، آیهٔ ۸۰

۳ـ ایران با توجه به موقعیت ویژه خود در طول تاریخ مورد طمع دشمنان بوده است و به منظور در امان ماندن از خطر، مردم به ساخت دژ، قلعه، برج و بارو، رباط، ارگ، کهن‌دژ، دربند، خندق و دروازه روی آورده‌اند که از گونه‌های مختلف معماری سنتی ایران است.





یکی از جنگ‌های معروف اسلام، جنگ خندق (احزاب) است. پیامبر اسلام حضرت محمد ﷺ یارانش را برای مشورت دربارهٔ چگونه دفاع کردن از مدینه جمع کرد و هرکدام نظری دادند؛ ولی تنها پیشنهاد سلمان فارسی مورد قبول رسول خدا ﷺ قرار گرفت که حفر خندق دور شهر مدینه برای جلوگیری از نفوذ و حملهٔ دشمن به شهر بود. مسلمانان با اجرای این پیشنهاد که بهترین شیوهٔ دفاعی در آن شرایط بود، توانستند در جنگ خندق پیروز شوند.

کشور پهناور ایران در طول تاریخ به دلیل ویژگی‌های جغرافیایی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی و قرار گرفتن در منطقهٔ حساس خاورمیانه و بهره‌مندی از ذخایر طبیعی، همواره در معرض حوادث طبیعی و غیرطبیعی زیادی قرار داشته است و در نتیجه، خسارات مالی و جانی زیادی نیز از این راه، به کشورمان وارد شده است. از این‌رو است که دفاع در برابر حوادث غیرطبیعی و تهدیدهای انسانی برای ما ضروری و بسیار مهم است؛ به‌طوری که رهبر شهید انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در این باره می‌فرمایند: «دفاع جزئی از هویت یک ملّت زنده است، هر ملّتی که نتواند از خود دفاع کند زنده نیست».

تعریف و دسته‌بندی دفاع (پدافند)

۱ـ دفاع (پدافند) عامل

مقابله و مبارزهٔ مستقیم و استفاده از سلاح به منظور دفع حملات و اقدامات جنگی دشمن پدافند عامل نامیده می‌شود. دفاع عامل یا مستقیم مخصوص زمان جنگ است که توسط افراد آموزش دیده، با کمک وسایلی مثل اسلحه، موشک، تانک و هواپیما، صورت می‌گیرد.

۲ـ دفاع (پدافند) غیرعامل

پدافند غیرعامل مجموعه اقداماتی است که بدون استفاده از تجهیزات جنگی می‌توان انجام داد تا از واردشدن تلفات جانی به افراد و زیان اقتصادی به مراکز و تأسیسات حیاتی و مهم کشور جلوگیری کرد، یا آنها را به حداقل کاهش داد.



فعالیت

شما به‌عنوان یک نوجوان تا چه حدّی آمادگی دارید که در زمان حملهٔ دشمن، از خود، خانواده و دیگران دفاع کنید؟ به‌نظر شما چه کاری باید انجام داد؟

دفاع یا پدافند غیرعامل برای مقابله با تهاجمات دشمن و کاهش خسارات ناشی از حملات زمینی، هوایی و دریایی صورت می‌گیرد. پالایشگاه‌ها، نیروگاه‌ها، فرودگاه‌ها، مراکز سیاسی مهم، مراکز اصلی مخابراتی و ارتباطی، پل‌های مهم، پایگاه‌های هوایی و مراکز و ایستگاه‌های رادیویی و تلویزیونی نقاطی هستند که در زمان جنگ، مورد توجه و حملهٔ دشمن قرار می‌گیرند.

کشور ما خانهٔ بزرگ ماست. بنابراین همهٔ افرادی که در این کشور زندگی می‌کنند، نباید اجازه دهند دشمن به سرزمینشان آسیب برساند.

در همین باره خداوند در آیهٔ ۶۰ سورهٔ مبارکه انفال به ما دستور داده است که هرقدر می‌توانیم، نیرویمان را جمع کنیم و همیشه آمادهٔ دفاع از سرزمینمان باشیم.

فعالیت

پدافند غیرعامل را در سایر کشورها بررسی کنید.

روش‌ها و راهکارهای پدافند غیرعامل

روش‌ها و راهکارهای پدافند غیرعامل شامل مجموعه اقداماتی است که با استفاده از آنها می‌توان به اهداف پدافند غیرعامل دست یافت. در ادامه به شش مورد از آنها اشاره می‌کنیم:

۱ـ استتار: استتار به معنای هم‌رنگ و هم‌شکل‌کردن تأسیسات، تجهیزات و نیروی انسانی با محیط اطراف است به گونه‌ای که شناسایی آن برای دشمن بسیار دشوار و تا حدودی غیرممکن باشد؛ مانند استفاده از بادگیر سفید در محیط برفی. استتار از مؤثرترین روش‌های دفاع غیرعامل در دنیاست. برای استتار از وسایلی مانند رنگ، تور، شاخه و برگ درختان و... استفاده می‌شود.






۲ـ اختفا: اختفا یا پنهان‌کاری به اقداماتی گفته می‌شود که از قرار گرفتن تأسیسات، تجهیزات و نفرات در دید مستقیم دشمن جلوگیری به عمل می‌آورد؛ مانند پنهان‌کردن هواپیماهای جنگی در تونل.





در جریان هجرت پیامبر ﷺ از مکه به مدینه با استفاده از اختفا و فریب که از اصول پدافند غیرعامل است، دشمنان رسول گرامی اسلام نتوانستند به آن حضرت دسترسی پیدا کنند.

روش‌های اختفا عبارت‌اند از:

الف) استفادهٔ مناسب از عوارض زمین و احداث تأسیسات در محلی که به سهولت قابل تشخیص و مشاهده نباشد.

ب) عادی و غیرمهم جلوه دادن تأسیسات با کارهایی مانند جدول‌بندی، درخت‌کاری و...

۳ـ پراکندگی: پراکندگی به معنای پخش کردن و عدم تجمع نیروها، تجهیزات و تأسیسات به منظور کاهش آسیب‌پذیری آنها در مقابل عملیات دشمن است؛ برای مثال:

اگر می‌توانیم چند پالایشگاه در کشور بسازیم بهتر است آنها را در چند شهر با فاصلهٔ زیاد از هم بسازیم.

٤ـ فریب: فریب یعنی انجام کارهایی که فکر و دید دشمن را از اهداف اصلی و مهم به سوی اهداف فرعی و غیراصلی و کم‌اهمیت منحرف کند؛ مانند نصب نمونک (ماکت) تجهیزات جنگی در نقاط مختلف. این نمونک‌ها از چوب، مقوا یا پلاستیک ساخته می‌شوند.



نمونک‌هایی (ماکت‌هایی) از تجهیزات جنگی



نمونه‌ای از پناهگاه‌های عمومی

۵ـ مکان‌یابی: از اقدامات اساسی و مهم پدافند غیرعامل، انتخاب محل مناسب برای ایجاد تأسیسات حیاتی و مهم کشور است. ایجاد این تأسیسات در دشت‌های هموار، کنار بزرگراه‌ها و جاده‌های اصلی و در نزدیکی مرزها موجب شناسایی و آسیب‌پذیری آنها در برابر تهدیدات دشمنان می‌شود.

٦ـ مقاوم‌سازی و استحکامات: یکی از کارهای مفیدی که در زمان صلح می‌توان انجام داد تا در زمان حادثه از آن استفاده شود، ساخت مکان‌هایی است که در مقابل بمب و موشک مقاوم باشد و آثار ترکش و موج انفجار را تا حدود زیادی خنثی کند. بنابراین احداث پناهگاه در مجتمع‌های مسکونی و اداری و همچنین ساخت پناهگاه‌های عمومی در شهرها، یکی از اقدامات مفیدی است که باعث حفظ جان انسان‌ها در زمان وقوع حادثه می‌شود.

فعالیت

با توجه به هریک از روش‌ها و راهکارهای پدافند غیرعامل مثال‌هایی در حوزه‌های نظامی فردی که یک رزمنده از آن استفاده می‌کند و نیز حوزه‌های شهری بزنید.

رعایت پدافند غیرعامل دو فایده مهم زیر را به همراه دارد:

۱ـ قدرت دفاعی کشور را افزایش می‌دهد و باعث حفظ مراکز و تأسیسات مهم جامعه می‌شود.

۲ـ هرچه توان و قدرت دفاع غیرعامل کشور بیشتر باشد، احتمال تهاجم دشمنان کمتر می‌شود.

فعالیت

شما اگر ایمن‌سازی محل زندگیتان (شهر، شهرک، محله یا روستا) را برعهده بگیرید، چه اقداماتی انجام می‌دهید؟ (به‌صورت جزئی با توجه به ویژگی‌های نمای محل زندگی بررسی کنید.)

درس هشتم

جنگ پنهان



زندگی جدید، جنگ جدید

هر روزی که می‌گذرد زندگی ما پیچیده‌تر می‌شود. فناوری‌های نوین، فضای مجازی، هوش مصنوعی و صدها ابزاری که چند دهه پیش به خیال کسی نمی‌آمد، حالا در همهٔ ابعاد زندگی ما نفوذ کرده‌اند. طبیعی است که با این پیچیدگی‌ها، جنگ‌ها هم دستخوش تغییر شوند. روزگاری نه چندان دور، وقتی دو کشور با هم اختلاف پیدا می‌کردند، سربازها را به خط مقدم می‌فرستادند و با تانک‌ها و هواپیماها بر سر هم می‌زدند. ولی امروزه دیگر این اتفاقات فقط بخش کوچکی از ماجراست. در درس اول، هنگامی که با انواع تهدیدها آشنا شدید، دانستید که امروزه معمولاً تهدیدهای متعددی به

صورت هم‌زمان و در کنار همدیگر به کار گرفته می‌شوند «تهدید ترکیبی» یا «جنگ ترکیبی»؛ ترکیبی از تهدید و جنگ در عرصه‌های مختلف زندگی مثل اقتصاد، سیاست، رسانه، فضای مجازی، فرهنگ و... است.

در یک جنگ ترکیبی، کشور مهاجم مجموعه‌ای از اقدامات مختلف نظامی و غیرنظامی را به شکل هم‌زمان و هماهنگ علیه کشور دیگر انجام می‌دهد؛ هدفش هم ایجاد فشار، بی‌ثباتی و شکاف میان مردم و حکومت آن کشور و در نهایت، تسلیم آنها با کمترین درگیری نظامی است.

ویژگی‌های اصلی این نوع جنگ‌ها عبارت است از:

۱ـ **تکثر جبهه‌ها و ابزارها:** از تحریم‌های اقتصادی و عملیات رسانه‌ای تا نفوذ و تهدید نظامی

۲ـ **اثرگذاری غیرمستقیم:** تمرکز بر تغییر رفتار جامعه و حاکمیت با حداقل ورود مستقیم به میدان جنگ کلاسیک.

۳ـ **پیوستگی و استمرار:** فشار به‌صورت تدریجی و بلندمدت وارد می‌شود تا اراده ملّی فرسایش یابد.

۴ـ **کنترل ذهن‌ها و ایجاد روایت‌ها:** شکل‌دهی به ادراک جامعه، ایجاد سردرگمی و تحریف واقعیت‌ها.



در میان همه جبهه‌های جنگ ترکیبی، یکی از آنها از بقیه خیلی مهم‌تر است: «جنگ شناختی». اگر جنگ ترکیبی را یک دستگاه بزرگ و پیچیده تصور کنیم، موتور محرک این دستگاه، «جنگ شناختی» است.

جنگ شناختی را بهتر بشناسیم

دشمن در جنگ شناختی، می‌خواهد بر «شناخت» و «ادراک» جامعهٔ هدف خود تأثیر بگذارد تا طرف مقابل همان‌گونه فکر کند، تصمیم بگیرد و عمل کند که او می‌خواهد. هدف اصلی در این جنگ، فقط فریب دادن نیروهای نظامی حاضر در میدان نبرد نیست، بلکه تغییر باورها، ذهنیت‌ها و احساسات و عواطف عموم مردم و مسئولان جامعه و حتی نحوه فکر کردن آنهاست. مهم این است که هر کدام از بخش‌های یک جنگ ترکیبی، در صورت همراه شدن با جنگ شناختی، خیلی مؤثرتر می‌شوند: مثلاً یک تحریم اقتصادی زمانی موفق‌تر است که با یک عملیات شناختی همراه شود؛ برای مثال اگر مردم تأثیر چیزی مثل تحریم را بسیار بیشتر از واقعیت آن بدانند و رسانه‌های دشمن، به مردم القا کنند که این تحریم فلج‌کننده است، هیچ راهی برای بی‌اثر کردن آن وجود ندارد به این نوع اقدامات جنگ‌شناختی می‌گویند.

اگر در جنگ نظامی، دشمن می‌خواهد «سرزمین» را تصرف کند، در جنگ شناختی، می‌خواهد «ذهن و قلب» مردم را تصرف کند. به همین خاطر است این جنگ‌شناختی، یک جنگ نامرئی و پنهان است. در این جنگ، بدون شلیک حتی یک گلوله، اضطراب، ناامیدی، بی‌اعتمادی و درماندگی در جامعه گسترش پیدا می‌کند و مردم و حتی مسئولین آن جامعه به‌تدریج، توان تصمیم‌گیری صحیح و احساس امنیت درونی خود را از دست می‌دهند.



برای همین است که هر کدام از دیگر جبهه‌های یک جنگ ترکیبی، در صورت همراه شدن با جنگ شناختی، خیلی مؤثرتر می‌شوند: تحریم اقتصادی زمانی موفق‌تر است که با عملیات شناختی همراه شود و سبب گردد مردم تأثیر آن را بسیار بیشتر از واقعیت آن بدانند.

در این جنگ، ممکن است یک شایعه ساده در فضای مجازی، بیشتر از ده‌ها بمب، یک کشور را فلج کند؛ یا یک فیلم کوتاه دست‌کاری شده و جعلی، اعتماد مردم به یکدیگر را از بین ببرد یا یک پیامک ناشناس، وحشتی بزرگ‌تر از یک حمله نظامی ایجاد کند. دردناک‌تر اینکه، کسی که در جنگ شناختی آسیب ببیند، دیگر مثل شهید یا ایثارگر در جنگ نظامی، یک قهرمان وطن نیست، بلکه می‌تواند به یک خائن به وطن تبدیل شود!



همان‌طور که گذشت، جنگ شناختی فقط به رزمندگان نظامی مربوط نیست، بلکه جنگی است که در کف جامعه و در بین فردفرد اعضای آن در جریان است. پس همهٔ اعضای جامعه، باید روش‌ها و ابزارهای حمله شناختی دشمن را بدانند تا بتوانند خوب از خود دفاع کند و حتی در صورت نیاز و توانایی، بخشی از یک جنگ شناختی حساب شده علیه دشمن باشند. در این درس، ابتدا با دو شیوه از مهم‌ترین شیوه‌های جنگ شناختی (یعنی «شایعه و دروغ» و «درگیر کردن احساسات») آشنا خواهیم شد و سپس به این پرسش، پاسخ می‌دهیم که برای پیروزی در این میدان، باید چه‌کارهایی انجام دهیم؟

«طرف با نقشه وارد میدان شده، برنامه هم این است که کاری کنند که ملّت ایران عقیده‌اش بشود عقیدهٔ سران انگلیس و آمریکا و امثال اینها... دنبال این است که بر مغزها تسلّط پیدا کند، اگر مغز یک ملّتی را توانستند تصرف کنند، آن ملّت سرزمین خودش را دودستی به دشمن تقدیم می‌کند. برای این کار شروع می‌کند محتوای ذهنی برای ذهن فعال جوان درست کردن. این همه دروغ، حرف‌های انحرافی و تهمت برای این است.»

رهبر شهید انقلاب اسلامی آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای رضوان‌الله علیه

شایعه و دروغ

همیشه در جنگ‌ها، فریب دادن یکی از مهم‌ترین شیوه‌ها بوده است. «هنر جنگ» کتابی است از سان تزو، نویسنده چینی که ۶ قرن پیش از میلاد نوشته است. وی یک قانون طلایی برای جنگ در کتابش آورده است: «اساس جنگ‌ها بر پایه فریب استوار است». او می‌گوید «وقتی به دشمن نزدیک هستیم، باید او را متقاعد کنیم که دوریم؛ و وقتی دور هستیم، باید او را به این باور برسانیم که نزدیک هستیم». در این نگاه، هدف از فریب دادن، ایجاد خطای محاسباتی در ذهن فرماندهان حریف است تا در میدان نبرد، تصمیم نادرست بگیرند.

یکی از مهم‌ترین و رایج‌ترین راه‌های فریب در جنگ‌ها، از زمان‌های قدیم تا امروز، ایجاد شایعه است. البته شایعه در جنگ‌های قدیم و کلاسیک، با شایعه در دوره و زمانهٔ ما که دوره جنگ شناختی است تفاوت دارد.

سایه خاموش



در اعماق تاریک اقیانوس اطلس، در جنگ جهانی دوم، زیردریایی آلمانی «سایه خاموش» همچون شبحی بی‌صدا پیش می‌رفت. انگلستان، که در برابر این تهدید درمانده شده بود، یک شایعه ساده را سر زبان‌ها انداخت: «سایه خاموش شناسایی و نابود شده است». انگلیسی‌ها می‌خواستند با دقت، واکنش‌ها را زیر نظر بگیرند و ببینند زیردریایی کجاست و چه کسی از وجود این زیردریایی بی‌نظیر خبر دارد. این شایعه، به سرعت در میان «متحدین» به ویژه آلمان‌ها پیچید. در میان این هیاهو، فرمانده «سایه خاموش»، در یک لحظه فریب خورد و اشتباه مرگباری انجام داد؛ یعنی پیام کوتاهی فرستاد: «ما زنده هستیم.» ... همین پیام سبب شد «سایه خاموش» دیگر در تاریکی پنهان نماند؛ زمزمه‌های اقیانوس، راز آن را فاش کرده بودند.

شایعه، به عنوان سلاحی نامحسوس و قدرتمند، به هدف خود رسیده بود: کشف موقعیت‌ها، ارتباطات و امکانات دشمن.

در جنگ‌های قدیم و کلاسیک، معمولاً هدف از شایعه، فریب دادن نیروهای نظامی و فرماندهان آنها بود، ولی در یک جنگ شناختی، شایعه فقط برای فریب نیروهای نظامیِ در میدان نیست، بلکه ذهن‌ها و احساسات تک‌تک مردم و مسئولان کشور هدف گرفته شده است. جالب اینجاست که براساس تحقیقات، شایعات و اخبار نادرست نه‌تنها سریع‌تر، بلکه عمیق‌تر و گسترده‌تر از اخبار واقعی منتشر می‌شوند. نتیجه چنین فریبی می‌تواند بی‌اعتمادی مردم به حکومت و نیروهای نظامی، اختلاف بین مسئولان، ترس و دلهره عمومی، خطا در محاسبه و تحلیل و در نتیجه تصمیم‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی اشتباه باشد.

دقت داشته باشید که شایعات همیشه ظاهری ساده و قابل تشخیص ندارد، بلکه از شیوه‌های پیچیده استفاده می‌شود که ظاهری به شدت موجه دارد. برای نمونه، ذهن انسان معمولاً در برابر «عدد، درصد و نمودار» زودتر خلع سلاح می‌شود. شایعه‌سازان برای «انکار واقعیت» آن‌قدر با اعتمادبه‌نفس اطلاعات و آمارهای گزینشی را به خورد شما می‌دهند که به چشم‌ها و محاسبات عقلی خودتان هم شک کنید. یادتان باشد آمارها دروغ نمی‌گویند، اما شایعه‌سازها آمار دروغ می‌سازند!

فعالیت

با مراجعه به خبرگزاری‌ها و شبکه‌های اجتماعی، چند نمونه از شایعه‌هایی را که در جنگ ۱۲ روزه و جنگ رمضان از سوی دشمن ساخته شده و گسترش پیدا کرد پیدا کنید. این شایعه‌ها، چه پیامدهایی در جامعه داشت؟
به نظر شما راهکار مواجهه درست با شایعه چیست؟

عملیات پرچم دروغین

یک نمونه دیگر استفاده از دروغ و فریب، عملیات «**پرچم دروغین**»[1] است. در «پرچم دروغین»، یک دولت یا گروه، عمداً اقدامی مانند خرابکاری یا عملیات نظامی انجام می‌دهد، اما مسئولیت آن را به گردن طرف دیگری می‌اندازد. هدف از این عملیات، معمولاً ایجاد بهانه برای حمله بعدی، توجیه اقدامات شدیدتر، ایجاد اختلاف در داخل یک کشور، دستکاری افکار عمومی یا جلب حمایت افکار عمومی برای یک اقدام خاص است.

۱ـ False Flag

یک نمونه از عملیات پرچم دروغین در جنگ رمضان، انفجار در منطقه مسکونی سِتره در بحرین بود که ابتدا، فرماندهی مرکزی ارتش تروریست آمریکا در منطقه (سِنتکام) ادعا کرد پهپاد ایرانی عامل این انفجار بوده، اما بعداً مشخص شد که این انفجار، ناشی از اصابت موشک رهگیر آمریکایی بوده است.

فعالیت

در مورد حمله پهپادی به سفارت آمریکا در عربستان در جریان جنگ رمضان تحقیق کنید. آیا این حمله پرچم دروغین بود؟ اگر پاسخ مثبت است تحلیل شما از دلایل این حمله چیست ؟



حمله پهپادی به سفارت آمریکا در عربستان

عملیات «پرچم دروغین» همیشه در میانه جنگ نیست بلکه با اهداف فرهنگی سیاسی طراحی می‌شود. در یک ماجرای مشهور، مأموران اطلاعاتی اسرائیل در مصر مأمور شدند تا با بمب‌گذاری در اماکن آمریکایی و بریتانیایی در قاهره و اسکندریه، این اقدامات را به گردن گروه‌های مبارز مسلمان و سایر گروه‌های مبارز مصری بیندازند. هدف، بر هم زدن روابط مصر با کشورهای دیگر بود. این عملیات لو رفت و به استعفای وزیر دفاع وقت اسرائیل انجامید. دولت اسرائیل سال‌ها بعد رسماً به این عملیات اعتراف کرد.

فعالیت

۱ـ فیلم کوتاه رمزینه را ببینید و با توجه به شیوه پرچم دروغین و با کمک معلم خود در مورد مصادیق آن در تاریخ ایران یا کشورهای دیگر به گفت‌وگو بپردازید.

۲ـ کلاس را به چند گروه تقسیم کنید به هر گروه یک «خبر پرچالش اخیر» داده می‌شود. هر گروه باید فهرستی از پرسش‌های زیر را دربارهٔ پروندهٔ خود پاسخ دهد:

- چه کسی این ادعا را مطرح کرده و چه منفعتی از طرح آن دارد؟
- آیا شواهد و اسناد قابل اتکایی وجود دارد؟ در مورد آن گفت‌وگو کنید.
- آیا شرایط زمانی و... برای تحقق این رویداد با روایت ارائه شده هم‌خوانی منطقی دارد؟
- اگر این خبر اشتباه باشد، چه اتفاقی می‌افتد؟

احساسات به عنوان جنگ‌افزار

در جنگ شناختی همیشه کار با منطق پیش نمی‌رود. یکی از ستون‌های مهم این نبرد، «دست‌کاری احساسات» است. احساسات، ابزار قدرتمندی برای زندگی انسان است، اما گاهی می‌تواند به مانعی برای «کشف حقیقت» تبدیل شود. لازم نیست دشمن با «منطق ذهنی» طرف مقابلش بجنگد، بلکه اگر بتواند اختیار احساسات او را به دست بیاورد، فکر او را هم خودش طراحی خواهد کرد. ولی چرا این اتفاق می‌افتد؟ به زبان ساده، معمولاً خیلی از انسان‌ها عاشق خبرهای عجیب و تازه هستند، خبرهایی که حس غافلگیری یا تعجب و شگفتی به همراه دارند. همچنین بیشتر مردم، خبر منفی را سریع‌تر باور می‌کنند و خبرهای مبهم را خودشان کامل می‌کنند. این وضعیت یعنی وقتی احساسات فعال می‌شود، تمایل شخص برای فکر کردن و جست‌وجوی شواهد و دلایل برای خبر، کم می‌شود و دوست دارد که با همان احساساتش، درباره آن خبر داوری کند. به عبارت دیگر، در اینجا جنگ شناختی از یک اصل روانشناختیِ ساده استفاده می‌کند:

تحریک احساسات ← باورپذیری بدون مدرک



به علاوه، این درگیر شدن احساسات باعث می‌شود که ما خودمان بخشی از زنجیره بشویم و چنین اخباری را (که معمولاً اخبار جعلی هستند)، بدون تأمل و بررسی کافی، برای افراد بیشتری بفرستیم. کسی که احساساتش درگیر شده، گاهی حتی با دیدن شواهد نادرستی خبر و یا تکذیب آن از طرف مراجع مطمئن، به راحتی نمی‌تواند باور اولی خودش را اصلاح کند.

بیشتر بدانید



داعش و راهبرد شوک و خشونت

یکی از مهم‌ترین جریان‌های تروریستی دو دههٔ اخیر، گروه تکفیری داعش بود که به تدبیر سردار قهرمان، شهید قاسم سلیمانی شکست خورد. راهبرد این گروه دو مرحله داشت: آنها ابتدا با نمایش خشونت‌های وحشیانه، ترس در دل مردم می‌انداختند، چون به خوبی می‌دانستند رسانه‌های جهانی، عاشق خبرهای شوک‌آور هستند و اخبار آنها را زود منتشر می‌کنند. برای همین، خشونت‌هایشان را طوری صحنه‌گردانی می‌کردند که شبکه‌های خبری، ناخواسته تبلیغ قدرت آنها را می‌کردند. سپس، گاهی با کمترین تعداد سربازان، به خاطر ترسی که به جان مخاطبشان انداخته بودند، به راحتی منطقه مدنظرشان را اشغال می‌کردند.

در شرایط ترس و اضطراب هم عقل از کار می‌افتد، هم اراده مقاومت. برای همین در روایتی توصیه شده است: با آدم ترسو در هیچ کاری مشورت نکن، زیرا که راه نجات از مشکل را بر تو می‌بندد.[1] گاهی شایعهٔ قدرت افسانه‌ای دشمن باعث می‌شود شکست، قبل از نبرد رقم بخورد. سربازانی که «باور» کنند نمی‌توانند پیروز شوند، حتی در صورتی که از نظر سلاح، تعداد و توانمندی نظامی برتر باشند، باز هم شکست خواهند خورد.

۱ـ «لَا تُشَاوِرَنَّ جَبَاناً فَإِنَّهُ يُضَيِّقُ عَلَيْكَ الْمَخْرَجَ» (علل الشرایع، ج ۱، ص ۹۵۵)

فعالیت



در جنگ‌های تحمیلی دوم و سوم ایران با آمریکا و رژیم صهیونیستی، این شیوه در موارد متعددی به کار رفت. شما چه نمونه‌هایی از این شیوه جنگ شناختی را از سوی دشمن به یاد دارید؟ این موارد را با هم در کلاس بررسی کنید.
به این تصویر دقت کنید. این تصویر در پاسخ به کدام شگرد رسانه‌ای و کدام جمله رئیس جمهور آمریکا در جنگ رمضان، در شبکه‌های اجتماعی فراگیر شد؟

در جنگ شناختی، قدرت تصویر از قدرت خبر بیشتر است. یک عکس مبهم، یک ویدئوی کوتاه یا یک صدای لرزان، اثرش از ده خبر رسمی بیشتر است؛ چون مستقیماً به احساس مخاطب وصل می‌شود، نه به منطق و فکرش!

اشباع نفرت؛ تحمیل سکوت

یکی دیگر از نمونه‌های درگیر کردن احساسات به عنوان یک شیوه جنگ شناختی، دامن زدن به حس نفرت به وسیله خشونت کلامی و فحاشی (خصوصاً در فضای مجازی) است. در نگاه اول، ممکن است این رفتارها را «خشم فروخورده» یا «هیجانات سیاسی» برخی از مردم ناراضی تحلیل کنیم، اما حقیقت پیچیده‌تر از این حرف‌هاست. در جنگ شناختی،



دشنام دادن، برچسب‌های توهین‌آمیز و تهدیدها به ابزارهایی تبدیل شده‌اند که هدف از آنها، ایجاد نفرت، دور کردن مخاطب از فضای تفکر و تأمل، ساکت کردن، خسته کردن و در نهایت حذف او از میدان است.

بر اساس پژوهش‌ها بسیاری از آنچه تحت عنوان فحاشی در فضای مجازی دیده می‌شود، نه یک واکنش عصبیِ لحظه‌ای، بلکه یک «راهبرد مهندسی‌شده» برای سرکوب تفکر انتقادی است. وقتی فضای گفت‌وگو به توهین تبدیل شود، آدم‌ها ترجیح می‌دهند عطای بحث و بررسی عاقلانه را به لقایش ببخشند.

حالا در فضای مجازی، دشمن از همین نقطه ضعف استفاده می‌کند. با بمباران کامنت‌های منفی، لایک‌های هماهنگ و حساب‌های جعلی، این توهم را ایجاد می‌کنند که «همه» یک نظر خاص را دارند. در نتیجه، کسانی که نظر متفاوتی دارند چون از توهین و طرد می‌ترسند، به ناچار سکوت می‌کنند. جامعه‌ای که مدام با این بمباران روانی روبه‌روست، کم کم قدرت تشخیص راست از دروغ را از دست می‌دهد.



فرایند جنگ شناختی احساسی



حمله شناختی برای تهییج احساسات، یک فرایند زنجیره‌ای، حساب‌شده و چندلایه است که از طراحی پیامِ هدفمند شروع می‌شود و با انتشارِ بی‌وقفه و استفاده از اصل تکرار مداوم، تحریک احساسات و در نهایت، مسدود کردنِ فرصتِ تفکر، به اوج می‌رسد.

مراحل این فرایند عبارت اند از:

- **مرحلهٔ اول:** ابتدا دشمن یک «نقطهٔ ضعف احساسی» در مخاطب پیدا می‌کند یعنی چیزی که همه از آن می‌ترسند یا به آن حساس‌اند (مثل ترس از خطر، نگرانی برای خانواده، یا احساس بی‌عدالتی). سپس پیام را برای تحریک همین احساسات با کلمات پرشور و تصاویر تکان‌دهنده طراحی می‌کند.
- **مرحلهٔ دوم:** یک پیام اگر صرفاً در یک رسانه و یا شبکه اجتماعی منتشر شود معمولاً فراموش می‌شود، اما اگر همان پیام از ده‌ها صفحه و کانال مختلف، هم‌زمان و پشت‌سرهم منتشر شود، ذهن ما ناخودآگاه فکر می‌کند: «اگر همه‌جا این را می‌گویند، پس حتماً واقعی و مهم است.» این دقیقاً همان اصلی است که تبلیغات تجاری هم از آن استفاده می‌کنند.
- **مرحلهٔ سوم:** در این مرحله، هدف دیگر «آگاه‌کردن» شما نیست؛ هدف این است که شما را عصبانی، هراسان یا هیجان‌زده نگه دارد. چون وقتی ذهن در حالت هیجان شدید است، بخش تحلیلگر و منطقی‌اش کمتر فعال می‌شود. آدم عصبانی یا هراسان، کمتر می‌پرسد که «آیا این واقعاً درست است؟» و بیشتر واکنش نشان می‌دهد.
- **مرحلهٔ چهارم:** این آخرین و خطرناک‌ترین مرحله است. وقتی پیام‌ها پشت‌سرهم، با فوریت بالا و بار احساسی شدید می‌آیند، دیگر زمانی برای «مکث و بررسی» باقی نمی‌ماند. مخاطب احساس می‌کند باید همان لحظه واکنش نشان دهد، پسند (لایک) کند، بازنشر کند، عصبانی شود یا تصمیم بگیرد؛ بدون آنکه فرصت کند بپرسد «واقعاً این پیام درست است یا نه؟» پیام‌هایی که با عباراتی مثل «همین الان قبل از حذف‌شدن ببینید!» یا «فوری فوری!» همراه‌اند، دقیقاً طراحی شده‌اند تا شما را از فکرکردن باز بدارند.

ما کجای این میدان هستیم؟

مواجهه با جنگ شناختی فقط وظیفه نهادها و رسانه‌های رسمی نیست. تک‌تک افراد یک جامعه باید نقش خودشان را ایفا کنند؛ همه ما به عنوان سربازان این مرز و بوم، باید با توانمندی در جنگ شناختی و سواد رسانه‌ای به‌عنوان تولیدکنندهٔ محتوا و یا به‌عنوان توزیع‌کننده محتوا، آگاهانه و مسئولانه عمل کنیم.

یک دفاع شناختی خوب

با توجه به آنچه در مورد فرایند جنگ شناختی آشنا شدید، راه‌حل برای یک دفاع شناختی خوب چیست؟

در یک کلمه: «مکث و تفکر!». قبل از اینکه یک مطلب در فضای مجازی را «لایک» بزنی یا آن را برای دوستانت بفرستی، ده ثانیه مکث کن و از خودت بپرس: این پیام چقدر احساسات من را درگیر کرده؟ منبع آن چقدر معتبر است؟ خود محتوا چقدر می‌تواند معقول باشد؟ چند منبع اصلی دیگر آن را منتشر کرده‌اند؟ و...

این مکث ساده، قوی‌ترین سلاح تو در جنگ شناختی است. با همین چند ثانیه توقف، می‌توانی جلوی نشر یک شایعه را بگیری، از یک کلاهبرداری جلوگیری کنی و یا مانع از شکل‌گیری یک تشنج در جامعه بشوی.



فعالیت

با راهنمایی معلم خود در مورد هر یک از روش‌های جنگ شناختی بحث کنید و برای آن مصادیقی پیدا کنید.

دسته‌بندی	برخی شگردهای مشهور	مصادیق این روش‌ها را با راهنمایی معلم بیان کنید
روش‌های مبتنی بر محتوا	ـ شایعه هدفمند ـ اخبار دروغین و جعلی (عکس، فیلم، تیتر) ـ محتوای پر از نفرت	
روش‌های مبتنی بر فناوری	ـ کاربرهای جعلی ـ ربات‌های نظرگذار	
روش‌های روانشناختی	ـ ایجاد ترس و وحشت ـ تأکید بر «مهلت محدود برای نشر»	

«آزمایشگاه احساسات»

با توجه به توضیحاتی که گذشت، یک هفته گذشته را بررسی کنید. چه اخباری احساسات شما را در این یک هفته درگیر کرده است؟ چند تیتر خبری واقعی (از منابع مختلف، بدون افشای نام رسانه) انتخاب شود.

۱ـ دانش‌آموزان در گروه‌های دو یا سه‌نفره باید هر تیتر را زیر یکی از برچسب‌های زیر دسته‌بندی کنند

احساس	نمونه خبر
ترس‌محور	
خشم‌محور	
ناامیدکننده	
خنثی و خبری	

۲ـ از اعضای هر گروه خواسته می‌شود همان خبر را به شکل «خنثی و خبری» بازنویسی کنند. این تمرین نشان می‌دهد چگونه یک واقعیت واحد می‌تواند با کلمات متفاوت، احساسات متفاوتی برانگیزد.

تذکر مهم

لزوم واقع بینی رسانه‌ای

یادت باشد وقتی یک شایعه در فضای مجازی پخش می‌شود، با خودمان می‌گوییم: «وای، مردم چقدر زودباورند که این را پسند (لایک) می‌کنند.» غافل از اینکه شگردهای رسانه‌ای، ذهن ما را هم مثل بقیه هدف قرار داده‌اند؛ بارها فریب خورده‌ایم اما متوجه نشده‌ایم. در حقیقت یکی از خطاهای ذهن ما در مواجهه با اخبار مختلف این توهم است که تبلیغات، اخبار جعلی و رسانه‌ها فقط روی «دیگران و البته آدم‌های ساده‌لوح» تأثیر می‌گذارند، اما ما آن‌قدر باهوشیم که فریب نمی‌خوریم! باور کنیم هیچ‌کس در برابر شگردهای شناختی و اخبار جعلی کاملاً ایمن نیست. همیشه در نظر بگیرید شما هم ممکن است به اندازه بقیه آسیب‌پذیر باشید؛ این قدم مهمی است که باعث می‌شود از ضربه‌های جنگ شناختی در امان باشید.

کارنامه ما در جنگ شناختی



درست است که دشمن ما با شایعه و دروغ به جنگ شناختی علیه مردم و کشور ما می‌پردازد ولی ما هم منفعل ننشسته‌ایم و علاوه بر مقاومت در برابر آن در حرکتی رو به جلو و تهاجمی افکار جامعه جهانی را تحت‌تأثیر قرار می‌دهیم. برای مثال در نبرد میان ایران، آمریکا و رژیم صهیونیستی، روایت این نبرد از میان قطعات پلاستیکی و فانتزی لگو و در قالب انیمیشن به جهان مخابره شد و توانست انحصار تصویرسازی غرب را در هم بشکند. این اثر توانست پیچیده‌ترین استراتژی‌های نظامی و پیام‌های دفاعی ایران را در بسته‌بندی آشنا و محبوب غربی‌ها به خانه‌های آنها بفرستد.

روزنامه گاردین در این زمینه نوشت: «پیروزی وایرالی؛ ایران در جنگ‌های شبکه‌های اجتماعی، سرزمین مردان فناوری را شکست می‌دهد». روزنامه فارن پالیسی یکی از معتبرترین نشریات در حوزه سیاست خارجی در آمریکا نیز نوشت: «ایران در حال پیروزی در جنگ وایب است. هم‌زمان با شلیک موشک، ترکیبی از میم‌های اینترنتی، ویدیوهای ساخته‌شده با هوش مصنوعی، مداحی‌های فارسی و موسیقی‌هایی انگلیسی کفه تبلیغات ایران را در جنگ سنگین کرده است». البته در این جنگ ایران در تولید محتوا تنها نبود و بسیاری از مردم سایر کشورها هم در تولید این محتواها به نفع ایران فعال شدند.



فعالیت

۱ـ آیا پویا نمایی‌های لگویی را دیده‌اید؟ به نظرتان کدام یک در جنگ شناختی جذاب‌تر ساخته شده بود؟

۲ـ آیا شما نمونه‌های مشابه دیگری از این نوع تولیدات در قالب انیمیشن‌های مینیون‌ها و... را سراغ دارید؟

با شروع جنگ علیه ایران، سفارتخانه‌ها و نمایندگی‌های کشورمان در مناطق مختلف جهان به جای بیانیه‌های رسمی و محکومیت‌های خشک دیپلماتیک، به سبکی نو و با رویکردی خلاقانه و طنزآمیز، جنگ روایت‌ها را علیه زورگویی‌های ترامپ ایجاد کردند.



فعالیت

نمونه‌هایی از فعالیت‌های سفارتخانه‌های ایران در جنگ رمضان را در کلاس مرور کنید و جذاب ترین آنها را به نظرسنجی اعضای کلاس بگذارید.

درس نهم

امداد و نجات



سنگر بچه‌های محل

امسال من و علی به کلاس نهم می‌رویم. علی بچه‌محل زرنگ من و هم‌کلاسی درس‌خوان مدرسهٔ ماست. وقتی جنگ شروع شد، آقا مرتضی پدر علی، در بمباران دشمن زخمی شد که خدا را شکر زخمش کاری نبود و الان حالش بهتر شده است. آقا مرتضی از افسران بسیار ورزیدهٔ نیروی انتظامی است که هر وقت مشکلی برای امنیت کشور پیش می‌آید، اولین داوطلبِ مواجهه با خطر و دفاع از میهن محسوب می‌شود. مادر علی هم از اعضای جمعیت هلال‌احمر و داوطلب همیشگی کمک به مردم در مواقع ضروری است.

به پیشنهاد فرشته خانم، خواهر بزرگ‌تر علی، که دورهٔ آموزشی هلال احمر را دیده بود، ما هم این دوره را گذراندیم و کلی مطالب به درد بخور یاد گرفتیم.

یادم می‌آید از بچگی هر وقت علی، من را به خانه‌شان دعوت می‌کرد، مادرش زینب خانم، بعد از پذیرایی همیشگی و ابراز محبت مادرانه، از خاطراتش در کمک‌هایی که در مخاطرات طبیعی مثل زلزله به همراه جمعیت هلال‌احمر انجام داده بود برایمان تعریف می‌کرد.



تصویر گوشه‌ای از خسارت‌های زمین‌لرزهٔ «اِزگِله» در استان کرمانشاه

در بیان یکی از این خاطرات، زینب خانم تعریف می‌کرد: «هیچ‌وقت یادم نمی‌رود که در آبان ۱۳۹۶، بر اثر زلزله‌ای در اِزگِله استان کرمانشاه، حدود هفتاد هزار نفر بی‌خانمان شدند. این زلزله که به بزرگی ۷/۳ ریشتر بود به هفت شهر و ۱۹۳۰ روستا خسارت زد و جان ۶۲۰ نفر از هموطنان ما را گرفت». در اینجا اشک توی چشمان زینب خانم پُر شد و بغض راه گلویش را بست. ما بچه‌ها سرمان را پایین انداختیم و من به فکر فرو رفتم: «آیا می‌شود از تلفات زلزله جلوگیری کرد؟ از این‌همه خسارت و این تعداد کشته!». توی این فکر بودم که زینب خانم ادامه داد: «در این امدادرسانی، ارتش و سپاه، واقعاً سنگ تمام گذاشتند و ما بچه‌های هلال احمر هم در کنارشان از جان مایه گذاشتیم تا به آسیب‌دیدگان کمک کنیم».

من پرسیدم: «زینب خانم! می‌شود بگویید برای مواجهه با آسیب‌های ناشی از زمین‌لرزه باید چه‌کار کنیم؟» زینب خانم با مهربانی جواب داد: «بهترین روش برای مصون‌ماندن از آسیب‌های زلزله، آموزش برای کسب آگاهی و مهارت‌های لازم و انجام مانورهای عملی است. آخرین مانور زلزله در آذرماه ۱۴۰۴ که آموزش و پرورش با کمک هلال‌احمر در مدارس سراسر کشور انجام داد خیلی به آموزش عملی ایمنی در برابر زلزله کمک کرد. هدف مانور این بود که دانش‌آموزان یاد بگیرند چه رفتاری در هنگام لرزش زمین انجام دهند؛ از جمله مسیرهای خروج امن را بشناسند؛ بعد از لرزش زمین، چه کارهایی را انجام دهند و چه کارهایی را انجام ندهند؛ و از قبل با نقش دستگاه‌های امدادی در این‌گونه مواقع آشنا شوند». فرشته خانم، خواهر علی، گفت: «مامان میشه بیشتر توضیح بدین».

زینب خانم لبخندی زد و گفت: «بله، در توضیح بیشتر باید بگویم برای آمادگی در برابر زلزله، نیاز است که از قبل گروهی برای مقابله با این مخاطره، آماده شده باشند. این امر مهم به «شورای ایمنی در برابر زمین‌لرزه» واگذار شده است».

آشنایی با وظایف شورای ایمنی در برابر زمین‌لرزه

الف) گروه تدارکات و پشتیبانی

گروه تدارکات و پشتیبانی با هدف فراهم آوردن امکانات و تجهیزات مورد نیاز و برقراری دوره‌های آموزشی و پشتیبانی مناسب، تشکیل می‌شود.

ـ وظایف گروه ـ

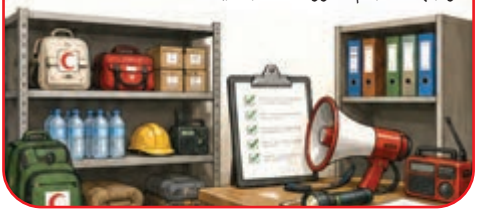
۱ـ تهیهٔ فهرست از نزدیک‌ترین مراکز امدادی و درمانی، آتش‌نشانی، نیروی انتظامی و... به همراه شمارهٔ تلفن و نشانی

۲ـ تهیهٔ وسایل ضروری گروه‌های دیگر

۳ـ کنترل کردن اسامی و تعداد دانش‌آموزان (بعد از زمین‌لرزه نباید کسی بدون هماهنگی از محیط مدرسه خارج شود).

۴ـ ایمن‌سازی محیط مدرسه

حال دربارهٔ وظایف گروه بحث و گفت‌وگو کنید تا آمادگی لازم را جهت انجام مانور داشته باشید.



ب) گروه نجات و امداد

بعد از وقوع زمین‌لرزه ممکن است در اثر ریزش آوار، شکستن شیشه‌ها و... افرادی که در جاهای نامناسب قرار دارند، مجروح شوند؛ بنابراین، گروه نجات و امداد با هدف کمک به مجروحان و مصدومان تشکیل می‌شود.

ـ وظایف گروه ـ

۱ـ امدادرسانی به مجروحان

۲ـ انتقال مجروحانی که جراحت‌های عمیق دارند، به مراکز درمانی

۳ـ سخن گفتن با مصدومان و روحیه و امید دادن به آنها

۴ـ اسکان و تعیین مکان مناسب برای دانش‌آموزان (به دور از ساختمان‌ها و دیوارها، جایی مانند وسط حیاط مدرسه).



پ) گروه جست‌وجو

پس از هر زمین‌لرزه، احتمال خراب شدن ساختمان‌ها، ریزش آوار و حبس شدن افراد در مکان‌های مختلف وجود دارد. این گروه با هدف جست‌وجو برای یافتن افرادی که در موقعیت‌های خطرناک قرار دارند، تشکیل می‌شود.

ـ وظایف گروه ـ

۱ـ جست‌وجو برای یافتن مجروحان و افراد گمشده

۲ـ جلوگیری از ورود افرادبه داخل ساختمان (این گروه باید از ورود افراد به مکان‌های پرخطر جلوگیری کنند).

۳ـ انتقال مجروحان به جای مناسب (افراد این گروه باید دوره‌های هلال‌احمر را نیز بگذرانند و انواع حمل مجروح را با توجه به نوع جراحت فرا بگیرند).

۴ـ بررسی ساختمان از نظر نشت گاز، قطع برق و شکستن لوله‌های آب



ت) گروه آتش‌نشان

پس از وقوع زمین‌لرزه، احتمال نشت گاز، اتصال سیم‌های برق و در نهایت آتش‌سوزی وجود دارد؛ بنابراین گروه آتش‌نشان با هدف کنترل و نظارت برای افزایش ایمنی تشکیل می‌شود.

ـ وظایف گروه ـ

۱ـ خاموش کردن آتش

۲ـ بررسی ساختمان از نظر احتمال آتش‌سوزی

۳ـ بررسی ساختمان از نظر احتمال خطرهای بعدی (برق‌گرفتگی، نشت گاز و...).



در اینجا زینب خانم نفسی تازه کرد و به چهرهٔ پرسش‌گر ما خیره شد. بعد از مکثی کوتاه ادامه داد: «اما واکنش ما به زمین‌لرزه این است که اولاً نترسیم، ثانیاً برق و گاز را قطع کنیم و ثالثاً به‌سرعت خودمان را به سرپناهی برسانیم. اگر در آپارتمان هستیم از راه‌پله استفاده کنیم و وارد آسانسور نشویم. در سرپناه هم که می‌رویم دست‌هایمان را روی سرمان بگذاریم. کارهای دیگر هم هست نزدیک جاهای خطرناک داخل ساختمان، مثل پنجره‌ها نشویم، از قفسه‌های کتاب و ظروف و چیزهای بُرنده و سنگین دوری کنیم، و از همه مهم‌تر همیشه یک کیف امداد همراهمان باشد».

علی پرسید: «اگر خدای نکرده کسی زیر آوار مونده باشه، چی؟».

زینب خانم با ناراحتی گفت: «ان‌شاءالله که برای کسی پیش نیاید؛ ولی اگر این اتفاق افتاد و متوجه شدید کسی زیر آوار مانده، اولین وظیفهٔ شما "سکوتِ مطلق در محیط" برای شنیدنِ علائم کمک از طرف اوست. تمام افراد را به سکوت دعوت کنید تا بتوانید صدای ناله، ضربه یا تنفس مصدوم را بشنوید. به محض یافتن محل تقریبی شخص زیر آوار مانده، با صدای بلند و آرام با او صحبت کنید و به وی اطمینان دهید که تنها نیست و نیروهای امدادی در راهند. این کار باعث جلوگیری از شوک عصبی و تنظیم ضربان قلب او می‌شود که برای زنده ماندن در فضای کم اکسیژن، بسیار حیاتی است».



زینب خانم بعد از کمی مکث ادامه داد: «باید از فرد زیر آوار مانده بخواهید به‌جای فریادزدن، با وارد کردن ضربات منظم به یک جسم فلزی یا دیوار، موقعیت مکانی خود را اعلام کند. اگر او را می‌شناسید نامش را صدا بزنید و از او بخواهید اگر می‌تواند، وضعیتِ اعضای بدنش را (مانند اینکه آیا دست و پای خودش را حس می‌کند یا نه؟) اعلام کند. باید به یاد داشته باشیم که در این مرحله، "ارتباط کلامی مستمر" قوی‌ترین طنابی است که فرد زیر آوار مانده را به زندگی متصل نگه می‌دارد. باید اطلاعات دقیق از تعداد افراد زیر آوار مانده و محل حدودی آنها را فوراً به شمارهٔ ۱۲۵ یا ۱۱۲ اعلام کنید».

بیابید

یکی از زلزله‌هایی را که در ایران رخ داده است انتخاب کنید و بررسی نمایید که پس از زلزله امدادگران هلال احمر تا چه میزانی توانسته‌اند به آسیب دیدگان زلزله یاری رسانند. میزان تلفات و خسارات این زلزله چقدر بوده است؟

آمادگی در برابر زمین لرزه

تجربه ثابت کرده است که روش‌های پیشگیری و آمادگی، نقش مؤثری در کاهش خسارات ناشی از زلزله دارد. یکی از محورهای مهم برای محقق نمودن روش‌های پیشگیری و آمادگی در به حداقل رساندن خسارات ناشی از زمین‌لرزه، آشنایی همگانی با زمین‌لرزه است.
بی‌تردید شناخت پدیدهٔ زمین‌لرزه و داشتن الگوهای مناسب برای آمادگی و مقابلهٔ جمعی و فردی از قبل، در هنگام و بعد از زمین‌لرزه، می‌تواند از آثار مخرب آن بکاهد.

الف توصیه‌های ایمنی قبل از زلزله

۱ به توصیه‌های ایمنی دبیران و والدین، عمل کنید.



۲ پیشنهادهای مطرح‌شده در مدرسه را به خانه منتقل کنید و بالعکس.



۳ دربارهٔ زلزله و راه‌های مقابله با آن به‌صورت انفرادی یا گروهی مطالعه کنید و نتایج آن را به‌صورت مقاله، روزنامهٔ دیواری، عکس، نقاشی، کاریکاتور و... به اطلاع دیگران برسانید.



۴ نقاط ضعف و قوت مدرسه و خانه را بررسی کنید و آن را به مدیر مدرسه و والدین اطلاع دهید و جهت رفع نقایص به آنها کمک کنید.



۵ در ایام تابستان و اوقات فراغت، در کلاس‌های حضوری و مجازی هلال احمر و بسیج شرکت کنید.



۶ مکان‌های کم‌خطر در کلاس و خانه را جهت پناه‌گیری در هنگام زلزله، بررسی کنید و به خاطر بسپارید. این مکان‌ها را به سایرین نیز معرفی کنید.



۷ مانور زلزله را حداقل دوبار در سال در مدرسه و خانه انجام دهید.



۸ روش‌های امداد حیات را از دبیران و افراد متخصص فرا بگیرید و آن را به هم‌کلاسی‌ها و اعضای خانواده بیاموزید.



۹ به‌صورت انفرادی یا گروهی، کیف ایمنی را تهیه کنید و در اختیار مدرسه قرار دهید.



۱۰ تهیهٔ کیف ایمنی، جعبهٔ کمک‌های اولیه و کپسول آتش‌نشانی را به والدین نیز پیشنهاد دهید.



۱۱ روش‌های مهار آتش را به خوبی فراگیرید.



۱۲ مکان شمارگر (کنتور) آب، برق و گاز را در خانه و مدرسه به خاطر بسپارید تا در صورت لزوم نسبت به قطع آنها اقدام کنید (البته باید نحوهٔ کار با آنها را نیز یاد بگیرید).



۱۳ هرگونه مادهٔ آتش‌زا و خطرآفرین را از خانه به بیرون آن منتقل کنید.



۱۴ در خانه و کلاس، شیشه‌ها را با نوار چسب یا نایلون‌های بی‌رنگ، ایمن کنید.



۱۵ لوازم سنگین را به طبقات پایین قفسه‌ها و کمدها، انتقال دهید.



۱۶ قفسه‌ها و کمدها را به وسیلهٔ بست‌هایی به دیوار متصل کنید.



۱۷ روی لامپ‌های مهتابی، جهت جلوگیری از سقوط آنها، حفاظ قرار دهید.



۱۸ در راه‌پله و راهروی منزل، وسایلی مانند گلدان قرار ندهید تا هنگام خروج اضطراری، مزاحمت ایجاد نکنند.



۱۹ موارد زیر را در یک کارت یادداشت کنید و در کیف مدرسه، کیف پول یا کیف گردنبند قرار دهید:

- مشخصات فردی
- نشانی منزل
- تلفن‌های تماس ضروری
- گروه خونی
- بیماری‌های خاص و داروهای ویژه در صورت ابتلا



۲۰ با مراکز مرتبط با موضوع زلزله، جهت کسب اطلاعات و راهنمایی‌های لازم ارتباط برقرار کنید و نتایج حاصل را به دیگران اطلاع دهید.



ب توصیه‌های ایمنی هنگام وقوع زلزله

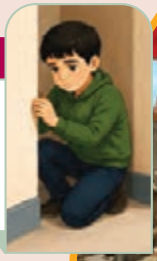
- خونسردی و آرامش خود را حفظ کنید.
- به سمت در خروج هجوم نبرید.
- از دستورات معلم و والدین اطاعت کنید.

داخل کلاس (اتاق)



- به زیر میز بروید و با دو دست، محکم پایه‌های میز را بگیرید.
- در گوشهٔ کلاس (اتاق) و زیر ستون‌های اصلی نیز می‌توانید پناه بگیرید.
- اگر در طبقات زیرزمین هستید، در مکانی امن جای بگیرید و تا پایان لرزش، آنجا بمانید.

داخل سالن



- به گوشهٔ سالن یا زیر ستون‌های اصلی بروید و خود را به دیوار بچسبانید.
- در راه‌پله با دو دست، سر را بگیرید، بنشینید و خود را به یک سمت پله بکشانید و از بالا یا پایین رفتن بپرهیزید.

داخل آزمایشگاه، کارگاه و کتابخانه



- از قفسه‌ها فاصله بگیرید.
- به زیر میز بروید و ضمن گرفتن پایه‌های آن، از سر خود محافظت کنید.
- ضمن حفظ آرامش، از دیوار و ساختمان مدرسه فاصله بگیرید.
- اگر میزی نیست، در جای مناسب بنشینید و با دو دست، سر خود را بگیرید.

در خیابان



- از ساختمان‌های بلند و تیرهای برق، فاصله بگیرید و در ضمن، مراقب اطراف باشید (مثل سایر افراد و اتومبیل‌ها و...)
- به فضای باز بروید و در مکانی امن، پناه بگیرید.
- اگر فضای باز و امن در دسترس نبود، در کنار خودروها که پارک شده‌اند بروید و بنشینید و با دو دست، از سر خود محافظت کنید.

پ توصیه‌های ایمنی بعد از زلزله



بعد از اتمام لرزش‌ها و پس از بررسی و اطمینان از وضعیت سلامتی خود، با احتیاط از محل خارج شوید و به محیط امنی بروید.



خونسردی و آرامش خود را حفظ کنید.



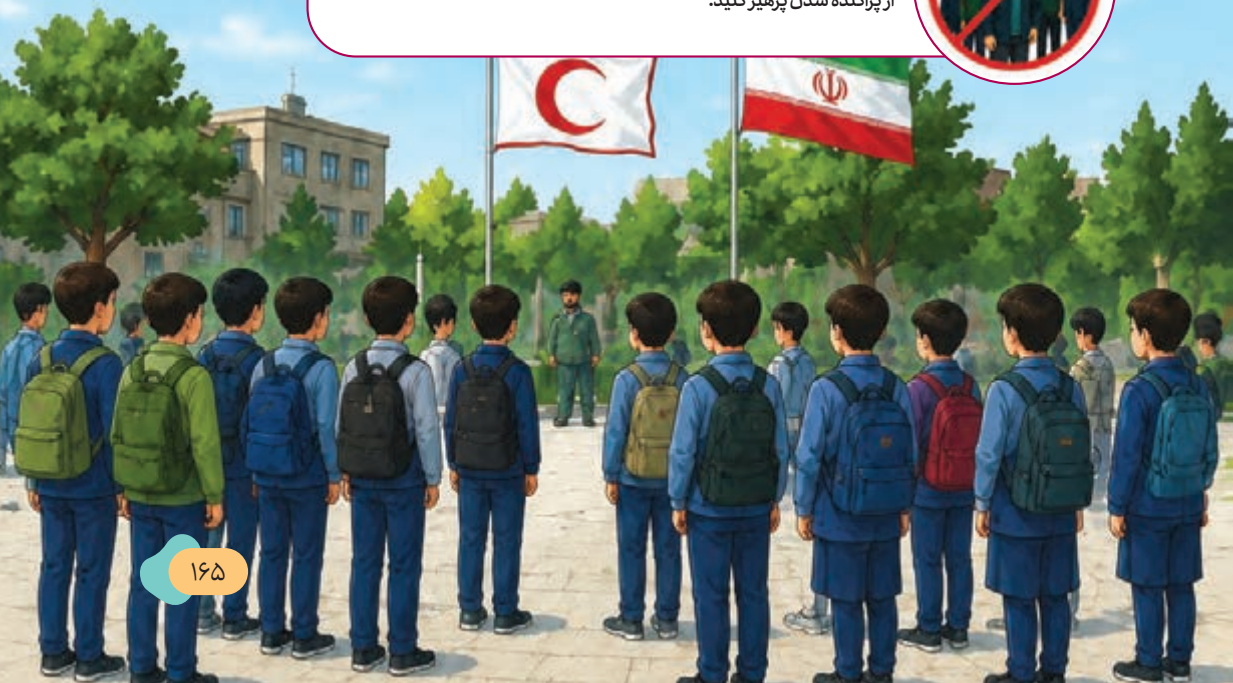
هم‌کلاسی‌ها و دبیر (یا اعضای خانواده که سالم هستند) را پیدا و با هماهنگی آنها عمل کنید.



در صورت آسیب‌دیدگی جزئی، به کمک دیگران خود را به‌صورت سرپایی مداوا کنید و سپس به کمک دیگران بشتابید.



از پراکنده شدن پرهیز کنید.



نکته

- هنگام وقوع زلزله در صورتی از جای خود حرکت کنید که مطمئن باشید حداکثر در عرض ۱۰ ثانیه به مکان امن، مثلاً به فضای آزاد خواهید رسید. در غیر این صورت در نزدیک‌ترین مکانی که امنیت نسبی دارد پناه بگیرید.
- در تمام حالات اگر نزدیک درِ خروجی طبقهٔ همکف هستید، با احتیاط خارج شوید و به فضای باز و مکان امن بروید و مراقب اشیای پرتابی از ساختمان‌ها باشید.
- در تمام حالات تا اتمام لرزش‌های زلزله در جای خود ثابت بمانید و پس از آن، ضمن اطمینان از سلامتی خود، با احتیاط از محیط بسته خارج شوید و به فضای باز و مکان امن بروید.

با شنیدن خاطرات شنیدنی زینب‌خانم، من و علی هم قرار گذاشتیم خاطرات روزهای ابتدای جنگ را بنویسیم تا یادمان بماند که چه کسی کارهای بیشتری برای نجات جان مردمِ محل، انجام داده است.

من خاطراتم را نوشتم که الان تقدیم شما می‌کنم:

محلهٔ ما یکی از محلات قدیم شهرمان محسوب می‌شود. پدر و مادر من هردو معلم‌اند. قبل از جنگ که رفته بودیم دورهٔ آموزشی هلال‌احمر ببینیم، در کتابچه‌ای که به ما داده بودند نوشته بود: برای مقابله با پیامدهای ویرانگر انفجارها و تخریب‌های ناشی از جنگ، ما نیازمند دانش و مهارتی هستیم که فراتر از دانش کمک‌های اوّلیهٔ معمولی است. همین یادگیری اصول کمک‌های اوّلیه در شرایط اضطراری و مدیریت صحیح آسیب‌های شرایط رزمی، نه‌تنها یک ضرورت حیاتی است، بلکه تکلیفی انسانی بر دوش ما است که برای نجات جان خود و همنوعان در شرایط سخت لازم داریم».

با خواندن این چند خط به فکر فرو رفتم که «اگر جنگ شروع بشه، از من و امثال من چه کاری برمیاد؟»؛ بعد یاد فیلمی افتادم که دربارهٔ امدادگران جنگ ساخته بودند. توی فیلم نشان می‌داد که برای نجات‌دادن یک نفر، داشتنِ علم و مهارت چقدر مهم است و بعضی‌وقت‌ها با یک کمک به‌موقع، می‌شود جان انسانی را نجات داد.

در کتابچهٔ هلال‌احمر دربارهٔ امنیت شخصی امدادگر نیز نوشته بود: «اوّلین وظیفهٔ هر امدادگر در شرایط امداد و نجات این است که خودش زنده بماند تا بتواند جان دیگران را از خطرات و آسیب‌های خطرناک نجات دهد». نکات این بخش، خیلی مهم بود و کلّی به درد ما خورد؛ چرا که در اوّلین روز جنگ، دشمن محلهٔ ما را بمباران کرد و مادربزرگ من که با ما زندگی می‌کند از صدای انفجارها چنان وحشت کرد که قلبش درد گرفت.

آن روز من بلافاصله با علی تماس گرفتم و گفتم از خواهرش بخواهد پیش مامان‌بزرگ بیاید و به او کمک کند. وقتی که فرشته‌خانم آمد خیالم خیلی راحت شد. علی به من گفت: «بیا ما هم بریم بیرون و ببینیم می‌تونیم به کسی کمک کنیم یا نه» و بعد کیف امدادرسانی را که خواهرش با خودش آورده بود برداشت و از خانه بیرون رفتیم.

به علی گفتم: «یادت باشه توی آموزش به ما می‌گفتند: تا زمانی که محیط، امن نشده یا تهدیدی مثل تیراندازی، آتش‌سوزی، احتمال ریزش آوار مجدد پابرجا باشد، امدادگری ممنوع است».



علی گفت: «یادم هست» و وارد کوچه که شدیم مثل برق‌گرفته‌ها، به کمی دورتر اشاره کرد و گفت: «آخ!! انگار خونهٔ آقای ادیب را زدند!».

با عجله درحالی‌که به این‌طرف و آن‌طرف نگاه می‌کردیم، به سمت دودی که به آسمان بلند شده بود، رفتیم. علی راست می‌گفت، خانهٔ آقای ادیب را، که بازنشستهٔ تأمین اجتماعی بود، زده بودند. بندهٔ خدا این خانه را تازه دوسال پیش خریده بود. جلوتر که رفتیم، صدای شیون می‌آمد و نگاه ما ناخودآگاه به آسمان بود که نکند باز بمب یا موشکی روی سرمان بریزند.

علی گفت: «نگاه کن! انگار عباس توی پیاده‌رو افتاده». هنوز غبار در هوا موج می‌زد. کمی که دقت کردم، من هم عباس را شناختم. داد زدم: «عباس! چطوری؟ خوبی؟»؛ ولی جز ناله، صدایی از عباس بلند نمی‌شد. به علی گفتم: «بیا بریم نجاتش بدیم».

به عباس که رسیدیم صدای ناله‌اش بلندتر شد. علی گفت: «نترس، الان کمکت می‌کنیم».
به علی گفتم: «قبل از هر کاری باید وضعیت عباس را بررسی کنیم؛ اول هوشیاریش را بسنجیم، بعد چگونگی تنفس و گردش خونش را بررسی کنیم. وقتی از این موارد مطمئن شدیم، در مرحلهٔ بعد دردهای دیگر، آسیب‌های احتمالی و وضعیت کلی‌اش را می‌پرسیم تا چیزی از قلم نیفتد».

فعالیت

خودتان را جای علی و دوستانش بگذارید و فکر کنید شما هم در شرایطی که آنها به‌سر می‌بردند قرار دارید. آیا شما هم می‌توانستید در وضعیت مشابه، دست به کارهایی بزنید که این بچه‌ها انجام دادند؟

من با اشارهٔ چشم، خون‌ریزی ساق پای عباس را نشان دادم. یادم آمد که در آموزش‌های هلال‌احمر به ما گفته بودند: «برای نجات مجروح هنگام خون‌ریزی باید با پارچهٔ تمیز، روی زخم را محکم فشار دهیم تا خون‌ریزی متوقف شود (برای مدت ۵ تا ۱۰ دقیقه باید این روش را ادامه داد). برای جلوگیری از انتقال برخی بیماری‌ها، از دستکش استفاده کنیم و از تماس مستقیم با خون و ترشحات بدن مجروح بپرهیزیم». برای همین، فوری از کیف امداد، یک جفت دستکش و دو تا باند استریل برداشتم و از عباس پرسیدم: «خیلی‌وقته خون‌ریزی داری؟» که با سر اشاره کرد: «نه».
الحمدلله عباس دچار شوک بعد از خون‌ریزی، یعنی رنگ‌پریدگی، پوست سرد و مرطوب و سرگیجه نشده بود. من برای جلوگیری از خون‌ریزی، به‌سرعت باندها را با فشار روی زخم پای عباس گذاشتم. اینجا بود که داد عباس بلند شد. به شوخی گفتم: «خب خداروشکر که هنوز زنده‌ای!».

بعد، از علی خواستم که نبض دست عباس را بگیرد. علی با دقت نبض را گرفت و با خوشحالی گفت: «نبضش طبیعی میزنه» و شروع کرد با عباس حرف زدن که مثلاً «می‌تونی راحت نفس بکشی؟» یا «جای دیگه‌ای درد داری؟» تا هم هوشیاریش را بسنجد و هم حواسش را پرت کند که من راحت‌تر



بتوانم کار جلوگیری از خون‌ریزی را انجام بدهم. مدتی بعد که خون‌ریزی را مهار کردیم و مشغول پانسمان پای عباس بودیم، تلفن علی زنگ خورد؛ فرشته‌خانم بود که می‌گفت: «کجایید؟ حال مامان‌بزرگ بهتر شده و ضربان قلب و تنفسش طبیعیه. اگر کمک می‌خواهید من هم بیام».

علی با اشارهٔ دست از من پرسید، چی جواب بدم. گفتم: «هنوز که امنیت برقرار نیست، بهتره خواهرت از منطقهٔ خطر دورتر بمونه».

علی با اشارهٔ سر، حرفم را تأیید کرد و به صحبت با خواهرش ادامه داد که دیدم دوتا از بچه‌های محلهٔ پایین به سمت ما می‌آیند. عباس که حالش کمی بهتر شده بود داد زد: برگردید! و به خانهٔ تخریب‌شدهٔ آقای ادیب اشاره کرد.

سعید و حمید از بچه‌های ده‌متری دوم بودند و معمولاً برای مسابقات گل‌کوچک به محلهٔ ما می‌آمدند؛ اما الان بعد از بمباران برای کمک به ما آمده بودند. آنها با ما در دورهٔ آموزشی هلال احمر شرکت داشتند. خطر هنوز وجود داشت و ممکن بود دشمن بی‌رحم، مجدداً محله را بمباران کند؛ برای همین به فکر افتادم که سعید و حمید، عباس را از محل خطر دور کنند و به درمانگاه ببرند. به پای پانسمان‌شدهٔ عباس نگاهی کردم و به خودم گفتم شاید شکستگی هم داشته باشد.

توی کتابچهٔ هلال احمر از ما خواسته بودند: «عضو آسیب‌دیده را بی‌حرکت کنیم. برای انجام این کار، از آتل یا هر وسیلهٔ مناسب دیگری مانند عصا، چوب، خط‌کش و امثال آن، که در اختیار داریم، استفاده کنیم». برای پیداکردن وسیله‌ای که بتوانیم پای عباس را با آن، آتل ببندیم به اطراف نگاه کردم. درختی کمی دورتر بر اثر ترکش بمب، قطع شده و روی زمین افتاده بود. به بچه‌ها گفتم چند تا چوب صاف از این درخت بِکَنند و زود بیاورند. خوشبختانه هنوز یک دقیقه نگذشته بود که بچه‌ها با دست پُر برگشتند. از میان چوب‌ها، سه‌چهارتایشان خیلی صاف و به‌دردبخور بود و ما به‌سرعت با آموزش‌هایی که دیده بودیم پای عباس را آتل بستیم.



فعالیت

در هنگام مواجهه با جراحت‌ها و خون‌ریزی‌ها، با چه وسایلی می‌توانیم جلوی خون‌ریزی بیشتر را بگیریم؟
بهتر است خودمان اقدام کنیم یا با ۱۱۵ (اورژانس) تماس بگیریم؟

من از حمید و سعید خواهش کردم به شکلی که در هلال احمر یادمان داده بودند، عمل کنند و عباس را از مهلکه بیرون ببرند. این روش به «حمل با چهار دست یا چهار مچ» معروف بود: «برای جابه‌جایی مصدومی که آسیب جدی ندارد، هوشیار و سبک وزن است. برای طی مسیری کوتاه، از این روش استفاده می‌شود. دونفر پشت مصدوم می‌ایستند و هر نفر با دست راست خود، مچ دست چپ دیگری را می‌گیرد. در این‌زمان، درحالی‌که روبه‌روی هم هستند؛ مطابق شکل، دست‌های یکدیگر را درهم قفل می‌کنند. بدین‌ترتیب، مصدوم روی چهار مچ قرار گرفته و دست‌های خود را روی شانه‌های دو امدادگر قرار می‌دهد. پس از آن، دو امدادگر می‌توانند عمل حمل را اجرا نمایند».



حمید و سعید فوری دست به‌کار شدند و عباس را به‌طرف درمانگاه بردند. با اینکه علی با ۱۱۵ و ۱۲۵ و ۱۱۲ تماس گرفته بود، اما به نظر می‌رسید با بمباران گسترده‌ای که دشمن در چندتا از محله‌ها انجام داده، نیروهای امدادی به‌زودی نمی‌توانند به سراغ ما بیایند؛ برای همین با احتیاط وارد خانهٔ نیمه‌ویران آقای ادیب شدیم. هنوز دود و غبار در محل اصابت بمب، دید را تیره می‌کرد و درست معلوم نبود که این خانه تا چه حد آسیب دیده و آقای ادیب و زن و بچه‌هایش در چه وضعیتی هستند.

وارد حیاط خانه که شدیم به علی گفتم: «ما یاد گرفتیم که در زمان وقوع انفجار، امن‌ترین مکان، داخلی‌ترین اتاق‌های ساختمان است. امیدوارم این نکته را آقای ادیب و خانواده‌اش رعایت کرده و توی یکی از اتاق‌های امن خونه پناه گرفته باشند». علی گفت: «ساکت باش! گوش بده، انگار از توی خونه صدای ناله میاد». راست می‌گفت. انگار صدای پرستو، دختر کوچک‌تر آقای ادیب، بود. من داد زدم: «آقای ادیب، برای کمک اومدیم. شما کجا هستید؟» که ناگهان صدای نالهٔ همه بلند شد و از توی خانه با هم داد زدند: «کمک! کمک!».

بعد صدای آقای ادیب آمد که ناله می‌کرد و می‌گفت: «ما توی اتاق کنار پذیرایی گیر افتادیم. سقف ریخته و جلوی درِ اتاق رو گرفته». علی داد زد: «کسی از شما دورهٔ هلال احمر رو دیده؟» که دختر آقای ادیب جواب داد: «من پارسال دوره دیدم و کیف امداد هم کنارم هست». همه خوشحال شدیم که یک نفر می‌تواند به آنها کمک کند. پرسیدم: «همه حالتون خوبه؟ داخل کیف چی داری؟» که داد زد: «خوبیم؛ ولی خواهر کوچکم پرستو خیلی ترسیده. توی کیف همه‌چیز هست: گاز استریل، باند، چسب پانسمان، قیچی و از این‌جور چیزها». علی گفت: «سعی کن طبق توصیه‌های هلال‌احمر، خواهرت رو آروم کنی».

در این لحظه، از دوردست صدای چند انفجار آمد. همه نشستیم روی زمین و دستمان را روی سرمان گرفتیم. انگار حالا جان خودمان هم در معرض خطر بود. ناگهان صدای آژیر آتش‌نشانی را که به ما نزدیک می‌شد شنیدیم و از اینکه کمک در راه است و امید نجات آقای ادیب و خانواده‌اش بیشتر شده، خاطرجمع شدیم. با صدای بلند، آقای ادیب را صدا زدم و گفتم: «حاج آقا، خدا رو شکر کمک رسید. لطفاً توصیه‌های دخترخانمتون رو که دورهٔ هلال احمر رو دیده، انجام بدید».

بعد، از خانهٔ آقای ادیب بیرون آمدیم و با مأموران آتش‌نشانی روبه‌رو شدیم، «خدا قوتی» گفتیم و با خیال راحت رفتیم برای کمک به بقیهٔ همسایه‌ها. اهل محل و رهگذران، وحشت‌زده به بالای سر و آسمان نگاه می‌کردند. حالا گردوغبار کمتر شده بود و می‌توانستیم محیط محله را به‌درستی ببینیم.

فعالیت

در زمان بمباران یا حملات موشکی دشمن چه نکاتی را باید رعایت کنیم تا سلامت و ایمن بمانیم و صدمات حملات دشمن را کمتر کنیم؟ در چه شرایطی با ۱۱۵ (اورژانس) و ۱۲۵ (آتش‌نشانی) تماس بگیریم؟

علی شروع کرد به تماس‌گرفتن با مادرش. بعد از چند لحظه مادر علی گوشی را برداشت و اطلاع داد که دشمن نزدیک یک بیمارستان را بمباران کرده و ما باید خیلی مواظب باشیم. علی، چَشمی به مادرش گفت و با ناراحتی زیر لب گفت: «چرا زن و بچه‌ها رو بمباران می‌کنند؟ آنها که نظامی نیستند».



به علی اشاره کردم که زودتر برویم ببینیم چه کاری از دستمان برمی‌آید. علی که داشت زیرلب کلمات نامفهومی را می‌گفت همراه من شد. چند تا کوچه پایین‌تر، بیمارستانی بود که بزرگ‌ترها می‌گفتند در زمان قدیم، یک خیّر زمینش را برای ساخت این بیمارستان وقف کرده است. پیش خودم گفتم: «دشمن به هیچ‌کس رحم نمی‌کنه».

نزدیک بیمارستان که شدیم، غلغله بود. مردمی که مریض‌هایشان توی بیمارستان بودند سراسیمه خودشان را به بیمارستان رسانده بودند. ترافیک سنگین بود و صدای همهمه و بوق، گوش‌ها را کر می‌کرد. علی گفت: «بیا زودتر از اینجا بریم، کاری که از دست ما برنمیاد» و از آنجا دور شدیم.

به محلهٔ هم‌کلاسی‌ام وارطان رسیدیم که بسکتبالش عالی بود و معمولاً تیمشان توی مدرسه اوّل می‌شد. به نظر می‌رسید دو سه تا خانه خراب شده و بر اثر بمباران، دود و شعله‌های آتش هوا را پر کرده بود. نمی‌دانستم خانهٔ وارطان کجاست. جلوتر که رفتیم پیرمردی را دیدیم که روی زمین نشسته بود و به‌شدت سرفه می‌کرد، چندان‌که از چشمانش اشک جاری بود.

رفتیم پیش پیرمرد و علی از او پرسید: «سلام پدرجان، حالتون خوبه؟» و پیرمرد با لهجهٔ ارمنی گفت: «نه حالم خوب نیست، از دود دارم خفه میشم». علی نگاهی به من کرد و گفت: «ببخشید، جاییتون که نشکسته؟ می‌تونید از روی زمین بلند بشید؟ باید شما را ببریم جایی که این‌قدر دود نباشه». پیرمرد با سر تأیید کرد که می‌خواهد از روی زمین بلند شود.

در کتابچهٔ هلال احمر توصیه شده بود: «در صورت بروز علائمی مانند سوزش شدید مجاری تنفسی، سرفهٔ خشک مداوم یا تارشدن دید، باید در اسرع وقت به مراکز درمانی مراجعه کرد یا با پزشک مشورت نمود». برای همین، بلافاصله من و علی پیرمرد را از روی زمین بلند کردیم و همین‌طور که در کتابچهٔ هلال احمر آمده، از روش عصایی استفاده کردیم تا او را از دود و غبار محل دور کنیم و به درمانگاه نزدیک محل برسانیم. در کتابچه، برای انجام روش عصایی تک‌نفره توصیه شده بود: «این روش برای فرد هوشیار که توان ایستادن و گام‌برداشتن دارد، استفاده می‌شود. کمک‌دهنده، به‌عنوان تکیه‌گاه (مانند عصا) از فرد آسیب‌دیده در طول زمان حمل، حمایت می‌کند». اما ما چون به‌تنهایی زورمان نمی‌رسید او را جابه‌جا کنیم، روش عصایی را به دونفری ارتقا دادیم. علی گفت: «فکر کنم ما باعث تکمیل کتابچهٔ هلال احمر شدیم».



بعد از اینکه پیرمرد را به درمانگاه رساندیم، علی گفت: «خیلی خسته شدیم. بهتره کمی استراحت کنیم که بتونیم به کمک‌رسانی ادامه بدیم». من هم که از خستگی نای راه‌رفتن نداشتم، گفتم: «توی کتابچه هم اومده که "حتی در اوج شلوغی، اگر فرصتی پیش آمد، چند جرعه آب بنوشید و چیزی بخورید. مغز برای تصمیم‌گیریِ درست به گلوکز نیاز دارد"؛ پس بپر بریم خونه ببینیم توی یخچال چی داریم بخوریم».

کلام آخر اینکه، من بخشی از خاطراتم را برایتان نقل کردم تا باهم یادمان بماند که هرکدام از ما چه حماسه‌هایی را می‌توانیم در کنار هم خلق کنیم. به علی گفتم: «تنبلی کردی و خاطراتت رو ننوشتی؛ لااقل خاطرات پدرت رو که هنوز کاملاً جراحتش خوب نشده بود به صحنهٔ دفاع از کشور برگشت یا فداکاری‌های مادرت رو در هلال احمر و امدادرسانی‌هایی که در این شرایط جنگی کرد و از همه مهم‌تر کمک‌هایی رو که فرشته‌خانم برای نجات جان مجروحان محل انجام داد، بنویس که خودش چند جلد کتاب میشه».

علی سری تکان داد و گفت: «ما در مقابل این‌همه شجاعت مردم کاری نکردیم. به جای این حرف‌ها باید مهارت‌هامون رو بیشتر کنیم تا در مقابل دشمن کم نیاریم. باید این‌قدر قوی بشیم که دشمن بدونه: هیچ وقت نمی‌تونه یک ایرانی رو تهدید کنه».

فعالیت

بررسی کنید حملهٔ دشمن به کشور ما چگونه باعث وحدت مردم در دفاع از میهنمان شده است. آیا شرکت در دوره‌های آموزشی هلال‌احمر که در رفع آسیب‌های حملات دشمن کارساز است می‌تواند این وحدت را تقویت کند؟

آمار و ارقام جنگ تحمیلی سوم از نگاه جمعیت هلال احمر

۱ تیم واکنش سریع



جنگ دوازده روزه:	۷۰,۰۰۰ نفر
جنگ چهل روزه:	۱۱۰,۰۰۰ نفر
تیم واکنش سریع آموزش‌دیده و تخصصی	
استفاده از ظرفیت:	۲۸,۱۰۶ نفر

مقایسهٔ زمان پاسخ‌گویی

اکنون:	پیش از این:
کمتر از ۴ دقیقه	۱۰ دقیقه



ظرفیت گسترش یافت تا امدادگران در کمتر از چهار دقیقه به محل‌های مورد نیاز برسند

۲ نجات از زیر آوار و مناطق درگیر



۷,۲۱۵ نفر
نجات زنده از زیر آوار

بیشترین نجات یافتگان: تهران

بیشترین حملات
تهران، هرمزگان، اصفهان، بوشهر و خوزستان

بیشترین محل‌های اصابت
تهران، هرمزگان، خوزستان، بوشهر و آذربایجان شرقی

۳ ناوگان امدادی



۲۰۰
دستگاه خودوی امدادی وارد کشور شده



۲,۵۱۵
آمبولانس



۷,۶۰۰
دستگاه خودروی نجات

۴ سامانه ۴۰۳۰



۲۰۵,۰۵۸
تماس مردمی پاسخ داده شده در حوزهٔ سلامت روان و مشاوره



۲,۳۸۸
متخصص شبانه‌روزی

۵ خسارت به واحدهای غیرنظامی



۱۴۹,۵۲۸
واحد غیرنظامی آسیب‌دیده

۲۴,۴۵۰ واحد تجاری	بیش از ۱۲۳,۰۰۰ واحد مسکونی



۳۵۰
مرکز بهداشتی، درمانی و اورژانس مورد حمله قرار گرفت

۶ شهدای امدادگر

جنگ دوازده روزه



۵ نفر



جنگ رمضان



۴ نفر

۷ آموزش و ارتباطات



۳,۰۰۰,۰۰۰
آموزش چهره به چهره



۸,۰۰۰,۰۰۰
مخاطب مجازی

نکتهٔ مهم

دانش‌آموزان داوطلب، با مطالعهٔ کتابچهٔ دورهٔ کمک‌های اوّلیه در شرایط اضطراری ویژهٔ دانش‌آموزان دورهٔ متوسطه که در رمزینهٔ درس پیوست شده است و شرکت در آزمون آن و کسب امتیاز لازم می‌توانند گواهی‌نامه «دورهٔ کمک‌های اوّلیه در شرایط اضطرار» را از جمعیت هلال‌احمر دریافت کنند.

پرسش‌های درس:

۱ـ قانون طلایی نجات در برخورد اوّل با هر حادثه چیست و چرا حفظ سلامت امدادگر بر مصدوم اولویت دارد؟
۲ـ زلزله یا زمین‌لرزه را تعریف کنید.
۳ـ راه‌های جلوگیری از آسیب‌های بیشتر زلزله را بیان کنید.
۴ـ فرد در زیر آوار چه کارهایی می‌تواند انجام دهد که به زنده‌ماندن و نجاتش کمک کند؟
۵ـ برای کمک به فرد زیرآوار مانده چه کارهایی می‌توان انجام داد؟
۶ـ چرا تا زمانی که محیط امن‌نشده یا تهدیدی مثل تیراندازی، آتش‌سوزی، احتمال ریزش آوار مجدد و... پابرجا باشد، امدادگری ممنوع است؟
۷ـ اطلاع از هوشیاری مصدوم در زمان امداد و نجات او چه اهمیتی دارد؟
۸ـ نام محتویات کیف امداد را بنویسید. ترتیب چیدمان آنها در کیف چگونه باید باشد؟
۹ـ در چه مواقعی تماس با ۱۱۲ و ۱۱۵ و ۱۲۵ ضروری است؟
۱۰ـ بررسی چه علائم حیاتی در مصدوم در اولویت امداد و نجات قرار دارد؟
۱۱ـ اگر مصدوم خون زیادی از دست داده باشد، ممکن است دچار حالت شوک شود. علائم شوک در این حالت را بنویسید؟
۱۲ـ چه نکاتی را در آتل‌بندی باید رعایت کنیم؟
۱۳ـ برای انتقال مصدوم در چه شرایطی استفاده از «روش عصایی» توصیه می‌شود؟
۱۴ـ به نظر شما چه بخش‌های دیگری نیاز است که به این درس اضافه شود؟